



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارشد
علیه
اصحاب
السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



آشنائی با
زندگی و شخصیت و شہادت
ولایت امام زمان (عج)

آیت اللہ فقیہ احمد آبادی

مشورۃ
(صاحب مکیاں الکرام)

پہ قلم: علامہ سید محمد آصفی مقدس قلمبر ذوالجلال
میر سید محمد سعید علی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آشنائی با زندگی و شخصیت و شہادت دل باخته امام زمان (عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف) آیت اللہ فقید احمد آبادی مشہور بہ (صاحب مکیال المکارم)

نویسنده:

سید حجت موحد ابطحی

ناشر چاپی:

محب العترة الطاهرة

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانہ ای قائمہ اصفہان

فهرست

فهرست	۵
آشنائی با زندگی شخصیت و شهادت دل باخته امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آیت الله فقید احمد آبادی مشهور به (صاحب مکیال المکارم)	۱۱
مشخصات کتاب	۱۱
اشاره	۱۲
(إهداء)	۱۶
پیش گفتار	۱۸
بشارت ها و اشارت ها	۱۸
نسب و خاندان علمی و دینی آیه الله فقیه أحمد آبادی	۲۰
اشاره	۲۰
نسب و خاندان علمی	۲۲
همسری لایق، و بانویی با ایمان	۲۳
دو قضیه جالب و ارزش مند	۲۴
سال های آخر عمر و بدرود زندگی	۲۶
فعالیت های درسی و تحقیقی و آثار علمی آیه الله فقیه أحمد آبادی	۲۸
اشاره	۲۸
أساتید و مرتبان	۳۰
شاگردان	۳۳
افتخاری بزرگ و أدب أخلاقی جالب	۳۵
تألیفات و آثار قلمی	۳۶
نسخه برداری از کتب علمی	۴۱
چاپ و نشر کتاب مکیال المکارم	۴۳
کرامتی و عنایتی برای انتشار کتاب مکیال المکارم	۴۴
ترجمه مکیال المکارم، و انتشار وسیع آن	۴۵
مکیال المکارم در مسیر کتاب درسی شدن: در مجامع حوزوی و دانشگاهی	۴۵

۴۸	فضائل اخلاقی و مناقب روحی آیه الله فقیه أحمد آبادی
۴۸	اشاره
۵۰	فضائل اخلاقی و مناقب روحی آیه الله فقیه أحمد آبادی: (در یک نگاه)
۵۱	خلوص نیت و توجه به خدا
۵۲	تهجد و سوز و گداز در دل شب
۵۶	علاقه و محبت شدید نسبت به حضرت زهراء علیها السلام: و سوز و گداز و اشک روان در مصیبت آن حضرت
۵۸	خدمت گزاری در عزای حسینی
۵۹	نبوغی برجسته و ذهنی سرشار
۵۹	پشت کار و جدیت
۶۰	نظم در امور
۶۰	مجمع زیبایی های طبیعی و معنوی: (و خطی زیبا)
۶۲	آیه الله فقیه أحمد آبادی در سنگر فعالیت ها و هدایت ها و ارتباطات اجتماعی
۶۲	اشاره
۶۴	عمری کوتاه ولی پر برکت
۶۴	عنایت و توجه به هدایت عمومی و راهنمایی عامه مردم
۶۶	جایگاه معنوی برجسته در افکار عمومی
۶۷	مجاهده و مبارزه با مفسد
۶۸	نجات گرسنگان مضطر در دوره قحطی
۶۸	مسافرت های آیه الله فقیه احمد آبادی
۶۹	جلسه ای دوستانه و سیار و خاطره ای جالب
۷۱	مسجد شعیبای نبی علیه السلام و مدرسه امام زاده اسماعیل علیه السلام: محل اقامه جماعت و تدریس آیه الله فقیه أحمد آبادی
۷۱	آستان مقدس امام زاده اسماعیل علیه السلام و مسجد شعیبای نبی علیه السلام: «أولین مسجدی که در اصفهان بنا شده است»
۷۳	مسجد شعیبای نبی علیه السلام أولین مسجد اصفهان
۷۵	رونق و عظمت آستان مقدس امام زاده اسماعیل علیه السلام
۷۶	مدرسه امام زاده اسماعیل علیه السلام = مدرسه ابراهیم بیک
۷۸	نظارت خاندان علمی آیه الله فقیه أحمد آبادی: بر مسجد شعیبای نبی علیه السلام و آستان مقدس امام زاده اسماعیل

۷۹	توجه و عنایت به فرزندان و تربیت آن ها
۸۰	خواستگاری با صفا، و ازدواجی مقدر
۸۱	آیت الله فقیه ایمانی: همراهی در طریق نور، و هم سفری در مسیر جانان
۸۸	نظری و عنایتی، در شبی بیاد ماندنی
۹۳	گزیده ای دیگر، از سروده مفصلی در باب انتظار فرج: صاحب الزمان، حجة بن الحسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه شریف)
۹۴	جلوه هائی از عنایات خاضة أهل البيت عليهم السلام به آية الله فقیه أحمد آبادی
۹۴	اشاره
۹۶	پیش گفتار: علماء موفق، مشمولان عنایت اهل البيت عليهم السلام
۹۷	عنایت های ویژه و ألفت مخصوص
۹۸	شب های نور و زمزمه های انس
۱۰۱	تشریف بزرگ و از أسرار
۱۰۳	دیداری دیگر و فیضی برتر: (فرمان تألیف کتاب مکیال المکارم)
۱۰۴	عنایتی و کرامتی دیگر
۱۰۵	دیداری پر برکت و افاضه های علمی و معنوی
۱۰۷	و این هم عنایتی و کرامتی
۱۰۸	عنایتی دیگر و گشایشی بی گمان
۱۰۹	گشایشی الهی و هدایتی معنوی
۱۰۹	بیان یک توشل به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف)
۱۱۱	تابشی نورانی و جلوه ای سحری
۱۱۱	امدادی غیبی و عنایتی حسینی
۱۱۳	از جانب مولی عنایت می رسد
۱۱۳	سیمائی نورانی و جلوه ای مهدوی
۱۱۴	رؤیائی جالب، و مقامی رفیع، و آرزوئی بزرگ
۱۱۶	عنایتی جالب، در سفری مورد عنایت
۱۱۶	داستانی جالب و کرامتی شگفت: از امام حسین علیه السلام در سفر کربلا
۱۱۸	رؤیائی عجیب که حدیثی جالب را تفسیر می کند

- ۱۱۹ اکنون با توجّه به توضیح یاد شده، به این جریان شگفت‌انگیز توجّه فرمائید:
- ۱۲۰ روح مقدّس صاحب مکیال المکارم راهنمایی می‌کند -
- ۱۲۱ چند کرامت در یک داستان، در رابطه با «کتاب آئین جمعه» -
- ۱۲۴ پرواز به سوی حق یا شهادت و ارتحال آیه الله فقیه أحمد آبادی -
- ۱۲۴ اشاره -
- ۱۲۶ پرواز به سوی حق، در ماه ضیافت الهی -
- ۱۲۷ چرا و چگونه شهادت ؟ -
- ۱۲۹ داستان شهادت -
- ۱۳۰ زمزمه‌هایی در آستانه سفر، و در هنگامه پرواز: «قبل از شهادت» -
- ۱۳۱ دوات پر مرکب زیر خاک رفت -
- ۱۳۴ بقعه و مزار صاحب مکیال المکارم آیه الله سیّد محمّد تقی فقیه أحمد آبادی -
- ۱۳۴ اشاره -
- ۱۳۶ مرقد مطهر آیه الله فقیه أحمد آبادی قدس سره : در تخت فولاد و لسان الأرض -
- ۱۳۶ تخت فولاد، نمایان گر عظمت علمی اصفهان -
- ۱۳۷ تخت فولاد یاد آور چهره‌های درخشان -
- ۱۳۸ تاریخیّه گورستان تخت فولاد: و دفن اموات در آن -
- ۱۴۰ اهمّیت معنوی و تاریخی گورستان تخت فولاد -
- ۱۴۱ لسان الأرض، نشانه‌ای تاریخی و معنوی، در تخت فولاد -
- ۱۴۲ ورود امام حسن علیه السلام به اصفهان -
- ۱۴۳ قبر حضرت یوشع علیه السلام، نشانه‌ای تاریخی و معنوی: برای تخت فولاد و لسان الأرض -
- ۱۴۴ تخت فولاد، محلّ عبادت و تحصیل علم -
- ۱۴۵ توسّل به نماز امام حسن مجتبی علیه السلام : در سر زمین لسان الأرض -
- ۱۴۵ تأسیس بقعه صاحب مکیال المکارم -
- ۱۴۶ مشکلاتی در راه رسیدن به مقصود -
- ۱۴۸ شتاب حرکت -
- ۱۴۸ مراسم کلنگ زنی -

اجتماعی بزرگ و نورانی	۱۴۹
عنایتی عجیب و کرامتی بزرگ	۱۵۰
اجتماعی دیگر و افاضه‌هایی گسترده‌تر	۱۵۲
دو دفعه دعای عهد خوانده شد، دو دفعه تشرّف حاصل شد	۱۵۳
نتیجه‌گیری	۱۵۵
سروده‌ها و اشعار آیه الله فقیه احمد آبادی (عربی و فارسی)	۱۵۸
اشاره	۱۵۸
آثاری جاوید و یادگار هائی ماندگار	۱۶۰
سروده‌های فارسی آیه الله فقیه احمد آبادی	۱۷۰
«بنای دل»	۱۷۰
تّلی نمودن دل از اغیار	۱۷۲
آماده باش	۱۷۴
توشه از دست رفته، و راه در نیمه	۱۷۴
یا صاحب الزّمان	۱۷۵
آه و ناله در فراق یار	۱۷۷
نظری سوی ما فکن	۱۷۸
جان به لب رسید	۱۷۹
جهان گلستان گردد	۱۸۰
حدیث محبّت	۱۸۰
خون دل از هجر...	۱۸۱
لقاء طلعت زیبا	۱۸۲
رباعیات	۱۸۲
آیه الله فقیه احمد آبادی از دیدگاه صاحب نظران و صاحبان تراجم	۱۸۹
اشاره	۱۸۹
آیه الله فقیه احمد آبادی، از دیدگاه صاحب نظران	۱۹۱
شخصیت علمی و معنوی آیه الله فقیه احمد آبادی: از دیدگاه آیه الله العظمی آقای صافی گلپایگانی	۱۹۲

آیه الله فقیه أحمد آبادی: افتخار شیعه و مجتهدی بزرگ	۱۹۶
آیه الله فقیه أحمد آبادی، در کتب تراجم	۱۹۸
مقالاتی مبسوط از چند شخصیت معاصر: درباره آیه الله فقیه أحمد آبادی قدس سره	۲۰۰
با کتاب «مکیال المکارم»	۲۰۰
پیمانه نیکی ها	۲۰۵
ستاره فروزان	۲۰۹
آیه الله فقیه أحمد آبادی، مورد رضایت خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) و پرچم دار بزرگ مکتب انتظار	۲۱۵
آیه الله فقیه أحمد آبادی از دیدگاه شعراء و سرایندگان	۲۲۷
اشاره	۲۲۷
آیه الله فقیه أحمد آبادی، از دیدگاه شعراء	۲۲۹
فهرست مطالب	۲۶۱
(تشکر و سپاس گزاری)	۲۷۴
درباره مرکز	۲۷۵

آشنائی با زندگی شخصیت و شہادت دل باختہ امام زمان (عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف) آیت اللہ فقید احمد آبادی مشہور بہ (صاحب مکیال المکارم)

مشخصات کتاب

(شناسنامہ کتاب)

نام کتاب: زندگی و شخصیت و شہادت دل باختہ امام زمان علیہ السلام آیت اللہ فقیہ احمد آبادی

نویسنده: میر سید حجۃ موحد ابطحی، فرزند مرحوم آیت اللہ، حاج سید مرتضیٰ موحد ابطحی و مرحومہ حاجیہ منصورہ خانم فقیہ احمد آبادی، بنت مرحوم آیت اللہ موسوی احمد آبادی قدس سرہ

تاریخ انتشار: آبان ماہ 1379 شمسی، مطابق با نیمہ شعبان 1421 قمری، سال روز میلاد مقدس حضرت بقیۃ اللہ، حجۃ بن الحسن العسکری ارواحنا فداء

ناشر: انتشارات صغیر

بہ اہتمام: دفتر تبلیغات المہدی (عجل اللہ تعالیٰ فرجہ شریف) - اصفہان

حروف چینی و صفحہ آرائی: محب الزہراء علیہا السلام - اصفہان

چاپ: سفیر اصفہان

تیراژ: ...

قیمت: ...

تمامی حقوق چاپ و نشر مجدد کتاب متعلق بہ نویسندہ می باشد.

اصفہان - خیابان احمد آباد - نزدیک مہدیہ علیہ السلام

کوچہ ملک الأطباء - بیت الزہراء علیہا السلام

حاج سید حجۃ موحد ابطحی

خیراندیش دیجیتالی: انجمن مددکاری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم زهرا روؤفی

ص: 1

اشاره

آشنائی با زندگی شخصیت و شہادت دل باخته امام زمان (عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف) آیت اللہ فقید احمد آبادی مشہور بہ (صاحب
مکیال المکارم)

بہ قلم: خدمت گزار آستان مقدس فاطمہ زہرا علیہا السلام

میر سید حجة موحّد ابطحی

ص: 2



تمثال مبارك عالم كامل، محقق مدقق مرحوم

آية الله حاج ميرزا محمد تقی موسوی احمد آبادی قدس سره

صاحب كتاب مكيال المكارمة

ص: 3

یا قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه

بیا بیا که جان ما بلب رسید و تلف شد *** سپید گشت چشم ما بره ز انتظار

ص: 4

به پیش گاه مقدّس:

امید همهٔ انبیاء و اولیاء و صلحاء و ستم دیدگان و وارث و منتقم خون همهٔ پیامبران و امامان و شهیدان راه حق و فضیلت، بالأخص فاطمة الزّهراء علیها السلام

یعنی الإمام الحجة القائم المنصور المنتظر المهدي، بقيّة الله في الأرضين الحجة بن الحسن العسكري (عجل الله تعالی فرجه شریف) و نیز به محضر مبارک همهٔ پرچم داران مکتب انتظار، و دل سوختگان و دل دادگان به آستان مقدّس آن حضرت اهداء می گردد.

ص: 5

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

(اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا وَ حَبِيبِنَا الَّذِي بُعِثَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ، وَ بَشِيرًا لِّلْمُذْنِبِينَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ
وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَنْجَبِينَ، لَا سَيِّمًا إِلَّا مَامَ الْمُنتَظَرِ، وَ الْوَلِيِّ الْمُنتَقِمِ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ (عجل الله تعالى فرجه شريف)
وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ)

آمين آمين آمين

ص: 6

چندین سال بود در اندیشه بودم که اقدامی بشود برای تأسیس بقعه ای بر مرقد مطهر فدائی و فانی در راه امید دل سوختگان و پناه بی پناهان، و یاور بی چارگان حضرت بقیة الله الأعظم، حجة بن الحسن العسکری (عجل الله فرجه الشریف) یعنی فقیه و مجتهد محقق، و محدث و رجالی مدقق، و متکلم و ادیب متبحر، و شاعر و خطیب متنسک، دل سوخته و دل باخته امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) مرحوم آية الله، سید محمد تقی موسوی فقیه احمد آبادی قدس سره، ولی در اثر شرائط اجتماعی و مسائل گوناگون محلی و منطقه ای علی رغم اصرار و علاقمندی دوست داران امام زمان، زمینه دست یابی به مقصود فراهم نمی گشت تا آن که در نیمه دوم سال 1420 قمری، مقدمات کار آماده گردید، و در آخرین جمعه ماه مبارک رمضان با حضور جمعی از علاقمندان و دوست داران خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و عده ای از دل بستگان به وجود حضرت بقیة الله الأعظم علیه السلام پس از انجام مراسم توسل به ذیل عنایت آن حضرت، کلنگ تأسیس بقعه زده شد، و فعالیت برای طراحی و نقشه کشی و کارهای ساختمانی شروع گردید.

بشارت ها و اشارت ها

هم زمان با انجام مراسم کلنگ زنی و تشکیل جلسه هیئت امناء، برای تأسیس بقعه، از ناحیه های گوناگون و به وسیله کسانی که از طرق ظاهریه در

جریان امور نبودند، اشاره های جالب و بشارت های معنوی نیروبخش، دریافت گردید، که به خوبی تأیید معنوی محسوب شد و مایه دل گرمی دست اندر کاران تأسیس بقعه گردید، در این هنگام، بنظرم رسید که هم زمان با این حرکت و اقدام ارزش مند و مورد عنایت صاحبان ولایت علیهم السلام شرح حال فشرده ای درباره این بزرگ مرد الهی و فدائی و شهید در راه خدا و اهل البيت علیهم السلام منتشر سازم، که تا حدودی ابعاد شخصیت و عظمت، و مجاهدات و کوشش های علمی و معنوی این یار و یاور دین، و عاشق و دل داده حضرت مهدی علیه السلام ما را برای عموم دوست داران اهل البيت علیهم السلام و بالأخص شیفتگان و منتظران حضرت بقیة الله الأعظم. حجة بن الحسن العسکری عجل الله فرجه الشریف روشن سازد، و بدین منظور، سلسله مطالبی در 10 فصل، در برابر افکار علاقمندان قرار می دهیم، باشد که أداء حقّی در برابر حقوق فراوان آن بزرگ مرد، و عرض ارادتی نسبت به مولا- و آقای شیعیان، و امید امیدواران، و پناه بی پناهان، صاحب العصر و الزّمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) به شمار آید.

(وَاعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ)

خدایا! ما را بر آدای حقوق امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) یاری فرما

ص: 8

نسب و خاندان علمی و دینی آیه الله فقیه أحمد آبادی

اشاره

ص: 9

مرحوم آية الله، آقا سيّد محمد تقی موسوی فقيه احمد آبادی قدس سره از يك خاندان علمی، و دارای شخصیت اجتماعی برخاسته، و سلسله نسب شریف و افتخار آمیز ایشان، چنین می باشد:

سيّد محمد تقی بن سيّد عبد الرزّاق بن سيّد عبد الجواد بن سيّد مهدي بن مير قاضي بن سيّد محمد (نائب الصّدر) بن مير محمد تقی موسوی (وزير شاه صفی، مشهور به شاه سليمان صفوی، و هم سفر او در سفر خراسان و مشهد مقدّس (1)).

پدر بزرگوار ایشان، مرحوم آقا ميرزا عبد الرزّاق موسوی، عالم ربّانی، و حبر صمدانی، فقيه آل رسول، و رئيس علمای فحول، در بر دارنده دو مرتبه علم و عمل، و دوری جوینده از هر نقص و زشتی، بوده است (2) و او را یکی از علمای معروف به اجتهاد و درستی بر شمرده اند.

مادر ایشان، فرزند عالم صالح، و اديب بزرگوار، مرحوم حاج ميرزا حسين

ص: 11

1- مقدّمه نور الأبصار، صفحه 11

2- آثار التّقوی، از علامه، آقا سيّد محمد علی روضاتی، بنقل از یکی از تألیفات آية الله موسوی أحمد آبادی

(نائب الصدر) خاتون آبادی، متوفای 1326 قمری (1) بوده (2) و دانی ایشان فقیه و مجتهد عظیم الشان، و محقق و مدرّس عالی مقام، مرحوم آیه الله آقا میر محمد صادق خاتون آبادی، متوفای 1348 قمری بوده، که از رؤسای علماء و مراجع بزرگ علمی و دینی و اجتماعی به شمار رفته، و حوزه درسی او محلّ اجتماع افاضل بوده، و از مفاخر شاگردان مرحوم آخوند خراسانی (صاحب کفایة الاصول) و یار و معین آن بزرگ مرد در تألیف کتاب یاد شده بوده است.

و در یک کلام، خاندان آن بزرگ مرد در علم و تقوی مورد توجه بوده، و در میان آن ها رجال و شخصیت هایی بوده اند که مورد احترام و مراجعه مردم، و عهده دار مقام ارشاد و هدایت دینی جامعه بوده اند.

همسری لایق، و بانوی با ایمان

همسر مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی، بانوی صالحه و عابده، مرحومه (خانم آقا) فرزند مرحوم مغفور آقای محمد جعفر، بودند و عموماً افراد خانواده و افراد فامیل شان، مردان و زنانی با ایمان، و از شیفتگان خاندان رسال علیهم السلام و نیز دارای نجابت و صداقت، و علاقمند به سادات و ذراری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده اند.

این بانوی صالحه، در کثرت توسّل و استمداد از ارواح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه

ص: 12

-
- 1- وی دارای مقام رفیع معنوی و حالت تسلیم در برابر رضای امام زمان علیه السلام بوده است (مکیال المکارم، جلد 2، صفحه 310)
 - 2- و از این طریق، آیه الله موسوی احمد آبادی، با خاندان علمی و بزرگ خاتون آبادی ارتباط پیدا می کنند.

معصومین علیهم السلام و امام زادگان عظیم الشان و اولیاء الله، و بالأخص در توسّل به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) و عریضه نوشتن به محضر آن حضرت، زبان زد بودند، و مشکلات بسیار زیادی را در زندگی خود و فرزندان و بستگان شان (که لا ینحلّ شمرده می شد) با توسّلات مخلصانه و مستمر، بر طرف می نمودند، و گاهی به بعضی از کسانی که در مشکله ای بزرگ گرفتار شده، و به بن بست رسیده بودند، می گفتند: چرا توسّلی جدّی پیدا نمی کنی؟ من فلان و فلان مشکل غیر قابل حل را، با توسّل و استمداد از اولیاء خدا، بر طرف کردم.

این بانوی صالحه، علاوه بر تشرفاتی که در عالم رؤیا به محضر اولیاء الهی داشتند، به دنبال یک ختم مفصّل و طولانی و سنگین، حضرت خضر نبی علیه السلام را در بیداری ملاقات نموده، و شرفیاب محضر شان گردیدند.

دو قضیه جالب و ارزش مند

1- شبی مرحومه حاجیه منصوره خانم فقیه أحمد آبادی (فرزند صاحب مکیال المکارم، و همسر مرحوم آیه الله، حاج سیّد مرتضی موحد ابطحی قدس سره) در عالم رؤیا می بیند در کنار چشمه ای که از خیابان احمد آباد گذر می کرد، و پلی بر روی آن زده شده بود، که به آن «پل بلند» می گفتند، آقائی بزرگوار و نورانی و خوش سیما، ایستاده، و فرمودند: به مادرت بگو چرا مدّتی است برای من نامه نمی نویسد؟ فردای آن شب، همسر مرحوم آیه الله، فقیه أحمد آبادی به منزل فرزند شان (حاجیه منصوره خانم) می آیند و ایشان از مادر سؤال می کنند شما عریضه نوشتن به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) را ترک کرده اید؟ مادر می پرسند: چطور؟ ایشان جریان رؤیای خود را می گویند، همسر آیه الله

فقیه أحمد آبادی منقلب می شوند و توضیح می دهند که، من به فکر افتاده بودم، آیا عریضه هائی که به محضر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) می نویسم، به دست ایشان می رسد یا نه؟ و لذا مدّتی بود بطور کلی عریضه نوشتن را ترک کرده بودم، و به هیچ کس اظهار نکردم تا به بینم نشانه ای ظاهر می شود یا نه؟ تا این که شما این خواب را دیده اید، و معلوم می شود که نه تنها عریضه ها به دست حضرت می رسیده، بلکه در این مدت هم که برنامه ام را ترک کرده ام، آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) متوجّه بوده اند، و از روی لطف و عنایت فرموده اند که: (به مادرت بگو چرا مدّتی است برای من نامه نمی نویسد؟).

جالب است، بدانیم که همسر آیه الله فقیه احمد آبادی عریضه های خود را به محضر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) در همین چشمه و در همین قسمت از آن، که معروف به «پل بلند» است می انداخته اند، و آقا امام زمان، حضرت بقیّة الله (عجل الله تعالی فرجه شریف) هم، در عالم رؤیا، در همان محل ایستاده بوده اند.

2- در حدود چهل سال قبل، مرحوم آیه الله، حاج سیّد مرتضی موحد ابطحی قدس سره به اتفاق همسر شان مرحومه حاجیه منصوره خانم فقیه احمد آبادی، به قصد حجّ بیت الله الحرام و زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه بقیع علیهم السلام، به مکه معظمه و مدینه منوره مشرف گردیدند، و روز های زیادی گذشت و نامه یا خبری از آن ها نرسید، و همه نگران گردیدند. روزی همسر آیه الله فقیه احمد آبادی (مادر حاجیه منصوره خانم) به منزل فرزند شان می آیند، و مشغول ختم صلوات (که مشتمل بر فرستادن چهارده هزار صلوات در یک مجلس می باشد) می شوند، که ناگاه صدای در خانه بلند می شود، ایشان می فرمایند بروید در را باز کنید که نامه خبر سلامتی مسافران رسیده است،

و در هنگامی که در را باز می کنند، ملاحظه می نمایند که نامه رسان است، و خبر سلامتی زائران را آورده است. از ایشان سؤال می شود که از کجا فهمیدید که صدای درب خانه از نامه رسان است؟ فرمودند من ختم صلوات را شروع کردم، و یقین داشتم که لطف اهل بیت و چهارده معصوم علیهم السلام در آن حدّ است که ختم و توسّل من تمام نشده، حاجتم را روا می سازند، و از مکه و مدینه، خبر خوش می رسد.

سال های آخر عمر و بدرود زندگی

این نویسنده کم ترین، سال های آخر عمر این بانوی با ایمان و فداکار و مخلص را، درک نمودم، و نشانه های ارزش مندی، از حالات روحی و معنوی آن مرحومه را شخصاً ملا-حظه می نمودم، و ایشان در سال 1388 قمری بدرود حیات گفتند، و در طرف شرق تکیه سادات أحمد آبادی، در فاصله چند متری مرقد مطهر همسر بزرگوار شان، مرحوم آیه الله فقیه أحمد آبادی، مدفون گردیدند.

اَللّٰهُمَّ اَرِنِي الطَّاعَةَ الرَّشِيْدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيْدَةَ

ص: 15



آیة الله فقیه أحمد آبادی قدس سره، نزد جمعی از علماء و مجتهدین بزرگ، کسب علم و کمال و أخلاق نموده، و به مناسبت هائی در ضمن تألیفات خود، با تجلیل و احترام زیاد از آن ها یاد می نمایند، و از بعضی از آن ها اجازه اجتهاد یا روایت دریافت نموده اند، که ذیلاً به برخی از آن ها اشاره می نمائیم:

1- پدر بزرگوار شان، عالم کامل، و جامع معقول و منقول، آقا سیّد عبد الرزاق موسوی، متوفای 1319 قمری، که علاوه بر تعلیم، عهده دار تربیت و تکامل اخلاقی و معنوی فرزند عزیز خود بوده است.

2- عالم ادیب، آقا سیّد میرزا اسد الله، که استاد صرف و نحو مرحوم آیة الله فقیه أحمد آبادی، و پسر عمّه ایشان بوده است.

3- ادیب نام دار، آقا سیّد محمود کلیشادی، متوفای 1324 قمری، که مدرّسی نام دار، و شاعر و ادیبی محقق بشمار آمده، و دارای تألیفاتی در علم نحو و صرف و حدیث و مواعظ و متفرّقات بوده است، و بسیاری از علماء و فضلاء، از شاگردان او بوده اند. (1)

مرحوم آیة الله فقیه أحمد آبادی برخی از نظریّات ادبی آن بزرگ مرد را، در تألیفات خود نقل نموده اند. (2)

4- فقیه و مرجع بزرگوار و عظیم الشان، مرحوم آقا سیّد أبو القاسم دهکردی، متوفای 1353 قمری، که از بزرگان علم و اجتهاد، و از مدرّسین نام دار بشمار

ص: 19

1- دانش مندان و بزرگان اصفهان، صفحه 494

2- رساله آثار التّقوی، صفحه 16

رفته، و از شاگردان میرزای شیرازی اعلی الله مقامه، و حاجی نوری و آقا شیخ زین العابدین مازندرانی (در نجف اشرف) و آقا میرزا أبو المعالی کرباسی و آقا میرزا محمد حسن نجفی و آقا شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی (در اصفهان) بوده، و در مدرسه صدر بازار، حوزه درسی داشته است، و بیش از 15 کتاب از تألیفات آن بزرگ مرد، نام برده شده است.

آیة الله فقیه أحمد آبادی، در زمینه فقه و اصول، مدّتی از درس این بزرگوار استفاده نموده، و اجازه اجتهادی و روایتی بسیار جالب، با محتوایی بسیار عالی، از آن فقیه و مرجع عظیم الشان، دریافت نموده است.

5- محقق نام دار و فقیه و مرجع عالی قدر، و مدرّس عظیم الشان، مرحوم آقا شیخ عبد الکریم گزی، متوفای 1339 قمری، که در علم و اجتهاد، اخلاق و تواضع، و حلّ مشکلات دینی و اجتماعی، از مفاخر حوزه علمیّه اصفهان بوده و علاوه بر تدریس و تألیف کتب متعدّده، در رسیدگی به امور و حلّ مسائل پیچیده، چهره ای بی نظیر بوده است. مرحوم آیة الله فقیه أحمد آبادی از این بزرگ مرد، اجازه روایتی دریافت نموده است.

6- مجتهد و فقیه ادیب، و عالم فاضل کامل، مرحوم آیة الله، حاج میرزا بدیع درب امامی، متوفای 1318 قمری، که از مشاهیر علماء و مدرّسین نام دار حوزه علمیّه اصفهان، در مدرسه نیم آور بوده، و پدران او از علماء و دانش مندان اصفهان، و محلّه درب امام بوده اند. آن بزرگ مرد، علاوه بر مقامات علمی، دارای خطّی نیکو، و امتیازی در شعر و ادب بوده، و تألیفاتی در فقه و اصول، و نیز دیوان اشعار داشته است.

7- مجتهد محقق، و فقیه مدقّق، و رجالی متبحّر، مرحوم حاج آقا منیر الدّین

بروجردی، متوفای 1342 قمری، که از شاگردان میرزای بزرگ شیرازی (در سامراء) و آقا شیخ محمد باقر مسجد شاهی (در اصفهان) بوده است، و علاوه بر مقامات علمی و معنوی و اخلاقی، و احراز مقام تدریس و افتاء، و نیز تألیف کتب گوناگون در فقه و اصول و رجال و رواة حدیث، از مراجع دینی و مورد توجه بوده، و دارای نفوذ معنوی و اخلاقی بشمار رفته است.

8- حکیم و عارف نام دار، مرحوم آخوند ملا محمد کاشانی (معروف به آخوند کاشی)، متوفای 1333 قمری، که از نوادر روزگار، و صاحب کشف و کرامات، و قضایای عجیب و شگفت انگیز بوده است، و در نیمه اول قرن چهاردهم، همانندی برای او نبوده، و در علم و عمل، و زهد و تقوی، و تسلط بر حکمت علمی و عملی، یگانه روزگار بشمار رفته است.

9- فقیه زعیم، و مجتهد نام دار، مرحوم حاج میر محمد صادق خاتون آبادی، متوفای 1348 قمری، که از مفاخر حوزه علمی اصفهان، و دارای شخصیتی برجسته در علم و تدریس و تحقیق بوده است.

مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی، بعضی از نظریات تفسیری خود را، از این بزرگ مرد نقل می نمایند. (1)

10- فقیه اصولی، و مجتهد عظیم الشان، آخوند ملا حسین فشارکی، متوفای 1353 قمری، که از مفاخر علمی و دینی در حوزه علمی و شهر مذهبی اصفهان به شمار رفته، و جمع زیادی از علماء و فضلاء، در زمره شاگردان او بوده، و از حوزه درسی آن بزرگ مرد، بهره می گرفته اند.

ص: 21

آخوند فشارکی، در اواخر عمر، مرجعیت تامه یافت، و در حل مسائل دینی و اجتماعی چهره ای مبرز و مورد توجه گردید، و علاوه بر حواشی علمی بر کتب بزرگان، رساله عملیه ای برای مقلدین خود تألیف نمود، و عده ای از شاگردان خود را به دریافت اجازه مفتخر فرمود. (1)

11- فقیه و مرجع بزرگوار، آیه الله، آقا سید محمد باقر درجه ای، متوفای 1342 قمری، که از چهره های مبرز در حوزه علمیه اصفهان، و استادی عظیم الشان بودند، و از نظر تقوی و زهد دارای مقامی بسیار بلند بشمار می رفتند. این بزرگ مرد نیز در شمار اساتید آیه الله فقیه احمد آبادی قدس سره، ذکر گردیده اند. (2)

شاگردان

عده ای از فضلاء و طلاب علوم دینی، از محضر آن بزرگ مرد علم و تحقیق، کسب علم و فضیلت و اخلاق و کمالات معنوی می نموده اند، که از جمله آن ها، مرحوم آیه الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره (3)، متوفای 1413 قمری،

ص: 22

- 1- دانش مندان و بزرگان اصفهان، صفحه 285
- 2- مقدمه وظیفه الأنام، به قلم نویسنده مشهور، آقای حسین عماد زاده، صفحه 8
- 3- فقیه طبیب، و مفسر متکلم، و مدرّس خطیب، و محقق متبحر، علامه، حاج سید مرتضی موحد ابطحی، متولد 1319، و متوفای ایام فاطمیه 1413 قمری، از شخصیت های کم نظیر عالم روحانیت بودند، که در دوران حکومت جبار و طاغوتی پهلوی اول (که سخت ترین دوره حیات حوزه علمیه و روحانیت، در یک صد سال اخیر بوده است) درخشان ترین مبارزه و مقاومت را از خود نشان دادند، و تمامی فرزندان خود را در سبک روحانیت در آوردند. ایشان علاوه بر تحصیل علم در نزد بزرگ ترین چهره های علمی حوزه علمیه اصفهان، و تدریس دوره های گوناگون دروس حوزوی، و نیز علم طب و هیئت (در طول بیش از شصت سال) و ایراد پر مایه ترین سخنرانی های دینی، با بهره گیری از مهم ترین و علمی ترین کتب تفسیری و کلامی و فقهی و حدیثی، و استفاده از ذهن وقاد و هوش سرشار و ذوق لطیف، در حفظ و حراست سنگر دین و مکتب اهل البیت علیهم السلام، با بهره مندی از انواع روش های علمی و عملی، فردی و اجتماعی، و با انجام خدمات دینی و طبّی، نقش بزرگی ایفاء نمودند. آن بزرگ مرد، با هم کاری همسر فداکار و فدائی اهل البیت علیهم السلام، بانوی صالحه و عابده مرحومه حاجیه منصوره خانم (رحمة الله علیها) بنت مرحوم آیه الله، آقا سید محمد تقی فقیه احمد آبادی قدس سره، و با تربیت فرزندانی مجتهد و محقق، مدرّس و مؤلف، مبلغ و مروج مکتب اهل بیت علیهم السلام، نقش عمده و اساسی و برجسته ای را، در حفظ دستاورد های فعالیت های نورانی مرحوم صاحب مکیال (آیه الله فقیه احمد آبادی) بر عهده گرفته اند، و امید است با توفیقات الهی و امداد های حضرت بقیّة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) در ادامه این حرکت علمی و معنوی، توفیق روز افزون، نصیب گردد. برای آشنائی بیش تر با شرح حال و خدمات آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره و فرزندان ایشان، به کتاب ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان، جلد 1، صفحه 515 - 525 و جلد 2، صفحه 385 - 386 و صفحه 500 - 502 مراجعه شود.

(داماد آن بزرگ مرد) و هم چنین حجج اسلام و علمای بزرگوار، مرحوم آقای حاج شیخ محمد یزدی، متوفای ماه صفر 1379 قمری، و
مرحوم آقای حاج سید مصطفی موحد محمدی، متوفای هشتم شهریور 1354 شمسی (22 شعبان 1396 قمری) و مرحوم آقا میرزا
صادقی (منیر صادقی) متوفای نهم شعبان

ص: 23

1405 قمری (1) و نویسنده بزرگوار و کثیر التألیف، مرحوم آقای حسین عماد زاده، فرزند مرحوم مغفور، حاج میرزا أحمد عماد الواعظین (2) را می توان نام برد، که هر کدام به فعالیت های علمی و دینی و ارشادی در جامعه اشتغال داشته اند.

افتخاری بزرگ و أدب أخلاقي جالب

حضرت حجة الإسلام والمسلمین، آقای حاج آقا محمد فقیه أحمد آبادی دامت برکاته، فرزند ارشد مرحوم آية الله، آقا سيّد محمد تقی فقیه أحمد آبادی قدس سره، روزی شرفیاب محضر مبارک مرجع جهانی عالم تشیع، مرحوم آية الله العظمی آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سره می شوند، و آن مرجع عظیم الشان که علاوه بر مقامات علمی، و احراز بزرگ ترین مسند علم و تحقیق و اجتهاد، و تربیت برجسته ترین شخصیت های علمی و اجتماعی عالم تشیع، دارای أخلاقي برجسته، و تواضعی اعجاب انگیز، و أدبی کم نظیر، و قدر شناسی ممتاز بودند، در حضور جمعی از علماء و فضلاء حاضر در مجلس، تجلیل

ص: 24

1- برادر بزرگوار ایشان، حضرت حجة الإسلام والمسلمین، آقای حاج میرزا علی آقا صادقی دامت برکاته، ماده تاریخی برای فوت برادر ارشد خود سروده اند، بدین قرار: چو هاتقی به ندا دم نهاد، شد تاریخ *** «منیر صادقی دفنش جوار معصومه» مرحوم حجة الإسلام والمسلمین، آقا میرزا صادقی، نام فامیل شان «منیر صادقی» بوده و در شهر مقدس قم، در جوار حضرت معصومه علیها السلام، در مزار علی بن جعفر علیه السلام، مدفون گردیدند، و مصرع «منیر صادقی دفنش جوار معصومه» طبق حروف ابجد، 1400 می باشد، که با علاوه شدن (ه-) که به حساب حروف ابجد مطابق عدد 5 است، و این حرف (ه-) همان دم کلمه «هاتقی» می باشد، عدد 1405 قمری، تاریخ وفات آن مرحوم، بدست می آید.

2- به مقدمة وظيفة الأنام، به قلم آقای عماد زاده، صفحه 5 و 8 مراجعه شود.

فراوان از آقای حاج آقا محمد فقیه احمد آبادی می نمایند، و پس از آن که ایشان از مجلس خارج می شوند، در پاسخ کسانی که سؤال می نمایند که این آقا کسی بودند، که حضرت عالی نسبت به ایشان این همه احترام نمودید؟ آن بزرگ مرجع عالی قدر فرمودند: ایشان استاد زاده من هستند، من در خدمت والد مرحوم ایشان، آقا میر سید محمد تقی، تلمذ می نمودم. و بدین وسیله مرحوم آیه الله العظمی، آقای بروجردی قدس سره، از شخصیت و مقام استادی مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی قدس سره، تجلیل و قدر دانی می نمایند. رحمة الله و رضوانه علیهما.

تألیفات و آثار قلمی

مرحوم آیه الله، فقیه احمد آبادی قدس سره، از دوران نوجوانی دست به قلم گرفتند و با تألیف کتاب هائی ارزش مند، به زبان عربی و فارسی، در زمینه های گوناگون از قبیل: ادبیات، تفسیر، کلام، حدیث، أخلاق، شعر و... آثاری جاوید از خود به جای گذاشتند، که ذیلاً به آن ها اشاره می نمائیم:

1- أبواب الجنّات فی آداب الجمعّات، که با نام های: «آداب الجمعة»، «الجمعة و عملها»، «آداب الجمعّات»، «أعمال الجمعة»، «الأسرار المودّعة فی أعمال الجمعة»، «آئین جمعه» نیز نامیده شده است. این کتاب به زبان فارسی می باشد، و در تاریخ چهارشنبه 26 ماه شعبان المعظم 1326 هجری قمری، پایان یافته است، و مؤلف عالی مقام، در آن هنگام بیست و پنج سال و سه ماه و بیست و شش روز، از عمر مبارکش گذشته بوده است. (1)

گر چه در زمینه فضیلت و امتیاز و آداب و تکالیف مربوط به جمعه، از زمان

ص: 25

جعفر بن أحمد بن علی قمی (نزیل ری و استاد شیخ صدوق) تاکنون، کتاب‌ها و رساله‌های کوچک و بزرگ، مستقل یا در ضمن کتاب‌ها و مباحث دیگر، تألیف گشته است، ولی مؤلف، اثر خود را با شیوه علمی و اسلوب صحیح و قلمی روان و به شکلی جامع و قابل استفاده عموم، تهیه و تألیف نموده، و بیش از دیگران، در این راه زحمت کشیده است. (1)

و امید است با ترجمه این کتاب به زبان عربی، در تمامی کشورها و بلاد اسلامی (و بالأخص شیعی) مورد استفاده قرار گیرد.

این کتاب، علاوه بر ارزش علمی و تحقیقی، از نظر معنوی مورد عنایت خاص می باشد، و ما در بخش داستان‌های مربوط به کرامات و عنایات مربوط به مؤلف، داستان جالبی در این زمینه نقل می نمایم.

علامه محقق، مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی، از این کتاب، در کتاب الذریعة جلد 1، صفحه 15 و صفحه 74، و جلد 2، صفحه 244 یاد نموده اند.

2- أنیس المتفرّدين، (2) که در روز پنج شنبه سوم جمادی الأولى 1318 قمری، به تألیف آن پرداخته است. (3)

3- ایضاح الشبهات، في الفروق بين المشتبهات، که در مقدمه آن آمده است: در عنوان جوانی با تفرق حواس و کمی وسیله، در سن 15 سالگی شروع

ص: 26

1- مقدمه أبواب الجنّات، به قلم: آية الله العظمی، آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحي مدّ ظله، صفحه 8

2- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه 134 و نیز رساله آثار التّقوی (مقدمه مکیال المکارم) صفحه «ح»

3- مقدمه نور الأبصار، صفحه 19

به تألیف نمودم . و در پایان کتاب آمده است: تمام گردید به دست مؤلفش، محمد تقی موسوی اصفهانی، در سَوّم ماه رجب یک هزار و سیصد و شانزده. (1)

در این کتاب، فرق بین کلماتی که با یک دیگر وجه مشابهتی در معنی دارند ولی فرق هائی نیز دارند، بیان شده است، مثلاً فرق بین «عِنْدِي» و «لَدَيَّ» و فرق بین «زکام» و «نزله» و فرق بین «لم» و «لَمَّا» و ... در زمینه مطالب مختلف از علوم گوناگون، بیان شده است.

4- بساتین آلجنان، در علم معانی و بیان (2) که شرحی است عربی، بر ارجوزه ملاّ محمّد، و در ماه صفر 1319 قمری، پایان یافته است. (3)

5- تحفة المتأدّبین (در شرح هدایة الطالبین) (4)

6- تذکرة الطالبین (در شرح آداب المتعلّمین) که به زبان فارسی می باشد، و مرحوم آیه الله فقیه أحمد آبادی قدس سره، آن را در سنّ شانزده سالگی، به نظم در آورده است. (5) این اشعار به اسلوب مثنوی است، و متجاوز از دویست شعر می باشد، و به درخواست ادیب جواهری بروجردی، به نظم در آمده، و پایان آن 1319 قمری می باشد. (6)

ص: 27

1- مقدّمه نور الأبصار، صفحه 18 بنقل از ایضاح الشّبّهات

2- الذریعة الی تصانیف الشّیعه، جلد 3، صفحه 103

3- رساله آثار التّقوی، صفحه «ز» و مقدّمه نور الأبصار، صفحه 19

4- رساله آثار التّقوی، صفحه «ح» و نیز سیری در تخت فولاد، صفحه 134

5- الذریعة الی تصانیف الشّیعه، جلد 4، صفحه 39

6- مقدّمه نور الأبصار، صفحه 20

7- ترغیب الطالب الی علوم الإعراب، (1) (که در علم نحو می باشد)

8- تعادل و تراجیح (2)

9- تفسیر القرآن (عربی) (3)

10- توضیح الشواهد، (در توضیح کتاب جامع الشواهد) (4)

11- دیوان شعر با تحلّص (تقی) و (شرعی)

12- سراج القبور، در آداب نماز و نافله شب (فارسی) که دو بار به چاپ رسیده است، و پایان تألیف آن، ماه شعبان 1333 می باشد. (5)

این کتاب همراه با دو کتاب دیگر (نور الأبصار و کنز الغنائم) تاکنون، دو نوبت چاپ شده است.

13- شرح مختصر بر کتاب تصریف (6)

14- ضیاء المنیر (در علم صرف) (7)

15- کنز الغنائم فی فوائد الدّعاء للقائم، که در کتاب الذّریعه، به نام (کنز الغنائم، فی فضل الدّعاء للحجّة القائم)، نامیده شده است (8) و
پایان آن، ماه

ص: 28

1- الذّریعه الی تصانیف الشّیعه، جلد 4، صفحه 170

2- سیری در تخت فولاد، صفحه 134

3- رساله آثار التّقوی، صفحه «ز»

4- رساله آثار التّقوی، صفحه «ز» و سیری در تخت فولاد، صفحه 134

5- سراج القبور، صفحه 235

6- سیری در تخت فولاد، صفحه 134

7- سیری در تخت فولاد، صفحه 134

8- الذّریعه الی تصانیف الشّیعه، جلد 18، صفحه 160

رجب 1333 قمری می باشد. (1) این کتاب به همراه نور الأبصار و سراج القبور، در سال 1333 و نیز در سال 1401 قمری، به چاپ رسیده است.

16- محاسن الأديب في دقائق الأعراب (2) (در علم نحو) که در چهارم ماه جمادی الاخری 1319 قمری، از تألیف آن فارغ گردیده است. (3)

17- مکیال المکارم، في فوائد الدعاء للقائم، که به دستور حضرت بقیة الله الأعظم (عجل الله فرجه الشریف) تألیف و نام گذاری شده، و به خاطر عظمت آن، مرحوم آیه الله، آقا سید محمد تقی فقیه احمد آبادی قدس سره به لقب : صاحب مکیال المکارم ملقب و مفتخر گردیده است، و ما به تفصیل، در بخش های آینده این شرح حال، درباره این کتاب بحث می نمائیم.

18- المنابر (4) مجموعه بحث های اعتقادی و دینی است، که به شکلی علمی عرضه نموده اند، و مشتمل بر تحقیقاتی عمیق و نکاتی دقیق می باشد، که نمونه آن، مطالب استدلالی و ارزش مندی است که، درباره القاب و کنیه های حضرت زهراء عليها السلام بیان نموده اند.

19- نور الأبصار في فضيلة الإنتظار، که با دو کتاب «کنز الغنائم»

ص: 29

1- کنز الغنائم ، صفحه 170

2- الذريعة الى تصانيف الشيعة، جلد 2، صفحه 125

3- مقدمه نور الأبصار، صفحه 21

4- رساله آثار التقوى، صفحه «ح»

و «سراج القبور» همراه با تقریظ مرحوم آیه الله، آقا سید أبو القاسم دهکردی، در سال 1333 قمری، به چاپ رسیده، و در سال 1401 قمری، تجدید چاپ شده است. (1)

20- وظيفة الأنام، في زمن غيبة الإمام، در دو جزء، که جزء اول در سال 1331، و جزء دوم، در ماه جمادی الاخری 1332 قمری پایان یافته است.

مرحوم آیه الله، آقا سید أبو القاسم دهکردی، و نیز آیه الله، آقا شیخ جمال الدین نجفی مسجد شاهی، رضوان الله علیهما، بر این کتاب تقریظ نوشته اند.

کتاب وظيفة الأنام، در سال 1332 به چاپ رسیده، و حدود سال 1400 قمری، با مقدمه و شرح حال مؤلف، به قلم نویسنده مشهور، مرحوم آقای حسین عماد زاده، مجدداً به چاپ رسیده است.

و این کتاب شریف، زیر نظر سبط مؤلف، آیه الله العظمی، آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی مد ظله، در مؤسسه الإمام المهدي (عجل الله فرجه الشريف) قم، به زبان عربی ترجمه گردیده، و در سال 1407 قمری، چاپ و منتشر شده است.

21- رساله ای در نماز شب به زبان عربی (2) (و این رساله، غیر از سراج القبور، به زبان فارسی است).

نسخه برداری از کتب علمی

از کارهای رائج و ارزش مند در زمان های گذشته، نسخه برداری از روی کتاب های درسی و علمی بوده است، که با توجه به کمبود امکانات برای چاپ

ص: 30

1- نور الأبصار مطبوع

2- وظيفة الأنام، صفحه 80

و نشر گسترده کتب علمی و مورد احتیاج، امری طبیعی و رائج بوده است، ولی نکته مهم این است که، در هنگام نسخه برداری، بطور طبیعی مطالب علمی در ذهن نویسنده، مرور می شده است، و توجه به نکات ارزش مند، حاصل می گردیده، و چه بسا شخص نسخه بردار، حاشیه هائی علمی بر کتب مورد استنساخ می زده است، و ضمناً این اقدام پسندیده، استنساخ کننده را به فراگیری فنون خطاطی و زیبا نویسی، تشویق می نموده، و بدین جهت بسیاری از آن ها دارای خطی زیبا و ملیح می گردیده اند، که مرحوم آیه الله، فقیه احمد آبادی نیز چنین بوده اند.

از جمله نسخه برداری هائی که آن بزرگ مرد در کنار فعالیت های علمی و درسی و تألیفی، انجام داده اند، نسخه برداری از کتاب (نصاب الصبیان) در سن ده سالگی، در تاریخ رجب المرجب 1310 قمری، و کتاب (المفصل) زمخشری در سال 1319 قمری (1)، و کتاب (توضیح الأغاز) فاضل ایجی، در سال 1317 قمری، و (شرح الکافیة) خبیبی و (کتابی در نحو) در سال 1317 می باشد. (2)

ص: 31

1- تاریخ فراغت از استنساخ کتاب المفصل زمخشری، جمعه، 28 محرم 1319 قمری مصادف با روز وفات پدر بزرگ وار شان، مرحوم آیه الله، آقا میرزا عبد الرزاق موسوی احمد آبادی بوده است.

2- رساله آثار التقوی، از آیه الله، سید محمد علی روضاتی دامت برکاته، و نیز مقدمه کتاب نور الأبصار، صفحه 17 - 19

این کتاب شریف و ارزشمند، اولین بار در سال 1369 قمری، در 587 صفحه، و در یک جلد، با همت فرزند ارشد مؤلف، حضرت حجة الإسلام والمسلمین، آقای حاج آقا محمد فقیه احمد آبادی دامت برکاته به چاپ رسید، و پس از گذشت چندین سال، و نایاب شدن نسخه های چاپ شده، با همت سبط مؤلف، حضرت آية الله العظمی، آقای حاج سید محمد باقر موحّد ابطحی مدّظله العالی (1) و زیر نظر ایشان، و با تحقیقات محققین (مؤسسه الإمام المهدی) قم کتاب مکیال المکارم، در 2 جلد، و مجموعاً در 962 صفحه، در سال 1398 قمری، با تحقیقات و پاورقی های لازم، و بیان مآخذ احادیث

ص: 32

1- زیر نظر و هدایت این بزرگ مرد، فعالیت های تحقیقی وسیع و کم نظیری در آثار و اخبار أهل البيت عليهم السلام در مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام قم انجام شده، و تاکنون آثار زیادی از این فعالیت های علمی و تحقیقی به عالم اسلام، و بسیاری از کشور های غیر اسلامی، و حوزه های علمیّه و مجامع علمی عرضه شده و یا در حال انتشار می باشد، همانند: الصّحيفة الجامعة التّبوئیّة، الصّحيفة الجامعة العلویّة، الصّحيفة الجامعة الفاطمیّة، الصّحيفة الجامعة السّجّادیّة، الصّحيفة الجامعة الصّادقیّة، الصّحيفة الجامعة الرّضویّة، (که تمامی دعا های چهارده معصوم عليهم السلام در صحائف یاد شده جمع آوری گردیده است) و نیز مجلّات زیادی از کتاب عوالم العلوم، که با مستدرکاتی بیش از اصل کتاب، تألیف و تنظیم گردیده، و منتشر شده است. و هم چنین تفسیر الإمام العسکری علیه السلام و الخرائج و الجرائح قطب الدّین راوندی، و کتاب های دیگر، که همه با تحقیقات و استدراکات فراوان تهیّه و نشر یافته است. و نیز کار های علمی و تحقیقی زیادی در زمینه رجال حدیث، و بخش های گوناگون احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمّه معصومین عليهم السلام، انجام گرفته، که بخش عمده آن ها آماده چاپ و نشر می باشد.

و مقدمه ای بسیار ارزش مند از حضرت آیه الله العظمی، آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مدظله، و مقدمه دیگری در شرح حال مؤلف، به نام «آثار التّقی» از علامه بزرگوار آیه الله، آقای سیّد محمد علی روضاتی دامت برکاته، به چاپ رسید، و با گذشت زمان و نایاب شدن نسخه های جدید نیز، چاپ سوّم کتاب در سال 1404 قمری، در سه هزار نسخه، با تحقیق و تنقیح مجدد انجام گرفت، و هم اکنون در سال 1421 قمری، مقدمات چاپ چهارم کتاب، با برنامه جالب تری در حال انجام می باشد.

کرامتی و عنایتی برای انتشار کتاب مکیال المکارم

فرزند ارشد مرحوم صاحب مکیال می نویسند: مدّتی بعد از وفات مرحوم پدرم (أعلى الله مقامه) به فکر افتادم که کتاب مکیال المکارم (که به دستور امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) تألیف و نام گذاری شده است) را به چاپ برسانم و منتشر نمایم، ولی بهیچ وجه برایم میسر نبود، تا آن که شبی در عالم رؤیا دیدم، سیّد و آقای بزرگوار، شبیه به عالم عامل، و زکیّ تقی، آقا سیّد مهدی حسینی بدری سینی قدس سره مبلغی به من عطا فرمودند، و پس از آن به صورت غیر منتظره ای که قابل تصوّر نبود، وسیله چاپ کتاب فراهم گردید، و در میان علماء و فضلاء، در شهر های مختلف و مجامع علمی، مورد توجه قرار گرفت، تا آن جا که شخصیت مؤلف، با عنوان (صاحب مکیال المکارم) شناخته شد، و نیاز به تجدید چاپ مکرّر و ترجمه احساس گردید، که تاکنون چندین نوبت، عربی و فارسی کتاب، منتشر گردیده، و در حال حاضر (محرم 1421) نسخه های آن اعمّ از عربی و فارسی نایاب شده، و در حال تجدید چاپ، با سبک و اسلوب

ترجمه مکمال المکارم، و انتشار وسیع آن

در اثر تقاضای فراوان، و همراه با اصرار علاقمندان به کتاب شریف مکمال المکارم، یکی از نویسندگان مخلص و با فضیلت، و دارای علم و دانش و بینش یعنی حضرت حجة الاسلام و المسلمین، آقای حاج سید مهدی حائری قزوینی (سَلَّمَهُ اللهُ تَعَالَى و وَفَّقَهُ لِمَرْضَاتِهِ، و جَعَلَ سَعِيَهُ فِيْ اَحْيَاءِ اُمَرِ صَاحِبِ الزَّمَانِ (عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ الشَّرِيفِ) مشكوراً) ترجمه کتاب را به زبان فارسی، بر عهده گرفتند، و با سلیقه ای جالب و عباراتی دل پسند، آن را به پایان بردند، و در سال 1403 قمری، چاپ اول ترجمه، در ده هزار نسخه منتشر گردید، و در تمامی بلاد و حتی کشور های غیر اسلامی (اروپائی و آمریکائی و آسیائی) در میان علاقمندان و شیعیان فارسی زبان، مورد استقبال قرار گرفت، و چندین نوبت تجدید چاپ گردید، و هم اکنون در سال 1421 قمری، در اثر نایاب شدن تمامی نسخه های چاپ شده، مقدمات تجدید چاپ، با سبک و روش جدید تر، در حال انجام می باشد.

مکمال المکارم در مسیر کتاب درسی شدن: در مجامع حوزوی و دانشگاهی

در حال حاضر، برخی از استادان حوزوی و دانشگاهی، از کتاب ارزش مند مکمال المکارم، برای درس دادن به شاگردان خود (به شکل آزاد و به صورت

ص: 34

1- نقل از یاد داشت های حجة الاسلام و المسلمین، آقای حاج سید محمد فقیه أحمد آبادی دامت برکاته

خصوصی) استفاده می نمایند (1) و در بیانات خود، مصرّانه خواستار آنند که، در بخش معارف مربوط به امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) و مهدویت، رسماً از این کتاب بی نظیر بهره گیری شود، و در مجامع علمی، نه فقط به عنوان کتاب موضوع مطالعه، بلکه به عنوان محور بحث ها و تحقیقات علمی، و تدریس و مباحثه رسمی مورد استفاده قرار گیرد، و از استدلال های قوی آن (که با بهره گیری از سرمایه های فقهی، اصولی، کلامی، فلسفی، تفسیری، حدیثی، رجالی و تاریخی شکل گرفته، و از عنایات الهی و الهام ها و هدایت های غیبی، سیراب گشته و اشباع شده است) بیش ترین بهره وری انجام گیرد.

ص: 35

1- هم اکنون در حوزه علمیه اصفهان، جلسه درسی تشکیل می شود که هشتاد نفر در آن شرکت می کنند، و محور بحث و تدریس، کتاب شریف مکیال المکارم می باشد، و هم چنین در شهر های: مشهد - شیراز - تهران - نجف آباد و... جلسات درسی متعددی برای تدریس مکیال المکارم تشکیل شده و می شود، که شرکت کنندگان در آن جلسات دکتر ها و مهندسین و دانشجویان، و عموماً تحصیل کردگان هستند، و تعداد شرکت کنندگان نیز، گاهی متجاوز از 200 نفر می باشند، و از درس ها جزوه برداری می نمایند.

قَالَ عَلَىٰ عِلِّيِّكَ
 إِذَا نَادَىٰ مُنَادٍ فِي السَّمَاءِ
 إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ
 فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَىٰ أَفْوَاهِ النَّاسِ
 وَلَيْشَ يَوْمَ حُبِّهِ
 فَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرُهُ

هنگامی که منادی حق از آسمان ندا می دهد که: حق در میان آل محمد است.

در آن زمان حضرت مهدی علیه السلام در زبان های مردم ظاهر می شود و (آب گواری) محبت او را نوش جان می کنند و دیگر، غیر از او کسی را یاد نمی کنند

فضائل اخلاقی و مناقب روحی آیه الله فقیه احمد آبادی: (در یک نگاه)

آیه الله، سید محمد تقی موسوی فقیه احمد آبادی، عالمی عامل، و زاهدی کامل بوده، که در نبوغ و ذکاوت، دقت نظر و قدرت تفکر، موشکافی و هوش مندی، چهره ای برجسته داشته، و در فصاحت و بلاغت، زیبایی بیان و کلام، و شیرینی و جاذبه صحبت و معاشرت، شخصیتی ممتاز بشمار می رود.

وی، دارای سلیقه ای مستقیم، و هوشی سرشار، و اندیشه ای نقاد، و تبخّری در بحث و تحقیق بوده، و تسلّط کامل بر استخراج و استنباط مسائل و مطالب از آیات قرآنی و روایات نورانی اهل البیت علیهم السلام داشته است.

آن بزرگ مرد، پرورده دامن علم و تقوی، و سلاله پاکی و زهد، و مجمع فضائل و کمالات، بوده است. او، دارای نفسی نیکو و آرام، و چهره ای زیبا و ملیح، و خطی خوش و مطبوع، و جدّیت و کوششی تحسین بر انگیز، و آداب و حسن اخلاقی کم نظیر بوده است.

وی مؤدّب به محاسن اخلاق، و متعبّد به واجبات و مستحبات، و ملتزم به احکام و آداب، و سرشار از عشق و ولایت و محبّت اهل البیت علیهم السلام، و دور از پیروی هوای نفس، و فارغ از میل به ریاست و شوق برتری بر اقران بوده است.

او، مظهر مهر و عطوفت، دل جوئی از ضعفاء و بینوایان، تواضع و فروتنی، صبر و بردباری، به شمار رفته است.

دوره زندگی ظاهری او کوتاه، و همّت والا و ارزش مند او بلند، تلخی های حیات مادی او فراوان، و شیرینی آثار و برکات علمی و قلمی او بسیار بوده است.

از نکات جالب و حسّاس در زندگی مرحوم آیه الله، سیّد محمد تقی موسوی فقیه احمد آبادی قدس سره، توجّه به خدا و خلوص نیت می باشد، آن چنان که این بزرگ مرد از زرق و برق زندگی در زمینه های گوناگون روی گردان بودند، و در تمامی صحنه های علمی، اجتماعی، خانوادگی، رضای الهی را اصل قرار داده و هر عملی را، خالص برای خدا قرار می دادند، و می کوشیدند که فعالیت های علمی و تبلیغی و اجتماعی و خانوادگی شان، موجب رضای خدا و خشنودی اولیای حق، بالأخص حضرت بقیّة الله الأعظم (عجل الله فرجه الشریف) باشد.

در آن دوران پرحادثه، که جامعه و بالأخص علماء و روحانیون، گرفتار محنت ها و بلا ها، و قحطی و گرانی شدید بودند، و فرقه های باطل به ترویج افکار و عقائد فاسد اشتغال داشتند، و استعمار انگلیس در صدد ضربه زدن به اسلام و مذهب و برنامه های دینی، و منزوی کردن روحانیت بود، این بزرگ مرد با توجّه به خدا و استمداد و استعانت از نیرو های الهی، و با خلوص نیت کامل، به تحقیق و تألیف، و ترویج اندیشه های دینی، و جلب توجّه مردم به سوی ساحت مقدّس حضرت بقیّة الله الأعظم (عجل الله فرجه الشریف) می پرداختند، و در حلّ مشکلات مادی زندگی (که در آن زمان بسیار شدید و شکننده بود) تنها چشم به ألطاف الهی و عنایات اهل البیت علیهم السلام عموماً و بالأخص امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) می دوختند، و هیچ گونه توجّهی به دل خواه حکومت وقت، و سیاست های الهام گرفته از استعمار انگلیس، و ثروت مندان دنیا پرست نمی نمودند، و این توجّه به خدا و خلوص نیت، نه تنها در صحنه های عملی زندگی این بزرگ مرد تجلّی داشته است، بلکه در جای جای نوشته ها و اشعار شان، به روشنی مطرح گردیده، و بیان شده است، مثلاً می فرماید:

گر همی جوئی وصال یار را *** کن برون از قلب خود اغیار را

و همین خصلت و امتیاز اساسی صاحب مکیال المکارم است که، قلم و بیان فکر و اندیشه، حرکت و کوششِ او را به ثمرات بزرگ رسانده، و برکات وجودی او را وسیع و ماندگار نموده است.

به قول شاعر نکته سنج معاصر، استاد محمد علی صاعد :

بلی، گر بگذری از خود، چو مردان *** توانی ره بری بر کوی جانان

نه هر کس را بدین منزل گذار است *** که رنج راه یزدان بی شمار است

نگر آنان که این ره طی نمودند *** چسان گوی سعادت را ربودند

و با مطالعه اظهار نظر هائی که از جانب دانش مندان و محققان، و صاحب نظران و شعرای عالی قدر، در مورد این بزرگ مرد انجام گرفته، در می یابیم که همه، رمز عظمت و بزرگی و برکات عمر این چهره علمی و معنوی را،

«خلوص نیت»، «توجه به خدا»، «وفائی شدن در اهل البیت علیهم السلام»

می دانند، چنان چه در بخش های دیگر همین کتاب، و در مباحث گوناگون، شاهد ها و نشانه های این مطلب، بخوبی استفاده می شود.

تهجد و سوز و گداز در دل شب

چنان چه از قرآن مجید و احادیث و روایات پیشوایان دین (پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام) و نیز از سخنان بزرگان و برجستگان عالم

معرفت، و نخبگان راه علم و عمل بر می آید، رسیدن به درجاتِ عالیّه کمال و فضیلت، و نیل به اهداف بلند ایمان و عمل صالح، وابسته به بیداری شب، و سوز و گداز سحری در پیش گاه خداوند متعال، و در یک عبارت کوتاه تهجد و نماز شب است.

آری در قرآن مجید، در خطابی به رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آمده است:

(وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ، عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا) (1)

و بدین وسیله، برای رسیدن پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم به مقام محمود (که مقام بلند شفاعت، یا همه کرامت ها است) تهجد و شب زنده داری را، لازم می شمارد.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ضمن حدیثی می فرماید :

(إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا تَخَلَّى بِسَيِّدِهِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَ نَاجَاهُ اثْبَتَ اللَّهُ الثَّوْرَ فِي قَلْبِهِ) (2)

یعنی: همانا بنده (خدا) وقتی در دل شب تاریک، با مولایش (خدای بزرگ) خلوت کند، و با او مناجات نماید، خداوند متعال نور را در دل او ثابت گرداند (و دل او را نورانی نماید).

و به قول سعدی شیرازی :

ص: 42

1- سورة أسراء، آیه 79

2- بحار الأنوار ، جلد 84، چاپ لبنان، صفحه 137، برای دست یابی به آیات و روایات این مبحث شریف و نورانی، و آشنائی بیش تر با فضیلت ها و کیفیت نماز شب و شب زنده داری، به بحار الأنوار، جلد 84، از صفحه 116 تا 309 مراجعه شود.

شب مردان خدا روز جهان افروز است *** روشنان را به حقیقت شب ظلمانی نیست

خفتگان را خبر از زمزمه مرغ سحر *** حیوان را خبر از عالم انسانی نیست

و به قول صاحب مکیال المکارم :

بیا که خلوتیان جمله در خروش شدند *** کلام دوست شنیدند، پس ز هوش شدند

و حافظ شیرازی می گوید :

کس ندیده است ز مُشک ختن و نافه چین *** آن چه من هر سحر از باد صبا می بینم

و به قول سرور اصفهانی، که در مورد رمز موقّیّت صاحب مکیال المکارم در شروع به تألیف و نگارش، از زمان کودکی و ده سالگی، بیان می کند :

چو فیض تهجد شدش دست گیر *** به تألیف زد دست، طفل صغیر

و مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی، در کتاب «سراج القبور» می نویسند:

هر شب وقت سحر که نزدیک طلوع فجر است، در های بهشت عدن گشوده می شود، و نسیم های رحمت وزیدن می گیرد به جهت متهجّدان ...، و از اثر همان نسیم است که هر بیماری، در آن وقت خواب می رود، و هر بیهوشی به هوش می آید. (1)

و نیز، در ضمن بر شماریِ خواص و برکاتی که در روایات و احادیث

ص: 43

أهل البيت عليهم السلام درباره نافلة شب رسیده، می نویسند:

به سبب (نافله شب) نور معرفت در دل انسان می تابد. (1)

و به قول فروغی :

هرگز آن دولت بیدار نصیبش نشود *** هر که را وقت سحر دیده بیداری نیست

مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی، مناجات های سحری و ناله ها و سوز و گداز های شبان گاهی داشته اند، و بدین وسیله نور معرفت در دل ایشان می تابیده است، و نسیم بهشتی روان و روح شان را نوازش می داده، و شب تار شان، روز جهان افروز گشته بوده است، و خداوند متعال، از انوار خودش در قلب ایشان ثابت گردانیده، و در نهایت، در پرتو عنایات الهی، آن بزرگ مرد را به مقامی شایسته و ارجمند رسانده، و کرامات بزرگی را نصیب شان فرموده است.

در همین دل شب ها بوده، که گاهی حالت سوز و گداز، و شور و شوق آن بزرگ مرد ایشان را به سرودن اشعاری در امید وصال مولای شان، و در درد فراق و هجران از عزیز عزیزان، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه شریف) می کشانده است، که با مطالعه کتاب مکیال المکارم به نمونه هایی برخورد می نمایم، مثلاً در یک جا می فرماید:

و از جمله اشعاری که در بعضی از این سحر ها به خاطر افتاد، در خطاب به صاحب خانه و امام منتظر غائب از چشم ها، از شدت درد هجران، این اشعار است:

مِنْ هَجْرِكَ يَا حَبِيبُ، قَلْبِي قَدْ ذَابَ *** أَنْظُرْ نَظْرًا إِلَى يَا بَنِ الْأَطْيَابِ

إِنْ غَبَّتْ لِدُنْبِنَا فَتُبْنَا تُبْنَا *** أَوْ خِفْتَ مِنَ الْعِدَى فَمَا لِلْأَحْبَابِ

ص: 44

یعنی: ای دوست! دلم از هجران تو آب شده، نگاهی به من فکن ای فرزند پاکان اگر غائب شدنت به خاطر گناهان ماست پس توبه می کنیم توبه می کنیم، یا از دشمنان ترسناکی، پس چه گناهی برای دوستان است؟، ستم بر دوستان فراوان شده، پس بپا خیز، ای انتقام گیرنده به امر پروردگار همه بزرگان

علاقه و محبت شدید نسبت به حضرت زهراء عليها السلام: و سوز و گداز و اشک روان در مصیبت آن حضرت

آن چه از زندگی و آثار و تألیفات مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی قدس سره ظهور و تجلّی دارد، عشق و علاقه و دل بستگی و وفاداری نسبت به حضرت بقیة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) می باشد، و همه محبت ها و علاقه ها، و سوز و گداز های دیگر را که در قلب و جان و روح و روان آن بزرگ مرد وجود داشته، و در اعمال و رفتار شان ظاهر می گردیده، تحت الشعاع قرار داده است. ولی با توجه دقیق در زندگی و گفتار و رفتار آن بزرگوار، نشانه های روشنی از دیگر دل بستگی ها و کشش ها، و سوختن ها و گریستن ها، نسبت به دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام و بالأخص حضرت زهراى مرضیه علیها السلام، به دست می آید.

مثلاً، آن بزرگ مرد، در سال های قبل از در گذشت و ارتحال پدر بزرگوار شان، آیه الله، آقا سیّد عبد الرزاق موسوی قدس سره، به دستور ایشان اشعاري عربي

ص: 45

سروده اند (1) که با توجه به شرائط سنّی ایشان (2) و سوز و شوری که در این اشعار احساس می شود، بسیار جالب می باشد. در این اشعار، نقش و تأثیر محبّت ائمّه معصومین علیهم السلام و دوستی حضرت زهراى مرضیه علیها السلام در روز محشر، مورد اشاره قرار گرفته، و سپس بیان شده است که، ای رفیق! بیا به خانه ای که مصائب و أحزان آن بزرگواران آشکارا یاد می شود، و آن خانه، خانه علامّه محقق متبحّر، آقا سیّد عبد الرزاق است. و آن گاه می فرماید:

ای چشم! بر مصیبت حضرت زهرا علیها السلام خون گریه کن،

زیرا که به مصیبت هائی به وسعت دریا ها گرفتار شده است.

آن حضرت به خاطر ظلم عمر، به سقط جنین، و شکستن پهلوی گرفتار شده، و صورتش از ضربت دشمن سرخ گردیده است، و تازه این ها کمی از درد ها و رنج هائی است که، درباره دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روا داشته شده.

و در پایان می گوید :

ای تقی (3) بس کن، که اشک چشم من جاری شد

و دلم از قصّه غصه های آن حضرت شکست

و هم چنین، در کتاب «المنابر»، مباحث بسیار دقیقی را درباره حضرت زهراء علیها السلام مطرح کرده اند، و در ضمن آن، وجه تسمیه آن حضرت را با القاب

ص: 46

1- متن این اشعار را، در بخش سروده های آیه الله فقیه احمد آبادی، نقل می نمائیم.

2- آیه الله فقیه احمد آبادی، در هنگام ارتحال پدر شان، هفده سال و کسری از عمر شان سپری گردیده بوده است، و سرودن اشعار یاد شده، به دستور ایشان، در سال های قبل از هفده سالگی می باشد.

3- (تقی) تخلص شعری آیه الله فقیه احمد آبادی است.

و کنیه های مختلف، همانند: مبارکه، فاطمه، زهراء، سیده نساء العالمین، امّ آبیها و... شرح داده اند، و همه، حاکی از ایمان و اعتقاد و ارادت و اخلاص این بزرگ مرد، نسبت به آن بزرگ بانوی شهیده است. مثلاً بعد از ذکر آیه شریفه:

(وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَانْتَبَهَتْ بِهِ جَنَّتٌ وَ حَبَّ الْحَصِيدُ)

یکی از اَسْمَاء آن حضرت را که «مبارکه» است مورد بحث قرار داده، و چندین وجه برای تسمیه فاطمه زهرا علیها السلام به این نام ارزش مند ذکر نموده اند، و در بیان اولین وجه، بحثی تحقیقی راجع به آثار و برکات امام علیه السلام عموماً، و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) خصوصاً، عرضه نموده اند، و سپس در ادامه مطلب فرموده اند:

و منشأ جمیع این برکات، و منبع تمام این فیوضات، وجود مبارک فاطمه زهراء علیها السلام بوده است... و لهذا آن حضرت را «مبارکه» نامیده اند.

خدمت گزاری در عزای حسینی

آیه الله فقیه احمد آبادی، در دهه عاشورای حسینی، مجلس عزاداری بر سالار شهیدان بر پا می نمودند، ولی در روز عید غدیر خم، پول و عَظایم و ذاکرین امام حسین علیه السلام را در پاکت می گذاشتند، و با احترام کامل به آن ها می دادند، و در هنگام برگزاری مراسم عزاداری، خود شان کفش های مستمعین و عزاداران را جفت می کردند، و در مواقعی که در دهه عاشورا هوا گرم بود، باد بزن ها را در آب می انداختند، و گاهی خود شان باد عزاداران را می زدند، و در یک کلام، با تواضعی چشم گیر در خدمت عزاداری و عزاداران حسینی قرار می گرفتند، و ارادت قلبی و خالصانه و آداب خود را اظهار می داشتند.

با نگرشی به آثار قلمی متعدّد و متنوّع صاحب مکیال المکارم (که در زمینه های گوناگون فقهی و اصولی و کلامی و تفسیری و ادبی و ... می باشد)

و استدلال های دقیق و استنباط های لطیف، آن هم در سنین جوانی، از یک طرف، و ابتکار و نظم و دقّت، از طرف دیگر، و حالات روحی و استواری در برنامه ریزی برای حیات علمی و زندگی اجتماعی، از طرف سوّم به خوبی استفاده می شود که این بزرگ مرد، علاوه بر تأییدات غیبی و عنایات ربّانی (که راهبر اصلی ایشان بوده) دارای نبوغی برجسته، و ذهنی روشن، و هوش و ذکاوتی سرشار بوده است.

در میان اظهار نظر های صاحب نظران، در مورد این بزرگ مرد الهی، کلمات :

«صاحب الذّهن الوقاد والفهم التّقاد وجودة القريحة...»

و «المؤلف البارِع والعلامة الحجة»

و... همه نشان دهنده همین صفات برجسته می باشد.

پشت کار و جدّیت

از ویژگی های این بزرگ مرد، جدّیت و کوشش فراوان، پشت کار و استمرار در فعّالیت های علمی و تحقیقی می باشد، که از آثار قلمی و تألیفات، و برکات و ثمراتِ زندگی ایشان به خوبی ظاهر می باشد.

او کسی است که در عمری چهل و هفت ساله، در حدود بیست تألیف عربی و فارسی از خود به جای گذاشته، و در میان آثار خود، کتابی همانند مکیال المکارم عرضه نموده است، که با بهره گیری از علوم گوناگون، همانند :

صرف و نحو و لغت و معانی و بیان و فقه و اصول و رجال و درایه و تفسیر و حکمت و کلام، کتابی استدلالی و تحقیقی و منحصرأقابل تدریس در حوزه ها و مجامع علمی در معارف مربوط به مهدویت، می باشد.

و به دلیل کثرت مطالعه و پشت کار و جدّیت در تتبع، و پی گیری مباحث علمی، و غور و بررسی کتب گوناگون بوده است که، ایشان در سنّ چهل سالگی چشمان شان ضعیف گردیده، و نیاز به عینک پیدا کرده اند. (1)

نظم در امور

این بزرگ مرد، در ضمن جدّیت و پشت کار، دارای نظم و برنامه ریزی منظم بوده اند، و این خصلت، از برنامه های تألیفی و فعالیت های اجتماعی، و مسافرت ها و وقف کتاب ها، و معاشرت های مردمی آن بزرگ مرد و مخصوصاً از بعضی از عبارت های آن بزرگوار، در لا بلای تألیفات شان استفاده می شود.

مجمع زیبایی های طبیعی و معنوی: (و خطی زیبا)

آیه الله فقیه احمد آبادی، مجمع زیبایی های ظاهری و باطنی بودند، و چهره ای زیبا و ملیح، سلیقه ای زیبا و مستقیم، خطی زیبا و گیرا، اخلاقی زیبا و لطیف، ایمانی زیبا و عمیق، ولایت و محبتی زیبا و شایسته داشتند، زیرا که:

(إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ)

و از جمله زیبایی های آن بزرگ مرد، خطّ زیبا و ملیح ایشان است که ذیلاً نمونه آن را تقدیم می نمائیم:

ص: 49

1- به نقل از فرزند ارشد ایشان، آقای حاج آقا محمد فقیه احمد آبادی

ز دوری رخت ای پادشاه محسن و جمال *** رسیده جان بلب عاشقان تعال تعال

بذکر حسن تو کرو بیان عالم قدس *** یسبحون له بِالْغُدُو وَالْأُصَال

امام مهدی هادی شهنشه دو جهان *** سَمی ختم رسل ماحی رسوم ضلال

اگر زبان همه ممکنات بود مرا *** نمی شدی که تو را گفت وصف شأن و جلال

به پیش نور تو خورشید ذره موهوم *** بوصف ذات تو گویندگان تمامی لال

اگر ز یمن وجود اقدس تو *** بپا نبود نه اَرْض و سما نه ماه و نه سال

چنان چه نعمت حق هست از حساب بُرون *** تو را بُرون ز حساب است عِلْم و قدر و کمال

بیا بیا که همه عاشقان سر از سر شوق *** بِکف گرفته مُهیا برای استقبال

گذشت عمر من و وصل تو نصیب نشد *** مگر به خواب بینم شبی زمان وصال

به عجز و لابه توان دید روی یار (تقی) *** به عجز کوش و به زاری مکن تو استعجال

ص: 50

مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی، در سال 1301 قمری، متولد گردیده، و در 25 ماه رمضان 1348 به شهادت رسیدند، یعنی کلاً 47 سال در این جهان زیستند، ولی در اثر خلوص نیت، پشت کار، توکل و اعتماد به حق تعالی، استمداد از ارواح مقدسه ائمه معصومین علیهم السلام، پیروی از هدایت ها و راهنمایی های معنوی و اخلاقی آن ها، و بالأخص با انس و ارتباط با قطب دائرة امکان، و محور عالم وجود، حضرت صاحب العصر و الزمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) و نشستن بر سر سفره انعام و اکرام آن حضرت، و خدمت گذاری خالص و مستمر در آستان مقدس شان، از یک طرف و استضائه و اکتساب از انوار ولایتی پی در پی آن خورشید عالم تاب، و آن منبع نور و هدایت از طرف دیگر، برکات و آثار عمر آن بزرگ مرد، فراوان، و نتیجه تحقیقات و کوشش های علمی و اجتهادات آن بزرگوار پر برکت و الهام بخش می باشد، و نوشته ها و آثار قلمی آن جناب، در حد کمال و دارای پختگی علمی و ژرف نگری، و دقیق و عمیق می باشد.

و هم چنین، فعالیت های اجتماعی و هدایت های دینی آن بزرگوار، همانند کوشش های علمی و قلمی ایشان، قابل توجه، پر اثر، و پر برکت و فزاینده از عمر کوتاه شان بوده است، که در بخش های آینده به شرح آن می پردازیم.

عنایت و توجه به هدایت عمومی و راهنمایی عامه مردم

صاحب مکیال المکارم، با مقام علمی والا و قدرت اجتهاد و استنباط ارزش مند، همیشه در صدد هدایت عامه مؤمنین، و سوق دادن آن ها به سوی معارف دینی، و رهبری آن ها به طرف مکتب اهل البیت علیهم السلام بوده اند، مثلاً:

1- در مقدمه کتاب کنز الغنائم می نویسند: به عرض برادران ایمانی می رساند که از جمله مهمات، خاصه در این اوقات، اهتمام نمودن در دعا گوئی به وجود مبارك اعلی حضرت اشرف امجد ارفع اقدس خاتم الوصیین، و مجمع کمالات الأئمة المعصومین، مولانا حجة بن الحسن بن علی بن ... علیهم الصلوة والسلام و مسئلت نمودن تعجیل در فرج و ظهور آن جناب است ... و از برای این امر، فوائد و خواص کثیره دنیویّه و اخرویّه، از آیات و روایات، مستفاد می شود، و آن چه این اقلّ عباد جمع نموده ام زیاده بر صد فائده است، که کتاب مکیال المکارم را به جهت آن وضع و تألیف نموده ام و چون آن کتاب عربی است و عوام را از آن بهره نیست، لهذا عازم شدم بر آن که مختصراً اکثر آن فوائد را به لغت فارسی جمع نمایم، محض خدمت گزاری به آن بزرگوار، و به برادران ایمانی که از این فوائد محروم نمانند. (1)

2- در مقدمه کتاب سراج القبور می نویسند: به عرض برادران ایمانی و طالبین سعادت جاودانی می رساند که، این مختصری است در بیان بعضی از فضائل نماز نافله شب، و آداب آن، و برخی از آداب وقت خواب و بیداری و نماز ها و روز های هفته، که انتخاب نمودم آن را از کتب معتبره و اصول معتمده، مثل کتاب کافی و ... به طریقی که فهمیدن و مداومت نمودن به آن از برای عامه اهل ایمان سهل و آسان باشد، و برای این عاصی موجب آمرزش گناهان و رستگاری دو جهان باشد. (2)

ص: 54

1- مجموعه نور الأبصار و کنز الغنائم ، صفحه 70 - 71

2- مجموعه نور الأبصار و کنز الغنائم و سراج القبور ، صفحه 173

3- در مقدمه جزء دوم وظیفه الأنام می نویسند: مناسب دانستم بلکه لازم، که در این مقام ذکر نمایم: دوازده حدیث، در خصوص غائب شدن آن امام عالی مقام، از أبصار أنام... تا از برای خواص و عوام نفعش کامل و تمام و برای این ضعیف، ذخیره یوم القیام بوده باشد. (1)

4- آن بزرگوار، ضمن فعالیت های علمی و تحقیق و تألیف و تدریس، علاوه بر اقامه نماز جماعت در مسجد شعیای نبی علیه السلام (جنب امام زاده اسماعیل علیه السلام) هفته ای دو شب، به منبر می رفتند و مردم را ارشاد و هدایت می نمودند. (2)

جایگاه معنوی برجسته در افکار عمومی

مرحوم آیه الله موسوی، در اثر کوشش فراوان و استمرار در فعالیت های عبادی و معنوی، و مخصوصاً در زمینه ارتباط و توجه به اهل بیت علیهم السلام عموماً، و بالأخص در مسأله عشق و ارادت و فداکاری درباره امام زمان، بقیة الله الأعظم علیه السلام و تحقیق و تألیف و بیان و استدلال و تبلیغ و ترویج در اطراف ابعاد عظمت و احاطه و تسلط و تصرفات آن حضرت، و سوختن و گداختن در فراق و جدائی از آن عزیز غائب، و راز و نیاز و التجاء و تضرع برای طلب دیدار و رسیدن به فیض لقاء او، جایگاه استثنائی و عجیبی در افکار عمومی (از خواص و عوام، علماء و توده های مردم) داشتند، و برای توسل به امام زمان علیه السلام و رسیدن به مقصود و اجابت دعا، برای نفس و اراده ایشان، دعا و تضرع و استغاثه این بزرگوار، اثری خارق العاده و فوق معمول می شناختند،

ص: 55

1- وظیفه الأنام، صفحه 64

2- مقدمه وظیفه الأنام، به قلم آقای عماد زاده، صفحه 10

و معتقد بودند که، عریضه و نامه ای که ایشان به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) بنویسند و در چاه یا آب جاری، همانند زاینده رود بیندازند، اثری استثنائی و برکتی معنوی دارد، و به این باور رسیده بودند که، در اثر عنایات و الطاف صاحبان ولایت، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام و بالأخص امام زمان علیه السلام نسبت به ایشان، دمی مسیحائی و نفسی کیمیا اثر یافته اند، و با گوشه چشمی از آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند، روح و روان، جان و نفس و دعا و استغاثه ایشان، رنگ و بو و حال و هوای دیگری یافته است، و در چهره ایشان نور ایمان و ولایت، و در کلام و بیان ایشان تأثیر و نفوذ عنایت و کرامت، و از حرکات و سکنات و نیز عبادات و اطاعت های ایشان، استشمام عطر اخلاص و وفا، و صدق و صفا می نمودند.

مجاهده و مبارزه با مفاسد

مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی، علاوه بر کوشش های علمی و معنوی، در صحنه های اجتماعی برای مبارزه با مفاسد و جلوگیری از گناه و معصیت، غیرتی والا و حالتی کوشا داشتند، که نمونه آن، برخورد با شخصی از یاغی مسلک های محله به نام ... می باشد. وی فردی مغرور و بی پروا بوده است که مرتکب خطائی گردیده بوده، و آن بزرگ مرد به وی اعتراض نموده بودند، و او جسورانه مقاومت کرده و به آن بزرگوار توهین می نماید، آیه الله فقیه احمد آبادی به عنوان اعتراض به مسجد نمی روند، و این اقدام متین و مؤثر مردم را به هیجان می آورد، و حتی زن ها بر علیه آن فرد جسور و مغرور و خطا کار قیام می کنند و گفته بودند: ما با قیچی ... را تکه تکه می کنیم، و به

دنبال هیجان عمومی و اعتراض شدید مردمی، مجلسی بر پا می گردد و آن شخص بی پروا و مغرور، عاجزانه و به عنوان توبه و عذر خواهی، دست آقا را می بوسد و عذر خواهی و توبه می نماید.

نجات گرسنگان مضطرّ در دوره قحطی

در دوره ای که ایشان در آن زندگی می کرده اند و مقداری قبل و بعد از آن، در اثر جنگ های بین المللی و دیگر مسائل اجتماعی و پیدایش یاغی ها و دزدان و قاطع الطریق ها، و حاکمیت برخی از طاغوت های ستم گر، چند مورد قحطی شدید و گرانی های کمر شکن اتفاق می افتد، که در اثر آن ها بسیاری از مردم از گرسنگی جان می سپرده اند، و در یکی از این قحطی ها، گاهی شماری از مرده ها بر روی هم انباشته می شده، و در کنار مسجد ها و در روی سگویی مساجد بزرگ، مجموعه ای از مردگان را در کنار هم و بر روی هم می گذاشته اند و تا مدّتی وسیله فراهم نمی شده است که آن ها به خاک سپرده شوند.

مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی قدس سره در یکی از این جریانات، مقداری آرد و گندم در اختیار شان بوده است، و در رفت و آمد به سوی مسجد کسائی را که می دیده اند در اثر گرسنگی نا توان گردیده، و در معرض خطر قرار گرفته اند، آن ها را به منزل می آورده اند و در دالان منزل و در محلی که به آن (هشت) می گفته اند قرار می داده، و نان و غذا به آن ها می خورانده، و آنان را از مرگ نجات می داده اند، و با این روش، جان عدّه ای را از مرگ رهائی می بخشند.

مسافرت های آیه الله فقیه احمد آبادی

آن بزرگ مرد، علاوه بر زیارت آستان مقدّس ملک پاسبانِ امام علیّ بن موسی

الرضا علیه السلام و نیز سفر حج بیت الله الحرام و زیارت مرقد مطهر حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم و تنها یادگار شهیده شان، حضرت زهراى مرضیه علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام در حرم شریف بقیع (1) در آخرین سال عمر پر برکت شان، در ماه جمادى الثانیة 1348 قمری، سفری به عتبات عالیات عراق نمودند، و در شهرهای مقدس کربلا و نجف و کاظمین و سامراء علاوه بر زیارت ائمه معصومین علیهم السلام و شهدای کربلا و وابستگان اهل البیت علیهم السلام (که مقصود اصلی از این مسافرت معنوی بوده) با مراجع بزرگ و زعمای عالی قدر حوزه های علمیّه در شهرهای یاد شده، ملاقات و مذاکره علمی داشتند، و مخصوصاً در کاظمین با مرحوم آیه الله العظمی، آقای سید حسن صدر (صاحب کتاب تأسیس الشیعه لعلوم الإسلام) و در سامراء، با محقق نام دار و عظیم الشأن قرن چهاردهم، و افتخار شیعه، مرحوم

آیه الله، علامه، حاج آقا بزرگ طهرانی (صاحب کتاب الدریعة الی تصانیف الشیعه)، ملاقات و گفت گو داشتند، و مرحوم آیه الله، حاج آقا بزرگ طهرانی، تا سال های آخر عمر شان، مرتباً از آیه الله فقیه احمد آبادی یاد می کردند (2) و از فضائل و کمالات ایشان تجلیل می نمودند.

جلسه ای دوستانه و سیار و خاطره ای جالب

مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی و عده ای از علماء معاصر و هم دوره ایشان،

ص: 58

1- سفر حج مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی در سنّ 30 سالگی، در سال 1330 قمری بوده، و قضایای عجیبه ای که مشتمل بر عنایات الهیه و مهدویّه بوده، در آن اتفاق افتاده است، که برخی از آن ها را در بخش های دیگر همین کتاب ذکر می نمایم.

2- مقدمه نور الأبصار، صفحه 24

جلسه ای دوره ای داشته اند که هر هفته در منزل یکی از آن ها تشکیل می شده، و در این جلسه، مباحثات علمی و گفت گو های اجتماعی و اخلاقی انجام می یافته، که از جمله اعضای جلسه، مرحوم حاج شیخ محمد رضا صالحی جویناره ای بوده اند. (1)

مرحوم صالحی نقل فرموده اند که: شبی نوبت جلسه به مرحوم آقا میرزا محمد تقی موسوی (آیه الله فقیه احمد آبادی) رسیده بود، و پس از بحث و مذاکره های معمول، پاسی از شب گذشت و غذا نیاوردند، گفتیم حاج آقا چرا شام را نمی آورید؟ گفتند به جدم قسم، هیچ چیز در خانه نیست، فقط مقداری نان خشک در طاقچه بلند اتاق (2) هست و لهذا همان ها را آوردیم و آب زدیم و خوردیم. داستان یاد شده نه تنها شاهی بر صبر و زهد و مقاومت علماء دینی آن دوره در برابر مشکلات مادی و کمبود های اقتصادی می باشد، بلکه

ص: 59

1- این بزرگ مرد از علماء بزرگوار و زاهد و مورد توجه، و دارای روحیه ای معنوی بوده اند، و استخاره های ایشان بسیار جالب بوده، و پرده از حقائق بر می داشته است. ایشان از احفاد ملا محمد صالح مازندرانی جویناره ای و ملا محمد بن عبد الفتاح تنکابنی «فاضل سراب» (که هر دو از چهره های برجسته علمی می باشند) بوده است، و از شخصیت های دوره اخیر خاندان علمی فاضل سراب و خاندان علمی جویناره ای به شمار می روند، و در سال 1386 قمری، در سنّ متجاوز از 95 سال، از دنیا رفته اند.

2- در زمان قدیم بخاطر قطور بودن دیوار های خشتی، قسمت هائی را بصورت فرو رفتگی می ساختند، که محلّ قرار دادن اشیاء و ظروف بوده، و این ها بر دو قسمت بود قسمتی پائین تر که طاقچه می گفتند، و قسمتی بالا تر که در دسترس همه کس نبود و آن را طاقچه بلند می نامیدند

نشانه ای برای حاکمیت روح مشورت و هم فکری در مسائل علمی و دینی و اجتماعی، بر دانش مندان و پیشوایان دینی، در آن عصر و زمان، به حساب می آید.

مسجد شعیای نبی علیه السلام و مدرسه امام زاده اسماعیل علیه السلام: محل اقامه جماعت و تدریس آیه الله فقیه احمد آبادی

مجموعه تاریخی - مذهبی - علمی مسجد شعیای نبی علیه السلام و امام زاده اسماعیل علیه السلام و مدرسه آن (که در میان مجموعه های مشابه، در شهر تاریخی و مذهبی اصفهان، از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد) محل فعالیت علمی و دینی، و تدریس و امامت جماعت مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی بوده است، که ذیلاً به بیان نکات مهمی درباره مجموعه یاد شده و ارتباط آن با خاندان علمی آن بزرگ مرد می پردازیم:

آستان مقدس امام زاده اسماعیل علیه السلام و مسجد شعیای نبی علیه السلام: «اولین مسجدی که در اصفهان بنا شده است»

امام زاده اسماعیل علیه السلام، یکی از امام زاده های معتبر، و از معروف ترین امام زاده های اصفهان است.

مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی، متوفای 1318 قمری، که از علماء و فقهاء بزرگ اوائل قرن چهاردهم هجری در اصفهان بوده، در کتاب ارزش مند میزان الأنساب، درباره امام زاده اسماعیل علیه السلام می نویسد:

سوم از آن چهار امام زاده معتبر، امام زاده اسماعیل، مشهور به دیباج می باشد، که در محله باغ همایون اصفهان مدفون است، و بقعه معروفه دارد

و قدری از آن محلّه، بالفعل معروف است به درب امام زاده اسماعیل، و آن امام زاده از اولاد زید بن الحسن می باشد، که از احفاد حضرت امام حسن مجتبی علیه الصلوة والسلام بوده ...، چنان چه حضرت عبد العظیم حسنی رضی الله عنه در ری، از احفاد همین زید می باشد. (1)

نسب امام زاده اسماعیل، در کتبیّه سرسرای بقعه امام زاده، که به سوی حرم منتهی می شود، به این شرح نوشته شده است :

(هَذَا الْمَشْهَدُ وَ الرُّوضَةُ الْمُنَوَّرَةُ الْمُقَدَّسَةُ، أَلِإِمَامِ سَيِّدِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْإِمَامِ زَيْدِ بْنِ حَسَنِ بْنِ الْإِمَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، حَسَنِ بْنِ الْإِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ) (2)

و همین نسبت، در اطراف پنجره چوبی که به طرف ایوان غربی امام زاده باز می شود، نوشته شده است. (3)

ولی در برابر این مطلب، در برخی از تواریخ آمده، که اسماعیل دیباج بن ابراهیم غمر بن حسن مثنی بن امام حسن مجتبی علیه السلام در اصفهان بمرد، و در گل بهار آن شهر خاک سپار شد، آن گاه فرزندش ابراهیم طباطبا بن اسماعیل دیباج، نیز در

ص: 61

1- میزان الأنساب، صفحه 47 - 48

2- بررسی حضوری و نیز، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه 528. عبارت یاد شده هنوز باقی است، و جزء آثار تاریخی می باشد، ولی خالی از اشتباه ادبی نیست

3- بررسی حضوری و نیز، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه 534. این عبارت نیز، هنوز باقی می باشد، ولی در کتبیّه سر در صحن امام زاده اسماعیل علیه السلام که متعلق به سال 1115 می باشد و حاج محمد ابراهیم بیک یوز باشی، در زمان سلطان حسین صفوی آن را نصب نموده، اشتباهاً چنین آمده است: السید الجلیل، اسماعیل بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام ... (و نیز گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه 540)

در هر حال، انتساب امام زاده اسماعیل علیه السلام، به حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام با دو واسطه، مسلم می باشد، و مرقد مطهر این امام زاده بزرگوار، از همان زمان مورد توجه بوده، زیرا در تاریخ آمده است:

مسجد شعیای نبی علیه السلام اولین مسجد اصفهان

اولین مسجدی که در اصفهان ساخته شده در زمان خلافت امیر المؤمنین علی علیه السلام در محله گل بهار، آن جا که مرقد شعیای نبی علیه السلام بوده، و مقبره امام زاده اسماعیل، به آن ملحق و ملصق شده است (2) و در کتیبه جانب شمالی مرقد شعیای نبی علیه السلام نوشته شده:

(وَجَدْنَا فِي كِتَابِ أَصَفَا، أَنَّ أَوَّلَ مَسْجِدٍ كَبِيرٍ بُنِيَ بِإِصْفَهَانَ مَسْجِدُ شَعِيَا وَبَنَاهُ أَبُو عَبَّاسٍ الْمُفْتِي فِي زَمَنِ عَلَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَمَرَهُ أَلْبَ أَرْسَلَانَ بَعْدَ نَيْفٍ وَخَمْسِ مِائَةٍ بَعْدَ مَا غَلَبَهَا بِقُوَّةٍ وَقَدْ أَمَرَ بِعِمَارَتِهِ فِي عَامِ أَحَدَ عَشَرَ وَ مِائَةٍ وَ أَلْفٍ، وَ بِعِبَارَةٍ أُخْرَى، هِيَ مَرْقَدُ شَعِيَا النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام، عَلَى نَقْيِ الْإِمَامِي) 1112 (3) (4) که از این عبارت، که

ص: 62

1- دائرة المعارف تشیع، جلد 1، صفحه 342، و نیز به بخش (خاندان های علمی اصفهان، خاندان طباطبائیان اصفهان) در کتاب ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمی اصفهان، صفحه 462 - 464 مراجعه شود.

2- تاریخ اصفهان و ری، صفحه 185 - 186

3- مشاهده و قرائت حضوری و نیز، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه 522 و آثار ملی اصفهان، صفحه 752

4- در تعمیرات سال های اخیر، این کتیبه از بین رفته، فقط در گچ بری اطراف محراب مسجد شعیاء علیه السلام قسمت اول این عبارات نوشته شده و موجود می باشد (به گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه 533، نیز مراجعه شود).

در اوائل قرن دوازدهم نوشته شده، استفاده می شود که در کتاب اَصفا (1) آمده است که أبو العباس مفتی، در زمان خلافت امیر المؤمنین علی علیه السلام، این مسجد را ساخته، و در زمان الب ارسلان، در اوائل قرن ششم، تعمیر گردیده، و در اوائل قرن دوازدهم نیز، تعمیر یافته است.

از مطالب بالا، نتیجه گیری می شود که مجموعه قبر شعیای نبی علیه السلام، و مسجد مجاور او، و مرقد امام زاده اسماعیل علیه السلام، از دیر زمانی مورد توجه بوده، و یک مجموعه دینی را تشکیل می داده است.

ساختمان فعلی بقعه و حرم امام زاده اسماعیل علیه السلام و مسجد شعیای نبی علیه السلام بخشی مربوط به دوره سلجوقی ها، و برخی مربوط به دوره آل مظفر (در قرن هشتم) و عمده مربوط به دوره صفویه است. مثلاً مناره آجری و طاق های مجاور مسجد شعیاء، مربوط به دروه سلجوقی ها (2) و درب نفیسی که بین راهرو و حرم امام زاده اسماعیل علیه السلام و حرم شعیای نبی علیه السلام است و منبت کاری می باشد، و از لحاظ صنعت منبت کاری، یکی از در های ممتاز تاریخی اصفهان می باشد، و در اطراف لنگه های راست و چپ در، صلیوات بر چهارده معصوم علیهم السلام کنده کاری شده (و نشان می دهد که تجلّی تشیع اصفهان در قرن هشتم، تا چه اندازه روشن بوده است) از آثار دوره آل مظفر است، و به دستور سلطان محمود آل مظفر ساخته شده، و قسمت های عمده ساختمان حرم و نیز

ص: 63

1- تفسیر متوسطی است که ملا محسن فیض کاشانی نوشته است (الذریعة الی تصانیف الشیعه، جلد 2، صفحه 124)

2- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه 522

صحن بزرگ امام زاده (که مدرسه علمیّه می باشد) و کاشی کاری ها و تزیینات گسترده، متعلّق به دوره صفویه است، و در جای جای این مجموعه تاریخی مذهبی، تاریخ های: 1041 - 1049 - 1100 - 1111 - 1112 - 1114 - 1115، دیده می شود، و مجموعاً، در دوره های شاه عباس اول و شاه صفی و سلطان حسین صفوی، این مجموعه تاریخی و ارزش مند، شکل گرفته است.

رونق و عظمت آستان مقدّس امام زاده اسماعیل علیه السلام

در قدیم الاّیام، امام زاده اسماعیل علیه السلام زیارت گاه بزرگ و پر رونقی بوده، تا جائی که مرحوم جابری انصاری می نویسد: دستگاه امام زاده اسماعیل بسیار عالی بوده، خانه های اطراف داشته، که در آن شمع مومی ریختندی و مخصوصاً دو شمع مومی، شب های جمعه روشن می کردند در شمعدان طلا، که بلندی شمع به حدّی بوده که با نردبان آن را روشن می کردند. (1)

و در یک نتیجه گیری فشرده، امام زاده اسماعیل علیه السلام از نظر اعتبار نسب، از مهم ترین امام زاده های اصفهان می باشد، و از نظر سابقه حرم و مزار داشتن و مورد توجه بودن، در رتبه اول و با سابقه دیرین، و منتهی به همان اوایل دفن آن بزرگوار محسوب گردیده، و از نظر صحن و بارگاه و گنبد و رواق و کار های معماری و هنری (کاشی کاری، حجّاری، منبت کاری، خطاطی و ...) موقعیت بسیار ارزش مندی را دارا می باشد، و مجموعه بسیار نفیس و ارزش مندی به نام امام زاده اسماعیل علیه السلام در شهر بزرگ تاریخی و مذهبی و هنری اصفهان، جلب

ص: 64

مدرسه امام زاده اسماعیل علیه السلام = مدرسه ابراهیم بیک

أطراف صحن إمام زاده اسماعیل علیه السلام، حجره های زیادی ساخته شده، که از اَوّل تأسیس، به منظور تحصیل علم و سکونت طلاب در نظر گرفته شده، و عنوان «مدرسه علمیه دینیّه» داشته است.

کتابخانه سر در اصلی إمام زاده اسماعیل علیه السلام، حاکی از اقدام حاج محمد ابراهیم بیک یوز باشی، نسبت به تعمیر و تزیین بنای تاریخی إمام زاده اسماعیل، در دوره سلطان حسین صفوی می باشد، که در سال 1115 به پایان رسیده است و در طرفین در، به خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ اشعاری نوشته شده (2)، که از آن جمله است :

اَوّل ابراهیم، از آر شهنشاه جهان *** آن که محمود دو کون، از طالع مسعود شد

در صفای بقعه و سعی بنای مدرسه *** کین عمارات، از علو همّتش موجود شد

ص: 65

-
- 1- برای آشنائی بیش تر در این زمینه، به بخش (امام زادگان) و بخش (بقعه های علمی) و (بخش مدارس علمیه) در کتاب «ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان، جلد 1، صفحه 169 - 172 و جلد 2، صفحه 108 - 112 و صفحه 375 - 377 و جلد 3، صفحه 23 و 24 و نیز به گنجینه آثار تاریخی اصفهان، از صفحه 521 تا 540، و آثار ملی اصفهان، از صفحه 750 تا 762 مراجعه شود.
 - 2- بررسی حضوری و نیز، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، صفحه 540

و نیز، در دو اسپر طرفین در چوبی صحن به خط بنائی نوشته شده :

(قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَيَّ بَابُهَا)

همان طوری که ملاحظه می نمائید، عنوان مدرسه، در متن برنامه ریزی برای این مجموعه ساختمانی عظیم و زیبا، بوده است .

آقای رفیعی مهر آبادی، پس از نقل اشعار مذکور می نویسد: از کتیبه مذکور معلوم می گردد، که مجموعه بنای امام زاده اسماعیل علیه السلام، علاوه بر مسجد و مرقد شعیا علیه السلام، شامل مدرسه هم بوده است، که به وسیله ابراهیم بیک یوزباشی، به فرمان سلطان حسین صفوی، مورد تعمیر قرار گرفته است. (1)

و هم چنین در صفحه 433 آثار ملی اصفهان می نویسد: این مدرسه (مدرسه امام زاده اسماعیل) در صحن امام زاده اسماعیل، ساخته شده است .

مدرسه امام زاده اسماعیل علیه السلام که به مناسبت نام بانی آن، مدرسه ابراهیم بیک نامیده شده، در حوادث تلخ تاریخی، متروکه گشته، و در دوره حکومت پهلوی، محل سکونت مساکین و آوارگان قحطی و خشک سالی گردیده بود، و نویسنده کم ترین، از دوران کودکی می دیدم، که خانواده هائی از روستائیان مسکین، در حجره های آن سکونت داشتند، تا آن که با کمک جمعی از مؤمنین و نظارت حضرت حجة الاسلام و المسلمین، آقای حاج آقا محمد فقیه احمد آبادی (دائی نویسنده)، حجرات و صحن امام زاده تعمیر گردید، و با موافقت ایشان، این جانب، در سال 1400 قمری، عده ای از طلاب حوزه علمیه را، در حجرات مدرسه اسکان دادم، و در حال حاضر، مدرسه یاد شده، پس از مدتی اسکان طلاب، مجدداً در دست تعمیر می باشد.

ص: 66

نظارت خاندان علمی آیه الله فقیه أحمد آبادی: بر مسجد شعیای نبی علیه السلام و آستان مقدس امام زاده اسماعیل

مرحوم آیه الله، آقا میرزا عبد الرزاق موسوی، متوفای 1319 قمری، که از علماء جلیل القدر بوده است، در مسجد امام زاده اسماعیل علیه السلام، (مسجد شعیای نبی علیه السلام) امامت جماعت داشته، و بر این مجموعه عظیم مذهبی نظارت می نموده است، و هم چنین پدران ایشان، تا زمان جدّ اعلاّی شان، میر محمد تقی موسوی (1) در این مجموعه دینی و علمی، دخالت و نظارت و کوشش علمی و ارشادی داشته اند.

مرحوم صاحب مکیال المکارم (آیه الله فقیه أحمد آبادی) پس از فوت پدر، در سنّ کم تر از هجده سالگی با حضور عدّه ای از علماء و بزرگان و شخصیت های شهر، به امامت جماعت در مسجد شعیای نبی علیه السلام منصوب گردیدند. (2) و نیز مدّتی آن بزرگ مرد، در همین مسجد، به تدریس و افاضه علمی می پرداختند (3) و طلاب علوم دینیّه را بهره مند می ساختند.

و نیز مرحوم آیه الله العظمی، آقا سیّد أبو الحسن اصفهانی، در سال های اقامت و تحصیل شان در حوزه علمیّه اصفهان، مدّتی در مدرسه امام زاده اسماعیل،

ص: 67

1- میر، محمد تقی موسوی، وزیر شاه صفی صفوی بوده است (سیری در تاریخ تخت فولاد، صفحه 134)

2- از یادداشت های حجة الإسلام و المسلمین آقای حاج سیّد عباس فقیه أحمد آبادی

3- مقدمه وظیفه الأنام، در شرح حال آیه الله فقیه أحمد آبادی، به قلم نویسنده مشهور مرحوم آقای حسین عماد زاده، صفحه 10

و هم چنین مرحوم آقای سید محمود کلشادی، متوفای 1324 قمری، معروف به «سید مغنی گوی» (که از مدرّسین بزرگ و مشهور، و ادیب و شاعر و صاحب تألیفات عدیده بوده) در مدرسه و مسجد امام زاده اسماعیل علیه السلام تدریس می نموده، و یکی از شاگردان مبرز آن بزرگ مرد، مرحوم آیه الله، فقیه أحمد آبادی قدس سره بوده است. (1)

توجه و عنایت به فرزندان و تربیت آن ها

آن بزرگ مرد، فرزندان خود را (اعم از دختر و پسر) جمع می نمودند، و برای شان داستان های انبیاء و علماء بزرگ و مردان خدا را به زبان ساده نقل می کردند، که در ضمن نشان دادن محبت و علاقه خود به فرزندان، درس های ارزش مند تربیتی و اخلاقی را با زبان ساده و در قالب داستان به آن ها می آموختند.

دو فرزند عزیز خود، حجتی الاسلام و المسلمین، آقای حاج آقا محمد و حاج آقا عباس را که در آن زمان در سنین 4 - 5 - 6 - 7 سالگی بودند، به همراه خود به مسجد می بردند، و یکی در طرف راست منبر و دیگری در طرف چپ منبر می نشستند و در طول راه، قرآن می خواندند و مخصوصاً سورة واقعه را تلاوت می کردند، و به فرزندان خود می آموختند.

حجة الاسلام و المسلمین، حاج سید عباس فقیه أحمد آبادی دامت برکاته دومین فرزند آن بزرگ مرد نقل فرمودند که، پدرم اشعاری درباره مصائب سید الشهداء، امام حسین علیه السلام، به من می دادند، و برای این که خجالت نکشم، مرا در

ص: 68

یک اطاق می نشاندند، و خود شان پشت در، در اطاق دیگری می نشستند و گوش می دادند و گریه می کردند، و بدین وسیله مرا با امام حسین علیه السلام، و خدمت گزاری آستان مقدس آن حضرت علیه السلام آشنا می نمودند.

و هم چنین نقل می کردند که، شبی سه نفر از آقایان علماء، مهمان مرحوم پدرم بودند، و ایشان چند شعر به من دادند که برای تفریح و تنوع، در محضر آن ها بخوانم، و با توجه به کودکی من، و مضمون اشعار، حالت شادمانی و سروری جالب، بر حاضرین حکم فرما گردید، و شروع اشعار چنین بود :

امشب که سه مهمان عزیز است *** ته حلوا و ماست و قیمة ریزه است

خواستگاری با صفا، و ازدواجی مقدر

شبى همسر صالحه و عابده مرحوم آية الله فقيه أحمد آبادی، در عالم خواب می بینند که «چارقد» ی سبز که کوچک تر از چادر و بزرگ تر از روسری های معمول زنانه است، در آسمان در حال حرکت است و همه نگاه می کنند که ببینند این چارقد، به خانه چه کسی می افتد و نصیب چه کسی می شود؟ تا این که از حرکات و سیری که داشته، به دامن ایشان (همسر آية الله) می افتد، و در آن هنگام بیدار می شوند.

صبح هنگام، جریان رؤیای خود را برای آقا، نقل می نمایند، ایشان می فرمایند خواستگار سیدی برای یکی از دختران ما می آید، و چون در دامن شما افتاده، معلوم می شود که مقدر است، و نباید رد کنیم، ولی از نظر مادی در حدّ ساده است، نه در حدّ اعیانی.

در همان روز، مادر و خواهر مرحوم آية الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره

(که در آن زمان از طلاب با استعداد و پر کار و با خلوص بوده اند)، به عنوان خواستگاری به منزل آیه الله فقیه أحمد آبادی قدس سره می روند، و آن بزرگ مرد با توجه به جنبه های معنوی قضیه و بشارت جالبی که در شب قبل رسیده بود، نه تنها جواب مثبت می دهند، بلکه سخنی بسیار عجیب و جالب می گویند، که با فرهنگ عمومی و سنت های جاری جامعه و گفت گو های مرسوم خانواده های عروس، هماهنگی نداشته، و تنها از روح بلند معنوی و اعتقادات، و باور های ولایی آن دل باخته اهل البیت علیهم السلام سر چشمه می گرفته است.

ایشان تشریف می آورند کنار اطاقی که خواستگار ها نشسته بودند، و می فرمایند: هر کدام از دختر هایم را که بخواهید موافقت می نمایم. و بعد ها، در وقتی که خواهر مرحوم آیه الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحی که در مراسم خواستگاری حضور داشته است و این سخن عجیب را (که حاکی از روح بلند و عظمت معنوی آن بزرگوار می باشد) نقل می کرده، حالت و احساس عجیبی به او دست می داده، و با اعجاب و تعظیم در برابر شخصیت عظیم آن بزرگ مرد، جریان را باز گو می نموده است. (1)

آیت الله فقیه ایمانی: همراهی در طریق نور، و هم سفری در مسیر جانان

مرحوم آیه الله فقیه أحمد آبادی، با عده ای از علماء ربّانی و معاصر خود در

ص: 70

1- این جریان جالب را حضرت آیه الله العظمی، آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی مدّ ظلّه از قول مادر بزرگ شان، همسر آیه الله فقیه أحمد آبادی، و عمّه مرحومه شان (که در جریان خواستگاری و ازدواج حضور داشته اند) نقل فرمودند.

ارتباط بودند، و با آن ها در جلسات انس و بحث علمی، مجالست و مؤانست داشتند، ولی در میان آن ها، مرحوم آیه الله، حاج شیخ محمد باقر فقیه ایمانی قدس سره ویژگی خاصی داشتند، و با یک دیگر عقد اخوت و برادری خوانده بودند، و دلیل آن، توجه و عنایت خاص این دو بزرگوار نسبت به حضرت بقیة الله الأعظم، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) بوده، و به همین مناسبت، ذیلاً از آن یار هم سفر و همراه در طریق جان جانان، یاد می نمائیم.

آیه الله فقیه ایمانی، متوفای شب جمعه 21 ذی القعدة 1370 قمری، عالمی زاهد، و مجتهدی پر تلاش، و نویسنده ای محقق، و شاعری دل سوخته، و منتظری دل باخته بودند.

پدر شان مرحوم حاج شیخ حسین علی شریف تهرانی، از علمای تهران و پدر زن شان، علامه محقق، آیه الله، حاج آقا منیر الدین بروجردی، متوفای 1342 قمری، و نوه زعیم و محقق نام دار و عظیم الشان، میرزای قمی «صاحب کتاب قوانین الاصول» بودند، و در مجموع، در یک فضای علمی و نورانی تربیت یافتند، و از استاد های بزرگی هم چون: آخوند کاشی و آخوند گزی و مرحوم آیه الله العظمی بروجردی قدس سره (در ایام اقامت شان در حوزه علمیة اصفهان) و نیز مرحوم آقا شیخ عبد الحسین محلاتی، و حاج آقا منیر الدین بروجردی (فوق الذکر) و ... که از برجسته ترین علماء و مدرّسین حوزه علمیة اصفهان بودند، کسب علم و أخلاق و معنویّت نمودند، و خود به تدریس و تحقیق و تألیف اشتغال یافتند، و شمار تألیفات آن بزرگ مرد، به بیش از هفتاد اثر (کوچک و بزرگ، فارسی

و عربی) می رسد، در زمینه های فقه و اصول و تفسیر و اخلاق و حدیث و شئون حضرت زهراء عليها السلام و ائمة اهل البيت عليهم الاسلام و آداب و شعر، که بیست و شش عدد آن ها، درباره عزیز عزیزان و جانِ جانان، و امید دل دادگان، حضرت بقیة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) می باشد.

آیه الله فقیه ایمانی، به زبان عربی و فارسی، درباره اهل البيت عليهم السلام و مخصوصاً درباره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) شعر می سرودند، که در پایان همین قسمت نمونه هائی را نقل می نمائیم، و مرحوم آیه الله فقیه أحمد آبادی، در کتاب مکیال المکارم و دیگر آثار خود، به مناسبت هائی از این بزرگ مرد یاد می کنند، مثلاً:

1- در بحث اثر چهل و سوم از آثار مداومت در دعاء برای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) که وسیله تأیید الهی است برای موقفت در عبادت، می فرماید:

فاللازم على كافة اهل الايمان أن يهتموا ويواظبوا بذلك في كل مكان وزمان ومما يناسب ما ذكرناه ويؤيده، ما ذكره الأخ الأعزّ الايماني، الفاضل المؤيد بالتأييد السّبحاني، ألاغا ميرزا محمد باقر الإصفهاني (1) أدام الله تعالى علاه، وآتاه ما يتمناه، في هذه الأيام، فانه قال: رأيت ليلة من هذه الليالي في المنام أوبين اليقظة والمنام، الإمام الهمام، مولی الأنام، و البدر التمام و حجة الله على ما فوق الثرى و ما تحت التّرى، مولانا الحسن المجتبى عليه الصلوة والسلام، فقال ما معناه:

(قُولُوا عَلَى الْمَنَابِرِ لِلنَّاسِ وَأْمُرُوهُمْ أَنْ يَتُوبُوا وَيَدْعُوا فِي فَرْجِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ص: 72

1- منظور، آیه الله فقیه ایمانی مورد بحث می باشند

وَتَعْجِيلِ ظُهُورِهِ، لَيْسَ هَذَا الدُّعَاءُ كَصَلَاةِ الْمَيِّتِ وَاجِباً كِفَائِيّاً يَسْقُطُ بِقِيَامِ بَعْضِ النَّاسِ بِهِ عَنْ سَائِرِهِمْ، بَلْ هُوَ كَالصَّلَاةِ الْيَوْمِيَّةِ الَّتِي يَجِبُ عَلَى كُلِّ فَرْدٍ مِنَ الْمُكَلَّفِينَ الْإِثْنَانُ بِهَا... (1)

یعنی: بنا بر این، لازم است بر اهل ایمان، که در هر زمان و مکان به این امر اهتمام ورزند، و از اموری که مناسب و مؤید این مطلب است، این که، برادر عزیز ایمانی، فاضل مؤید به تأیید سبحانی، آقا میرزا محمد باقر اصفهانی، (که خداوند، بزرگی او را مستدام دارد، و هر چه را آرزو دارد به او عطا فرماید) در این روزها برایم نقل کرد که: شبی از شب‌ها در خواب، یا بین خواب و بیداری، مولایم، امام همام، مولای مردم، و بدر تمام، و حجة خدا بر همه مخلوقات، امام حسن مجتبی علیه السلام را دیدم، و عبارتی فرمودند که معنایش این است:

بر روی منبرها به مردم بگوئید و به آن‌ها دستور دهید، که توبه کنند، و دعا کنند در فرج حضرت حجت علیه السلام و درباره تعجیل ظهور شان. این دعا همانند نماز میّت نیست که واجب کفائی باشد، و با انجام دادن بعضی از مردم از دیگران ساقط شود، بلکه همانند نمازهای روزانه است که بر همه مکلفین واجب است آن را انجام دهند...

2- و در بحث تکالیف بندگان نسبت به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف)، در قسمت شصت و هشتمین وظیفه، که تعظیم مواقف و مشاهد منسوب به امام زمان (همانند مسجد سهله و سرداب مطهر و مسجد جمکران و...) می باشد، بحث مفصلی

ص: 73

را درباره چگونگی تعظیم این شاهد شروع می نمایند، و در ضمن این بحث و بررسی مفصل، درباره معنی جمله نورانی و برجسته

(نَحْنُ الشَّعَائِرُ وَالْأَصْحَابُ)

تحقیقی ارزش مند را مطرح نموده، و چندین وجه، درباره معنی این جمله بیان می نمایند، و در وجه چهارم از آن ها می فرمایند:

و الوجه الرابع ما احتمله صديقنا المسمى باسم خامس الأئمة عليهم السلام وهو أن يكون المراد بقوله عليه السلام نحن الشعائر والأصحاب هم الأئمة ويكون معنى قوله والأصحاب، إشارة الى ما روي عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم: (أَصْحَابِي كَالنُّجُومِ بَأْيِهِمْ إِقْتَدَيْتُمْ إِهْتَدَيْتُمْ، يَعْنِي أَنَّ مُزَادَةً...) (1)

در این عبارت، مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی قدس سره، از مرحوم آیه الله فقیه ایمانی قدس سره بعنوان (دوست ما، که نامیده می شود به اسم پنجمین ائمه عليهم السلام) (محمد باقر که نام امام همام، باقر العلوم است) یاد می کند، و آن گاه نظریه علمی و ارزش مند آن بزرگ مرد را در معنی جمله بسیار مهم «نحن الشعائر والأصحاب» بیان می نمایند.

3- و در برخی از مواقع، از اشعار آن بزرگ مرد، در زمینه مورد بحث شان، بعنوان شاهد و روشن گر، بهره گیری می نمایند.

مثلاً در کتاب «أبواب الجَنّات في آداب الجمعَات» (آئین جمعه) در این مبحث (که بسا باشد، به جهت کثرت دعا کردن مؤمنین در باب فرج و ظهور امام زمان

ص: 74

(عج الله تعالى فرجه شریف)، این امر عظیم زود تر اتفاق بیفتد... (1) می فرمایند :

در این مقام، چند بیت از آخ (برادر) روحانی، المؤید بالتأیید السبحانی (2) سَمیّ خامس الأئمّة الأطهار (یعنی محمد باقر = نام امام پنجم) سلام الله علیهم، ما غسق الليل و النهار، مناسب است نقل نمایم:

ای غایب از نظر، که به دل های دوستان *** حبّ تو بر جراحت آن ها چو مرهم است

وی دور از نظاره، که باشد خیال تو *** در قلب ها چو روح، که با جسم در هم است

یا صاحب الزّمان به ظهورت شتاب کن *** می بینی این چنین که پر از کفر، عالم است

دل های دوستان ز فراقت کباب شد *** دریا بشان ز لطف، که وقت ترحم است

یعقوب وار بسکه کشیدند انتظار *** چشمان چو ابر گشته، که حایل به أنجم است

از بسکه تیر طعنه اعدا به دل رسید *** گشته چو بیت نحل، و لکن پر از سم است

ص: 75

1- أبواب الجنّات (آئین جمعه)، صفحه 363

2- مرحوم آية الله فقيه أحمد آبادی، دوست عزیز و برادر ایمانی خود، مرحوم آية الله فقيه ایمانی را، مکرراً «مؤید به تأیید سبحانی» می شمارند

در انتظار مقدمت ای شاه مستطاب *** ز آدم گرفته جمله چنین، تا به خاتم است

گردید پس دراز، شب هجر روی تو *** دل های ما چو لاله و، چشمان ما یم است

آیا شود طلوع کند صبح وصل تو *** آید بشارت آن که کنون آخر غم است

و هم چنین در پایان جلد دوم وظیفه الأنام، پس از آن که شش غزل از خود شان درباره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) آورده اند، اشعار مفصلی را از مرحوم آیه الله، فقیه ایمانی قدس سره نقل می کنند، و می نویسند :

این اشعار در مدح حضرت صاحب الأمر، عجل الله فرجه از جناب مستطاب عمدة الفضلاء الکرام، أخ أعزّ ایمانی، آقا میرزا محمد باقر اصفهانی، دام إفضاله العالی درج شد.

و هم اینک، ما به عنوان نمونه، چند بیت از آن اشعار را نقل می نمایم :

نور مهرش تافت بر دل، دیده دل بر گشود *** پرتو آن شعله زد چون نار و، دل آذر گرفت

هر دمی شد تازه، ذکرش گوش دل را بر گشود *** حلقه شد بر گوش هوشش، بندگی از سر گرفت

اودهان را در تبسم هرگه از هم بر گشود *** در حلاوت، از دل عشاق خود غم بر گرفت

در مقامش پس، که گر لب در شفاعت بر گشود *** دفتر عفو خطای عاصیان یک سر گرفت

نظری و عنایتی، در شبی بیاد ماندنی

مرحوم آیه الله فقیه ایمانی، در یکی از سال ها، در شب نیمه ماه مبارک رمضان، مشغول سرودن اشعاری عربی در زمینه مدح و منقبت و سلام و درود بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیاء و جانشینان آن حضرت، بالأخص امام زمان حضرت بقیة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) بودند که از جمله آن اشعار، بیت زیر است :

لا سیما امامنا الثانی عشر *** من حاضر فینا و عنا مُستتر

یعنی: مخصوصاً امام دوازدهم ما، که در میان ما حاضرند، ولی از نظر های مان پنهان و مستترند. (1) (2)

پس از سرودن اشعار یاد شده، در اثر خستگی به خواب می روند، ناگاه احساس می کنند که کسی به شدت درب منزل را می کوبد، ایشان بر می خیزند

ص: 77

-
- 1- اشاره است به فراز هائی نورانی از دعای ندبه، که می خوانیم: بنفسی أنت من مغیب لم یخل منّا، بنفسی أنت من نازح ما نزع عنا یعنی: جانم قربان شما نا پیدائی که از میان ما بیرون نیستی. جانم قربان شما ای دوری که (در حقیقت) دور از ما نیستی (و در عین دوری ظاهری، نزدیک هستی، و در عین پنهانی ظاهری، در میان مائی).
 - 2- مجموع این اشعار، در کتاب مطلع الأنوار (که مجموعه ای است با متجاوز از سه هزار بیت عربی، از آثار مرحوم آیه الله فقیه ایمانی، در شئون و خصائص حضرت بقیة الله الأعظم «عجل الله تعالی فرجه شریف») ذکر گردیده است، از صفحه 232 به بعد.

و به درب خانه می روند، ولی کسی را پشت درب نمی بینند. پس از مراجعت به اتاق حس می کنند که خواب شان نمی برد، و به نظر شان می رسد که از منزل شان (که در کوی گلشن، پشت صحن امام زاده اسماعیل علیه السلام بوده) بروند به سوی حمام نو (که در نزدیکی میدان کهنه «سبزه میدان فعلی» بوده است) و غسل مستحبی شب های ماه مبارک رمضان را انجام دهند. هنگامی که وارد گرم خانه حمام می شوند، ملاحظه می نمایند که خزینۀ معمولی (1) آبش کثیف است، و خزینۀ دیگری است با آب بسیار پاکیزه، ولی آن قدر آب آن گرم و سوزان است، که امکان وارد شدن در آن نیست. حیران و سرگردان می مانند، ناگاه ملاحظه می کنند که آقای بزرگواری، وارد حمام می شوند، و به راحتی وارد همان خزینۀ آب گرم و سوزان می شوند، ایشان هم وارد می شوند و

احساس گرمی بسیار ملایم و مطبوع می نمایند، ولی در آن حال توجه پیدا نمی کنند، که این همان خزینۀ بسیار سوزان است. پس از لحظاتی آن آقای بزرگوار، از خزینۀ خارج می شوند، ناگاه آیه الله فقیه ایمانی احساس سوزش و گرمی طاقت فرسایی در آب می نمایند، و با سرعت از آب خارج می شوند، کمی تأمل می کنند که سوزش بدن شان تخفیف پیدا کند، و سپس به رختکن حمام (محلّ خارج کردن لباس ها) می آیند، و از استاد حمامی سؤال می کنند، این

ص: 78

1- در زمان قدیم، به علت نبودن امکانات و موتور آب کشی، و به جهت این که با زحمت زیاد و بوسیله دلوهای معمولی، بایستی آب را از چاه با عمق زیاد بالا بکشند، در حمام ها، خزینۀ ای آماده می گردید، که آب آن بسیار گرم بود و مخزن آب گرم بشمار می رفت، و خزینۀ دیگری ساخته می شد، که آب آن معمولی بود، و مردم وارد آن می شدند و خود را شستشو می دادند.

آقائی که در حمام بودند و هم اکنون خارج شدند کیستند، و کجا رفتند؟ در جواب می گوید: مدّتی است کسی به حمام نیامده، و شخصی خارج نگردیده است. مرحوم آیه الله فقیه ایمانی، دچار افسوس می شوند، که چرا در وقتی ملاحظه کردند که با ورود آقا، آب سوزان ملایم شد، و مجدداً با خروج آن بزرگوار به حالت سوزان در آمد، توجّه پیدا نکردند، و کسب فیض نمودند.

و در این هنگام، متوجّه شدند که در آن نیمه شب، صدای کوبیدن درب (به نحو شدید) غیر عادی بوده، و اندیشه رفتن بسوی حمام، و انجام غسل استحبابی شب های ماه رمضان، طبیعی نبوده است. و به نظر شان می رسد که شاید خواسته اند به ایشان بفهمانند که، مضمون شعر سروده شده:

لا سیّما امامنا الثّانی عشر *** من حاضر فینا و عنا مستتر

چگونه است، و چگونه تحقّق می یابد؟ .

گزیده ای از سرودهای بلند، از آیه الله فقیه ایمانی قدس یره در سوز فراق و آرزوی وصال، و احساس عنایت و بشارتی و دریافت پیام های معنوی از جانب پناه بی پناهان، حضرت حجة بن الحسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه شریف)

ای ماه من که دور ز انظار مردمی *** آیا شود وصال جمالت نصیب من

کردی یکی تجلّی و، گشتی دلم کباب *** گشتم مریض هجر، بیا ای طیب من

هر دم خیال وصل تو آید به دل، ز یأس *** گویم کجا مئی و، جناب حبیب من

ص: 79

یاد آورم چو مور و سلیمان و مُحْتَشَم *** آید هزار مژده به قلب کئیب من

گفتم که ای عزیز، چسان می توان کشد *** دردِ فراقِ مثل تو، قلبِ غریب من

از لطف پس رسید ندائی که رُوح یافت *** از رُوح جان فزاش، عقل لیب من

باشد چسان غریب؟ دلی کو مرا مقرّ *** گردیده است و هست قرین و قریب من

در موت و در حیات قرین توأم ز لطف *** مسکن کند به گلشن من، عندلیب من

گفتم که هست ترس، مرا زین جهان روم *** این فیضِ حضرت تو، نگردد نصیب من

بشنیدمی ز غیب، که این غم مخور که نیست *** حرمانِ فیضِ رُوح، ز بهر حبیب من

باز آید او به جهان، گر رود از آن *** بیند کمالِ لطفِ خدایِ حبیب من

تا آن جا که می گوید:

گفتم که ای حبیب ندانم مقام تو *** فرمود مَنْ تَوَجَّهَ لِي فَهُوَ بِي قَرْنُ

گفتم چه حال نزد تو محبوب و مرتضاست *** گفتا مَنْ اتَّقَى، فَهُوَ الزَّيْنُ وَالْحَسَنُ

گفتم که چیست آیه حبّ تو در قلوب *** فرمود مَنْ تَفَقَّدَ مَحْبُوبَهُ حَزَنُ

گفتم که چیست آیه شوق هوای دوست *** فرمود مَنْ تَعَشَّقَ شَيْئًا لَهُ أَفْتَنَ

گفتم که چیست حاصل این حب و عشق و ذکر *** فرمود مَنْ يَقُوزُ بِهِذَا، لَهُ يُبْنَ

گفتم چه نوع ذکر جنابت کنم خوش است *** فرمود نزد دوست، بِمَا يَرْفَعُ الْحَزْنَ

گفتم چگونه نزد عدو یاد آوریم *** گفتا لِي الدُّعَا، هُنَا الْخَيْرُ وَالْحَسَنَ

گفتم در این دعا چه شفیع آورم رواست *** فرمود الْحُسَيْنَ فَرْزُ، وَأَبُكَ فَادْعُونِ

قُلْ رَبِّ اسْتَجِرْ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ بِكَ *** عَجَلْ طُهورَ قَائِمِنَا صَاحِبِ الزَّمَنِ

گفتم که چیست آیه ایمان به غیب تو *** گفت بِالْإِنْتِظَارِ لِي الْعَبْدُ يُمَتِّحَنَ

گفتم که چیست واقع این حال انتظار *** گفتا كَالْإِنْتِظَارِ لِمَنْ غَابَ فِي الْوَطَنِ

گفتم وسیله چیست ز بهر ثبات دین *** فرمود خُذْ بِحُجْرَتِنَا، تَأْمَنُ الْفِتَنَ

گفتم چگونه اخذ به این حُجزه حاصل است *** فرمود الْوِلَاءُ وَأَنْ تَتَّبَعَ السَّنَنَ

این است آن سفینه که فرمود مصطفی *** مَنْ جَاءَهَا يَقُوزُ وَبِالْحَقِّ يُطْمَئِنُّ

گزیده ای دیگر، از سروده مفصلی در باب انتظار فرج: صاحب الزمان، حجة بن الحسن العسكري (عجل الله تعالی فرجه شریف)

یا رب بحقّ آدم و نوح و خلیل خود *** حقّ کلیم و روح، که عیسی بن مریم

یا رب بحقّ علّت ایجاد ممکنات *** ختم رُسل که بر همه عالم مقدّم است

یا رب بحقّ سرور و سر خیل اولیاء *** کو جانشین احمد و، او را پسر عم است

یا رب بحقّ زهره زهرا که در شرف *** دُخت رسول و، مادر حوا و آدم است

یا رب بحقّ حُسن حَسَن، کز جمال او *** عرش برین مزین و، قدرش مکرم است

یا رب بحقّ خامس آل کساء، حسین *** کز بهر او به عرش برین، فرش ماتم است

یا رب بحقّ آن که چو احمد، به انبیا *** بر اولیاء پاک تو، او نیز خاتم است

ظاهر نما تو صاحب ما را، که در جهان *** خار و ذلیل، صالح و، طالح مکرم است

چشم رَمَد رسیده ما را ضیا به بخش *** از نور طلعتش، که به هر درد مرهم است

جلوه هائی از عنایات خاصّہ اهل البیت علیہم السلام به آیۃ اللہ فقیہ احمد آبادی

اشارہ

ص: 83

با یک مطالعه اجمالی درباره حالات و آثار و موفقیت های علماء بزرگ شیعه، در طول تاریخ (در طی متجاوز از چهارده قرن) به خوبی در می یابیم که، موفق ترین علماء، و پر برکت ترین آثار علمی، و پر نفوذ ترین سخنان، و ماندگار ترین فعالیت های اجتماعی، مربوط است به آن شخصیت هائی، که به شکلی مورد عنایت خاصه اهل البیت علیهم السلام، و صاحبان ولایت الهیه قرار گرفته اند، و در مکاشفه ای، یا رؤیای صادقه ای، یا ملاقاتی حضوری، گوشه چشمی از جانب مولا به آن ها شده است.

آری، عنایتی از امیر المؤمنین علی علیه السلام به میثم تمار، کمیل بن زیاد، حجر بن عدی، و ...، نه تنها یاد شان را زنده نگه داشته، که قبور شان را نیز قبله عاشقان نموده است.

و هم چنین، عنایتی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام به ابان بن تغلب، محمد بن مسلم ثقفی، زرارة بن أعین و ... آن ها را محور حدیث و فقه قرار داده است.

و نیز، نظر لطفی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به زکریا بن آدم قمی ... و ...، نام و مزار شان را جاوید ساخته است.

و هم چنین، نظر عنایت حضرت بقیة الله الأعظم علیه السلام به شیخ مفید، شیخ صدوق، شیخ طوسی، علامه حلی، سید بن طاووس، مقدس اردبیلی، سید بحر العلوم و ده ها عالم بزرگ دیگر، در طول دوران غیبت کبری، قلم شان را پر نور و مؤثر، نام شان را جاوید و ماندنی، تحقیقات شان را پر ثمر، حیات و زندگی شان

را پر برکت قرار داده است، و آن ها را بر اُقران و همتا های علمی و عملی شان، به گونه ای چشم گیر و عجیب، برتری داده است.

آری، چه بسیار عالمانی که عمری را در راه تحصیل علم و نیز تحقیق و تألیف گذراندند، و زحمات بسیاری را متحمل شدند، ولی به عللی روحی یا اخلاقی و ... مورد عنایت قرار نگرفتند، و در نتیجه، نه نام شان بر زبان ها، نه کتاب های شان مؤثر، و نه قبور شان مورد توجه، و نه نسل شان باقی، و نه، و نه ...

مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی قدس سره، در اثر عنایتی که از جانب ائمه معصومین علیهم السلام، و بالأخص حضرت بقیه الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) دریافتند، نام شان باقی، و آثار قلمی شان پر برکت، و راه شان پر رهرو، و نسل دینی و علمی شان مستمر، و قضایا و داستان های زندگی شان الهام بخش می باشد.

عنایت های ویژه و اُلطاف مخصوص

با ملاحظه مجموع زندگی کوتاه ولی پر برکت آیه الله فقیه احمد آبادی، به خوبی احساس می شود که، به دلایل گوناگون شخصی و وراثتی، روحی و عملی، زندگی آن بزرگ مرد مورد عنایات خاصه و اُلطاف الهیه به نحو مستمر بوده است، و در صحنه های گوناگون، و به مناسبت های مختلف، افاضات غیبیه و مواهب ربوبیه، به روح و روان، و زندگی و حیات آن بزرگ مرد، حال و هوای تازه، و شور و نشاط جدید، و قوت و قدرت بیش از پیش، می بخشیده است.

آن بزرگ مرد، در جایی می فرماید:

(وَ كَمْ لَهُ لَدَيِّ مِنَ الْمَوَاهِبِ وَالْأَطَافِ) (1)

ص: 86

یعنی: چه بسیار، از جانب خداوند متعال مواهب و بخشش ها و الطاف نصیب گردیده است. و در جای دیگر می فرماید :

(وَقَدْ أَفِضَ إِلَيَّ مِنَ الْبَرَكَاتِ الْبَاطِنَةِ وَالْعُلُومِ الْكَامِلَةِ الْكَامِنَةِ وَالْمَعَارِفِ الْإِيمَانِيَّةِ وَالْأَلْطَافِ الرَّبَّانِيَّةِ بَعْدَ هَذَا الْمَنَامِ مَا يَتَعَسَّرُ بَيَانُهُ بِلسَانِ الْأَقْلَامِ) (1)

یعنی: همانا بعد از این رؤیا (که در آن مشرف شدم به محضر حضرت بقیه الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) و مورد لطف و عنایت آن حضرت قرار گرفتم) آن قدر از برکت های باطنی، و علوم کامل و معارف ایمانی، و الطاف ربّانی، به من عنایت شده است که زبان قلم از بیان و تشریح آن عاجز و نا توان است.

و یک سیر اجمالی در کتاب مکیال المکارم، و نیز مروری بر زندگی و شرح حال این بزرگ مرد، و هم چنین قضایای عجیبی ای که در مورد آثار قلمی، و مرقد مطهر و نام و یاد ایشان، در دل ها و نوشته ها و سروده ها، رخ داده و اتفاق افتاده است، همه و همه نشان دهنده همین عنایت های ویژه، و الطاف مخصوص الهی می باشد.

شب های نور و زمزمه های انسی

أولياء خدا، حالات انس، و سوز و شور، زمزمه و مناجاتی دارند، که تنها خود شان از لذّت و بهره های روحی و معنوی آن با خبرند، و همین لذّت ها است که روز به روز، آن ها را به فداکاری بیش تر، و بی اعتنائی به ظواهر زندگی، و لذّت های مادی، بی اعتنا تر می کند.

ص: 87

در این حالات و لذت های معنوی، و کشش های نیرومند روحی است که، با تابش أنوار الهی آشنا می شوند، و عکس العمل این حالات، و شور و سوز ها را احساس می کنند، و با ندا های الهی سر و کار پیدا می نمایند.

آری، در مناجات شعباتیّه (که امیر المؤمنین علی علیه السلام و پیشوایان از فرزندان آن حضرت علیهم السلام می خوانده اند) آمده است:

(اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَسْمَعْ دُعَائِيْ اِذَا دَعَوْتُكَ وَ اَسْمَعْ نِدَائِيْ اِذَا نَادَيْتُكَ)

و پس از زمزمه ها، و سوز و گداز های عجیبی که آنان با خدای مهربان دارند عرضه می دارند :

(إِلَهِي أَنْظِرْ إِلَيَّ نَظْرَ مَنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ اسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَأَطَاعَكَ ... إِلَهِي هَبْ لِي قَلْبًا يَدْنِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ وَ لِسَانًا يُرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ وَ نَظْرًا يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ.. إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أَثَرِ أَبْصَارِ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ خَجَبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ وَ تَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلِّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ) تا آن جا که می خوانیم: (إِلَهِي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ لَا حَظُّنَهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ فَتَاجِيَّتُهُ سِرًّا وَ عَمِلَ لَكَ جَهْرًا)

در این زمزمه ها و سوز و گداز ها، کار بنده به جایی می رسد که می گوید: خدایا، مرا از آنان قرار ده که تو آن ها را ندا می کنی، و آن ها تو را اجابت می کنند، و تو، به آن ها نظر می افکنی، و از تجلّی جلال و عظمت تو مدهوش می شوند، و تو در باطن با آن ها راز می گوئی، و آن ها در ظاهر و عیان فرمان بری می کنند.

در این مناجات شعباتیّه، سخن از زمزمه و مناجات بنده است از یک طرف

(وَ أَسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ أَسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ)

و گفت گو از مناجات و ندای خدا است با بنده اش از طرف دیگر:

(وَ أَجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ لَأَحْظُتَهُ فَصَعِقَ لِحَالِكَ)

انس است، گفت گو است، زمزمه است.

بنده می گوید:

خدای من، حبیب من، آنیس من، پناه دهنده من، امید من، یاور من ... و خدا می گوید :

بنده من، امیدوار به من، پناهنده من، دوست من، دل شکسته در خانه من...

آیا چه کسی مفهوم و ارزش و لذت و آثار چنین انسی را می فهمد؟ آیا کدام قلبی گنجایش درک این سیر و سفر، اتصال و ارتباط را دارد؟
آیا کدام روحی ظرفیت چنین پرواز و عروجی را دارد، و می تواند به چنین فضائی وارد شود؟

بلی گاه گاهی، بعضی از انسان های شایسته، برخی از پرده های ظاهری برای شان عقب زده می شود، و شمه ای از صحنه های آن سیر و سفر، و انس و ارتباط، و زمزمه ها و سوز و گداز را، به تماشا می نشیند.

همسر صالحه و عابدۀ مرحوم آیه الله فقیه أحمد آبادی، که از زنان شایسته، و اهل دعا و توسّلات بوده، و به دیدار حضرت خضر علیه السلام نائل گردیده بود می گوید: ایشان (آیه الله فقیه أحمد آبادی) شب های جمعه می رفتند در اطاق مخصوص خود شان، و مشغول دعا و مناجات می شدند، و با حضرت مهدی امام زمان، بقیّة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) (که فکر و ذکر شان، قلم و بیان شان، علم و عمل شان را وقف آن عزیز کرده بودند) به خطاب و زمزمه می پرداختند، و حالت انس و شور و سوزی داشتند، و در حالتی روحانی قرار می گرفتند،

و می دیدم که نوری بطرف همان اطاق می رفت، و فضا را روشن می نمود، ولی چیز دیگری نمی دیدم.

آری، برای آن بانوی صالحه، و دارای حال و هوای توسّل و تعبّد، بیش از این، پرده ها عقب نمی رفته است، ولی آیا آن بزرگ مرد فداکار و دل باخته، و فدائی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) چه می دیدند؟ و چه احساسی پیدا می کردند؟ که آن چنان مجذوب گشته، و حیران و سرگردان و واله گشته بودند، که آن سوز و گداز و آن حالات و برنامه های عجیب را از خود نشان می دادند؟

آیا تا حدّ ... و آیا تا مرز ... و آیا تا منزل...

تشرّفی بزرگ و از اُسرار

آیه الله فقیه احمد آبادی، تشرّفات خود را در عالم خواب، به محضّر حضرت بقیّة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) شرح داده، و در جای جای کتاب مکیال المکارم از آن ها یاد کرده اند، ولی در ضمن عبارتی سر بسته، اشاره ای لطیف، به تشرّف یا تشرّفات در بیداری دارند، که از اُسرار است، و درباره آن، بیان و توضیحی ذکر نکرده اند، ولی حال و هوای روحی آن بزرگ مرد، و قضایای گوناگون زندگانی آن دل باخته امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) و آرامش روحی و اطمینان عجیبی که در صحنه های گوناگون زندگانی از ایشان مشاهده می شده، و برخی از قضایای عجیبه ای که در سال های آخر عمر نورانی شان رخ می داده، اشاره هائی لطیف به آن اُسرار دارد، مثلاً آن بزرگ مرد، در بخش مربوط به تشرّف به ملاقات آن حضرت، و امکان چنین تشرّفی، و استحباب دعاء برای رسیدن به چنین فیض و عنایتی، و ذکر نمونه هائی از دعا های وارده از ائمه معصومین علیهم السلام در این زمینه، همانند :

(وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقْرُءُ عَلَيْهِ بُرُؤِيَّتِهِ

وَ أَكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظَرَةٍ مِّنِي إِلَيْهِ

وَ أَرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى)

می فرماید:

(وَ قَدْ أَتَقَقَّ لِي وَ لِبَعْضِ الْأَخْيَارِ مَا هُوَ مِنَ الْأَسْرَارِ) (1)

یعنی: به تحقیق اتفاق افتاده است برای من و بعضی از اخیار و نیکان، آن چه که از اسرار است. و از این عبارت به خوبی استفاده می شود که آن بزرگ مرد، به فیض لقاء و تشرف به محضر آن حضرت نائل گردیده اند، ولی به جهت پرهیز از قضاوت های غلط، و سوء تفسیر های نا بخردان، از افشای جریان تشرف یا تشرفات افتخار آفرین خود، پرهیز نموده اند، چنان چه داستان تشرفات بزرگان از علماء بزرگ و مفاخر برجسته تاریخ شیعه نیز، در زمان حیات و زندگی ظاهری آن بزرگواران، در پرده ای از استتار بوده، و تنها بعضی از اصحاب سر آنان مطلع گردیده اند، و آن شخصیت های بزرگ و موفق به دیدار حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه شریف)، عهد و پیمانی محکم و شدید از آن صاحبان سیر می گرفته اند، که تا وقتی در قید حیات هستند، جریان تشرف باز گونشود، و به همین جهت، آن مردان راز دار و حافظ عهد، آن اسرار ارزش مند را، سال های طولانی و در مدت زمان حیات آن بزرگواران نقل نمی نموده اند، و برای اولین بار، پس از وفات آن ها، جریان تشرف شان را به محضر حضرت بقیة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) نقل نموده، و عموم مردم، از داستان آن تشرف و لقاء، آگاهی می یافته اند، که در این زمینه

ص: 91

قضایای بسیاری نقل گردیده، و آشنایان با این مباحث، نمونه های فراوانی را شنیده، یا در جریان آن قرار گرفته اند.

دیداری دیگر و فیضی برتر: (فرمان تألیف کتاب مکیال المکارم)

پس از آن که آیه الله فقیه احمد آبادی، در کتاب «أبواب الجنّات في آداب الجمعّات» هشتاد و چند فائده، برای دعاء به وجود مقدّس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) ذکر نمودند (1) بنظر شان می رسد که، کتابی مستقل تألیف نمایند، که با نظم و ترتیبی جالب، این فوائد را تشریح نمایند، و با تفصیل و تحقیق کامل در این موضوع مهم اقدام نمایند، که شرح قضیه را از قلم خود ایشان ملاحظه می نمائید:

سپس به نظرم رسید که کتاب جدا گانه ای در این زمینه بنویسم، که آن فوائد را در بر داشته باشد، و به نظم خاصی آن مطالب گران قیمت را مرتّب سازم، ولی حوادث زمان و رویداد های دوران، و ناراحتی های پی در پی، مرا از شروع کار باز می داشت، تا این که در عالم رؤیا کسی برای من جلوه گری کرد، و متجلی شد که با زبان قلم و بیان، توانائی توصیف او را ندارم، یعنی مولایم، امامم، همان که انتظارش را می کشم، و حبیب و دوست دل شکسته ام می باشد، و با بیانی بهجت انگیز تر از وصل دوست، و هیجان انگیز تر از صدای بلبل، به من سخنی فرمود که، عین لفظ او چنین است:

ص: 92

این کتاب را بنویس، و عربی هم بنویس، و نام او را بگذار «مکیال المکارم، فی فوائد الدّعاء للقائم»

سپس از خواب بیدار شدم، مثل تشنه ای (نیازمند آب گوارا) و تأسف خوردم، همانند انسان سوخته دل، و تصمیم گرفتم که فرمان اعلی و برتر او را اطاعت کنم، و (پیش خود) گفتم: «کلمة الله هي العليا»

(ولی شرائط زمانه و امکانات زندگی) برای شروع در تألیف هم راهیم نکرد و توفیق یارم نگردید، تا این که ...

عنایتی و کرامتی دیگر

تا این که در سال گذشته (1330 قمری) راهی سفر خانه خدا گردیدم، و در آن جا وبای عمومی پیدا شد، و دریای سختی و مصیبت متلاطم گردید، و من با خداوند متعال (جَلَّ جَلَالُهُ وَ عَمَّ نَوَالُهُ) پیمان بستم که، اگر از این مهلکه ها نجات یابم، و به آسانی راه بسوی وطن پیدا کنم، شروع کنم به تألیف کتاب. پس خداوند بر من منت نهاد، و مرا به سلامت به وطن رسانید، (و چه بسیار از اوقات، مواهب و الطاف الهی شامل حالم بوده است). پس به تألیف کتاب شروع نمودم، تا فرمان الهی را که می فرماید :

(وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ)

و فرمان مطاع و اعلای خداوندی را که می گوید:

(وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا)

دیداری پر برکت و افاضه های علمی و معنوی

آیه الله فقیه أحمد آبادی، در بخش مکرمات نوزدهم، از مکارمی که به وسیله دعاء برای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) حاصل می شود، درباره فائز شدن به فیض ملاقات حضرت بقیه الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) بحث کرده اند، و دعائی را از امام صادق علیه السلام نقل نموده اند، که آن حضرت فرموده اند: هر کس این دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند، در عالم خواب یا بیداری، مشرف به لقاء و دیدار امام (م ح م د) بن الحسن علیه و علی آبائه السلام می شود. و سپس نوشته اند:

بدان که من از اول زمان تکلیف، مواظبت بر خواندن این دعا داشته ام، و در سه نوبت تاکنون (2) در عالم خواب به ملاقات آن حضرت شرف یاب شده ام.

و آن چنان بوده است که یقین پیدا کرده ام که آن حضرت مولایم حضرت صاحب الزمان علیه السلام بوده اند.

یکی از آن سه مورد این است که، شبی در عالم رؤیا دیدم که آن حضرت داخل منزل من شدند (آن منزلی که الان در آن سکونت دارم (3)) و همراه آن حضرت یکی از پیامبران بنی اسرائیل بودند، پس آن حضرت در اطاق من (که در سمت قبله است) تشریف آوردند، و به من دستور دادند که، از مصائب مولای شهید مان، حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام بخوانم، و من امر مطاع

ص: 94

1- مکیال المکارم، جلد 1، صفحه 4

2- یعنی در زمان نوشتن این بخش از کتاب مکیال المکارم

3- واقع در کوی لت، مقابل مسجد الهدی، که هم اکنون فرزند ارشد ایشان، حضرت حجة الإسلام و المسلمین، آقای حاج آقا محمد فقیه أحمد آبادی دام عزه، در آن سکونت دارند.

آن حضرت را اطاعت کردم، و آن بزرگوار روبروی من نشسته بودند، و در حال استماع و گوش دادن به ذکر مصیبت بودند، پس در هنگامی که از ذکر مصیبت فارغ شدم، توجه به سمت کربلا پیدا کردم، و زیارت امام حسین علیه السلام خواندم، و سپس به سوی طوس (مشهد الرضا علیه السلام) رو نمودم، و به شکل مرسوم و معمول، زیارت امام أبو الحسن الرضا علیه السلام را خواندم، و سپس رو به سوی شخص آن حضرت نمودم، و زیارت امام زمان، مولانا الحجة (عجل الله تعالی فرجه شریف) را خواندم، و پس از آن که از زیارت ها فارغ شدم و آن حضرت اراده فرمودند که تشریف ببرند، آن پیامبر بزرگوار، از طرف آن حضرت پولی به من دادند، که نمی دانم چه اندازه بود، و سپس هر دو بزرگوار از دید من پنهان شدند.

سپس روز دوم (پس از آن شبی که از هنگام صبح نیکوتر، و از روز روشن درخشنده تر بود) یکی از علماء بزرگوار را دیدم (که خدای امثال آنان را زیاد گرداند) و او مبلغی پاکیزه و طیب به من عطا کرد، که هم چون بارانی پاک و زلال که از آسمان فروریزد بود، و به خود گفتم:

(هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا)

(یعنی این تأویل خوابی است که جلو تر دیدم، خداوند آن را حق قرار داد، و به واقعیت پیوست) و با این پیش آمد، خداوند متعال صحت و درستی خوابم را روشن ساخت، تا این که اشتیاقم افزون گردد. سپس می نویسند:

(وَقَدْ أُفِيضَ إِلَيَّ مِنَ الْبَرَكَاتِ الْبَاطِنَةِ وَالْعُلُومِ الْكَامِلَةِ الْكَامِنَةِ وَالْمَعَارِفِ الْإِيمَانِيَّةِ وَالْأَلْطَافِ الرَّبَّانِيَّةِ بَعْدَ هَذَا الْمَنَامِ مَا يَتَعَسَّرُ بَيَانُهُ بِلِسَانِ الْأَقْلَامِ) (1)

یعنی: پس از این خواب (نورانی) آن قدر برکات باطنی و علوم کامله

ص: 95

پنهانی، و معارف ایمانی، و الطاف ربّانی به من افاضه و عنایت شد، که با زبان قلم نمی توان بیان نمود.

و این هم عنایتی و کرامتی

... سه سال قبل از شروع در تألیف این کتاب (مکیال المکارم) بدهی ها و دیونم زیاد شده بود (و نگران شده بودم) تا این که شبی از شب های ماه مبارک رمضان، به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) و پدران بزرگوار شان علیهم السلام متوسّل شدم، و حاجت خود را در محضر شان عرضه داشتم، سپس هنگام بازگشت از مسجد، بعد از طلوع خورشید، به خواب رفتم و شنیدم که به من فرمودند با این عبارت: قدری باید صبر کنی تا از مال خاص دوستان خاص خود بگیریم و به تو برسانیم.

سپس از خواب بیدار شدم، در حالی که خوشحال و مسرور و سپاس گذار و سر حال بودم، پس مدّت زمان کوتاهی گذشت، و یکی از برادران دینی، که به صلاح و درستی او را می شناختم، و از او نسیم راحتِ دل استشمام می نمودم، به نزد من آمد، و پولی به من داد، که همه قرض ها و بدهی هایم را ادا کردم، و غم و غصّه هایم را بر طرف نمود، و در هنگام پرداخت آن گفت: این از سهم امام علیه السلام است (1) پس از روی شوق، بسیار خوشحال شدم و گفتم:

ص: 96

1- دقّت شود که امام زمان علیه السلام در عالم خواب فرمودند: قدری باید صبر کنی تا از مال خاصّ دوستان خاصّ خود بگیریم و به تو برسانیم. و در بیداری، اولاً مقداری از زمان فاصله شد، و ثانیاً شخصی که پولی را آورد فردی صالح و پاک دل بود، و ثالثاً گفت سهم امام علیه السلام است، و حضرت فرموده بودند: از مال خاصّ دوستان خاصّ خود ... و در نتیجه همه نشانه ها که در کلام حضرت بقیّة الله (عجل الله تعالی فرجه شریف) آمده بود، تحقّق پیدا کرد.

(هذا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا) (1)

عنایتی دیگر و گشایشی بی گمان

استاد رمضان بّنّاء، که مردی مخلص، باولایت، معتقد و راست گو بوده، با آشکی جاری، و خضوعی قلبی، و آه و حسرتی جان سوز، نقل کرده است :

روزی من در منزل مرحوم آقا، بّنائی می کردم، قبل از ظهر به ایشان عرض کردم مقداری پول به کارگران بدهید که نهار تهیه کنند، و ایشان فرمودند: بسیار خوب، ولی پولی ندادند، و من برای بار دوم و سوم (هر کدام با فاصله) عرض کردم به کارگران پولی بدهید برای نهار، و ایشان در یک حالت توسّل قرار گرفتند و مشغول ذکری بودند، و در اطراف خانه حرکت می کردند، ناگاه شخصی در خانه را زد، و گفت من از خوانسار هستم، و مقداری پول به آقا داد و رفت (2) و آقا از آن پول به کارگران دادند، و معلوم شد ایشان هیچ پول نداشته اند، و با توسّل و دعا، خداوند متعال، از راه بی گمان، مشکل ایشان را بر طرف نمود. آری

(وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ) (3)

ص: 97

1- مکیال المکارم ، جلد 1، صفحه 149 - 150

2- در آن زمان، شرائط سختی برای روحانیت پیش آمده بود، و در اثر تبلیغات و فعالیت های ضد دینی و ضد روحانی، مشکلات مادی بسیار حادّی، برای علماء بوجود آمده بود، و پرداخت وجوهات شرعی و مراجعات دینی در این زمینه، بسیار محدود و استثنائی بوده است.

3- سورة طلاق ، آیه 2 و 3

روزی در هنگام ظهر وارد منزل می شوند، و در خانه، هیچ طعام و غذائی نبوده، و بچه ها گرسنه، و هیچ وسیله ای برای تهیه غذا فراهم نبوده است. آن بزرگ مرد حیران و سرگردان که چه کنند؟ ناگاه به نظر شان می رسد استخاره کنند که از منزل خارج شوند، و بسوی محلّه و کوچه مسجد خان رهسپار شوند، شاید فرجی برسد، ولی استخاره بد می آید، استخاره دیگری می گیرند، که به سوی أحمد آباد، کوی سرلت بروند، آن هم بد می آید، استخاره سوّمی می گیرند، که بسوی بازارچه کلانتر و مسجد سراج الملک حرکت کنند، خوب می آید، و لذا با توکل کامل به خداوند متعال و با امید به الطاف و راهنمایی های الهی حرکت می کنند، ناگاه در مسیر مورد نظر، کالسکه ای می رسد، و دو بانوی با حجاب کامل سوار بر آن بوده اند، یکی از آن ها دست می برد و یک اشرفی از دست بند خود می کند (و دست بند خود را معیوب می کند) و به ایشان می دهد، و می رود. مرحوم آیه الله فقیه أحمد آبادی، آن اشرفی را می فروشند، و تا مدّت زمانی، هزینه های زندگی را تأمین می نمایند.

بیان یک توسّل به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف)

مرحوم آیه الله فقیه أحمد آبادی، شوق زیارت خانه خدا و حجّ بیت الله الحرام پیدا کرده بودند، و با این که قطعه زمینی که به ارث به ایشان رسیده بود، در اختیار داشتند، ولی مشتری ها می خواستند به قیمتی کم تر از ارزش واقعی آن بخرند، و در نتیجه زاد و راحله سفر فراهم نمی گشت، تا این که روزی به دوست صمیمی، و یار همراه خود در طریق نور، یعنی مرحوم آیه الله فقیه ایمانی، برخورد می نمایند و می گویند: چه ختم و توسّلی پیشنهاد می کنید برای رسیدن

به حاجت من؟ آن بزرگ مرد می گویند: شما که خود استاد و راهنمای اصلی این راه هستید. آیه الله فقیه احمد آبادی می گویند: می خواهم شما راهی را بگویند، مرحوم آیه الله فقیه ایمانی در جواب می گویند: بنظر من می رسد که نیت کنید و تصمیم بگیرید که پس از تشرّف به حج و زیارت خانه خدا أهمّ دعا ها و حوائج شما، دعا درباره فرج آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) باشد.

مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی، حالت انقلاب روحی شدیدی پیدا می کنند، و دگرگونی خاصی در روح و روان ایشان پیدا می شود، و می فرمایند: عجب پیشنهاد جالب و خوبی است. پس از چند روز مشتری خاصی پیدا می شود، و قطعه زمین موروثی یاد شده را، با قیمتی بیش تر از ارزش واقعی آن خریداری می کند، آن چنان که تمام هزینه های سفر حج، به شکل آبرو مندانه و با وسعت تأمین می شود، و بسوی خانه خدا و زیارت بیت الله الحرام مشرّف می شوند، به شکلی بسیار خوب و با توسعه در امور مادی و هزینه های لازم. (1)

در همین سفر (در سال 1330 قمری) بیماری وباء، در میان حاجیان پیدا می شود، و با توجّه به فراهم نبودن امکانات طبّی برای پیش گیری از این مرض سخت و مهلک، جمع زیادی از حجاج تلف می شوند و می میرند، و مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی، نذر می کنند که اگر سالم به وطن برگشتند، و از مهلکه و بای عمومی و سایر خطرات نجات یافتند، کتابی را که در عالم رؤیا حضرت بقیّة الله الأعظم حجة بن الحسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه شریف) دستور تألیفش را داده، و نامش را

ص: 99

1- به نقل از نویسنده محقق و با ولایت معاصر، آقای حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی دام عزّه

مکیال المکارم نهاده بودند، شروع به تحقیق و نگارش نمایند. و خداوند متعال با لطف خاص خودش، آن بزرگ مرد را از مهلکه نجات داد، و به سلامت برگشتند، و شروع به تألیف و نگارش کتاب نمودند. (1)

تابشی نورانی و جلوه ای سحری

فرزند ارشد مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی نقل نمودند که، در سنّ 4-5 سالگی (در یکی از سحر های ماه رمضان) در کنار پدرم نشسته بودم، و در های اطاق به جهت سردی هوا بسته بود، ناگاه دیدم خانه پر از نور شد، و مرکز نور، حیاط خانه بود، و پدرم در یک حالت تصرّع و التجاء عجیبی بودند، و مدّتی آن حالت نور شدید و کامل ادامه داشت، و سپس حالت تاریکی شب و حال و هوای طبیعی وقت سحر، مجدّداً حاکم گردید، ولی با توجّه به کمی سنّ و سال من (4 - 5 سالگی) در آن زمان، و از دنیا رفتن پدرم در همان سال ها، و یتیم شدن من در سنّین نوجوانی، نتوانستم تفسیر آن شب نورانی و آن جلوه سحری را از پدرم جو یا شوم، و هم اکنون به حسرت و اندوه گرفتارم، و بر محرومیت خودم از کشف آن راز بزرگ، افسوس می خورم.

امدادی غیبی و عنایتی حسینی

یکی از خانواده هائی که با مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی آشنائی داشته اند، و از فامیل های سر شناس و سابقه دار، و دارای موقعیت اجتماعی بوده اند، تصمیم می گیرند که بدون اجرای صیغه عقد شرعی، عروس و داماد با هم

ص: 100

معاشرت نمایند، و زندگی خود را آغاز نموده، و این بدعت را در جامعه مطرح سازند، و به احکام و دستورات دینی پشت پا زده، و دهن کجی نمایند (1)، آن بزرگ مرد احساس می کنند که این اقدام، یک حرکت بسیار خطرناک، و بدعت پر مفسده است، و یک مبارزه علنی با دین و سنت های اسلامی حاکم بر جامعه، و به منظور ضربه وارد کردن بر ارکان دینی مستقر در میان امت اسلامی می باشد و اگر این حرکت زشت تحقق یابد، چه بسا در خانواده های دیگر، و در میان مردم سست ایمان، بتدریج شایع و رایج شود، و لذا آن بزرگ مرد، بدون دعوت، به مجلس آن ها می روند، و کوشش می کنند که از این عمل زشت جلوگیری نمایند ولی متأسفانه آن ها مقاومت می کنند، و در اقدام ضد دینی و خلاف شرع خود پا فشاری می نمایند، و مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی، با دلی پر خون و خاطری افسرده، به

منزل بر می گردند، و از آن طرف با توجه به رسوم اجتماعی زمان، از منزلی که مراسم عقد و شادمانی ازدواج داشته اند، خوانچه طعام (2) برای منزل آقائی که صیغه عقد ازدواج را اجراء می نمود،

ص: 101

1- در آن زمان، روشن فکر مآب ها از یک طرف، و فرقه های ضالّه، همانند: بابیه و بهائیه و شیخیّه و ... از طرف دیگر، به مبارزه تبلیغی و عملی با برنامه های دینی، اشتغال یافته بودند، و با رفتار های ناهنجار و خلاف شرع، علماء دل سوخته دین، و یاران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) را دل خون می نمودند.

2- خوانچه = طبق های مربع مستطیلی بود که در آن، لوازم مربوط به تشریفات عقد و عروسی، یا طعام مفصل و جالب توجهی را قرار می دادند، و با چراغ و گل تزئین می کردند، و به وسیله یک نفر به منزل مورد نظر می فرستادند، و این برنامه، یک اقدام ارزش مند و توأم با تجلیل بود.

می فرستادند و به همین جهت، فرزندان آن بزرگوار، که بی اطلاع از جریانات بودند، به انتظار آمدن غذای عروسی بیدار می ماندند، و در هنگام بازگشت مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی، با توجه به حالت ایشان، همگی افسرده خاطر می شوند، ولی ...

از جانب مولی عنایت می رسد

ولی، کسی به درب خانه می آید، و فقط دست او پیدا بوده است، و سینی برنج طبخ شده ای را می دهد، و می گوید: این را حسین داده اند، و به حاج آقا بگوئید جانی گفته نشود. پس از آن، مدتی طولانی از آن برنج طبخ شده استفاده می کرده اند، و کم نمی شده است، تا این که یکی از کسانی که با یک خانواده ای از اعیان و اشراف شهر، در رفت و آمد بوده، وارد می شود، و از آن غذا استفاده می کند و می گوید: این برنج از کجاست؟ من از انواع و اقسام غذا های خوب و تهیه شده بوسیله بهترین آشپز ها بهره گرفته ام، و چنین غذائی تاکنون نخورده ام، این برنج زمینی نیست، و غذای آسمانی است، و با اصرار زیاد قضیه را از همسر آقا جویا می شود، و وقتی داستان را برای او نقل می نمایند، از آن پس غذا ها رو به اتمام می گذارد، و با مصرف تدریجی آن، تمام می شود.

سیمائی نورانی و جلوه ای مهدوی

از ویژگی های جالب توجه و ارزش مند مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی، سیمای نورانی آن بزرگ مرد، و بالأخص حالت خاصّی بوده که تماشای چهره ایشان، یاد آور وجود مقدس آقا و مولای شان، حضرت بقیه الله الأعظم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) بوده است.

مرحوم آیه الله، حاج سید مصطفی مهدوی هرستانی قدس سره، که از علماء و مدرّسین

بزرگوار حوزه علمیه، و از شخصیت های دینی مورد توجه مراجع معظم تقلید حوزه های علمیه نجف اشرف و قم، و نیز مورد علاقه مردم متدین اصفهان بودند می فرمودند: در هنگامی که آیه الله فقیه احمد آبادی وارد مدرسه جدّه بزرگ می شدند، چهره ایشان، همه را به یاد امام زمان، بقیّة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) می انداخت، و در صورت ایشان نورانیتی امام زمانی مشاهده می گردید.

و چرا چنین نباشد؟ آیا کسی که ذکر و فکرش، قلم و قدمش، زبان و بیانش، بحث ها و تحقیقاتش، هدایت و حمایتش، عشق و امیدش، همه و همه، در راه امید مؤمنان، و انیس مخلصان، و آقا و مولای آقا ها و مولا ها، یعنی حضرت بقیّة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) بوده، و در خواب و بیداری، و حرکات و سکنات زندگی، غیر او را در نظر نمی گرفته است، آیا نباید دیدن او یاد آور مولا، و چهره او نمایان گر اتصال و ارتباط روحی با محبوب حقیقی او باشد؟ آری

(وَجْهَ الْمُؤْمِنِ مِرْآةَ قَلْبِهِ، وَ مَا يُحِبُّهُ مُخْلِصاً وَ مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئاً إِلَّا وَقَدْ ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ، وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ)

رؤیائی جالب، و مقامی رفیع، و آرزوئی بزرگ

مرحوم حجة الإسلام و المسلمین، آقای حاج آقا جلال اژه ای، که مردی وارسته، و از خاندان علمی اژه ای، و از علاقمندان مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی بودند، پس از شهادت آن بزرگ مرد، شبی در عالم رؤیا می بیند که، آن بزرگوار بر فراز منبری بلند قرار گرفته و سخن می گویند، و در هنگام سخنرانی، خطاب به حضرت سیّد الشهداء، امام حسین علیه السلام نمودند، و گفتند:

یا حسین، اگر زنده می بودم، بچه هایم را قربانت می کردم

مرحوم آقای اژه ای، در عالم رؤیا متوجه می شوند که، آیه الله فقیه احمد آبادی از دنیا رفته اند، و لذا سؤال می کنند که: آن جا چه خبر است؟ ایشان

1- شهدای روحانیت شیعه، جلد 2، صفحه 64، نویسنده کم ترین نیز، همین جریان را از پدرم، مرحوم آیه الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره شنیدم، که در یکی از شب های قدر، در مسجد خان، در حضور جمعیت بسیار زیادی که در مراسم احیاء شب قدر شرکت کرده بودند، نقل فرمودند.

2- در زمینه عظمت برنامه امام حسین علیه السلام، داستان های عجیب و شنیدنی، فراوان است، که نمونه ای از آن، داستان زیر می باشد: حجة الاسلام و المسلمین، آقای حاج سید عباس فقیه احمد آبادی، فرزند بزرگوار صاحب مکیال نقل فرمودند که: مرحوم حجة الاسلام و المسلمین، حاج سید سلیمان ابطحی سدهی، تازه از دنیا رفته بودند، شبی با حالت اندوه خوابیدم، در عالم رؤیا دیدم از بازارچه دولت آبادی به طرف محلی که هم اکنون حسینیۀ عماد زاده ساخته شده، می رفتم، به فاصله 7-8 قدم، دیدم آقای حاج سید سلیمان ابطحی می آیند، با لباس های فاخر و عالی، در آن حال متوجه شدم که ایشان از دنیا رفته اند، و من در عالم رؤیا هستم گفتم: آقا سلام علیکم، و انگشت شصت ایشان را گرفتم و گفتم: به جدّه ام زهراء علیها السلام رهای تان نمی کنم تا بگوئید وضعیت شما چگونه است؟ فرمودند: حال من خوب است ولی دلم می خواهد برگردم به دنیا و روضه بخوانم. و در زمینه برتری کوی حسینی و مجالس عزای سید الشهداء علیه السلام، بر بهشت برین، شعرای عالی قدر و دل سوخته، اشعاری زیبا و پر شور سروده اند، همانند: عاشق او را چه اعتناست به جنت *** جنت عشاق، خاک کوی حسین است (فؤاد کرمانی) خلقی ز کربلای تو جنت طلب کنند *** اما که هست جنت ما کربلا حسین (مؤید خراسانی) گر انتخاب جنت و کویت به من دهند *** کوی تو را به جنت و رضوان نمی دهم (مؤید خراسانی)

یعنی: عظمت امام حسین علیه السلام در پیش گاه خداوند، و در عالم دیگر، در آن حدّ است که، کسی که وارد بر آن عالم می شود، آرزو می کند که فرزندانش را قربانی امام حسین علیه السلام بنماید، که بدین وسیله در پیش گاه آن حضرت، جایگاه و مقامی پیدا کند.

عنایتی جالب، در سفری مورد عنایت

در سفر مکه، و حجّ بیت الله الحرام (که مقدمات سفر و به سلامت برگشتن از آن، و نجات از مهلکه و بای عمومی، با عنایت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) بوده است) مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی و هم سفران شان، برای صرف ناهار، به محلی وارد می شوند، ایشان اظهار می دارند که، من از این غذای موجود میل ندارم، و فلان نوع غذا را (که در آن بیابان تهیّه آن، امکان نداشته است) می خواهم، و سپس عبای شان را بر روی خود شان می کشند و می خوابند، طولی نمی کشد که مرد عربی می آید، و برّه ای می آورد، و هم سفر ها آن گوسفند را ذبح نموده، و غذای مورد نظر ایشان را تهیّه می نمایند، و سپس ایشان را از خواب بیدار می کنند، و بدین ترتیب، نسبت به آن بزرگ مرد، عنایتی مخصوص ظاهر می شود و همه از آن متنعم و بهره مند می گردند.

داستانی جالب و کرامتی شگفت: از امام حسین علیه السلام در سفر کربلا

مرحوم مغفور، آقای حاج آقا رضا عماد زاده، متوفای ایّام فاطمیّه 1420

ص: 105

قمری (1)، در ماه صفر 1419، با عده ای از دوستان، مشرف به زیارت عتبات عالیات عراق گردیدند، و پس از مراجعت، نویسنده کم ترین (حاج سید حجة موحّد ابطحی) با عده ای از دوستان، بر مبنای فرمایش معصوم علیه السلام می فرمایند: (مَنْ زَارَ زَائِرَنَا كَمَنْ زَارَنَا) به زیارت شان رفتیم، و ایشان فرمودند: من داستانی از پدرم مرحوم حاج میرزا أحمد عماد الواعظین، که با پدر بزرگ شما (مرحوم آیه الله، حاج سید محمد تقی موسوی أحمد آبادی) دوست صمیمی بودند (2) نقل می کنم، که شایسته است نوشته شود (و به راستی هم، چنین

ص: 106

1- ایشان، از مردان نیکو کار و پر کوش در راه اهل البيت عليهم السلام، و بالأخص حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام بودند، و علاوه بر تأسیس حسینیه معروف عماد زاده (در خیابان أحمد آباد - کوی دولت آبادی) و چاپ و نشر کتاب های فراوان، در رابطه با ائمه عليهم السلام، و مسائل اسلامی و قرآنی، اقدامی بزرگ برای تأسیس شهرک امام حسین علیه السلام و خانه سازی بسیار ارزان، برای نیاز مندان (که زمین آن، برای همه رایگان و ساختمان آن برای عده ای بلا عوض، و برای عده ای دیگر به قیمت بسیار ارزان آماده می گردید) و نیز، تأسیس و باز سازی چهارده مسجد، در محل های مختلف، و هم چنین تأسیس حسینیه ای به نام «بيت الزینب علیها السلام» در شهر تربت جام، و حسینیه ای به نام «حضرت أبا الفضل علیه السلام» در یکی از روستا های شهر آباده، انجام دادند، و عموماً در کار های مربوط به اهل البيت عليهم السلام و بالأخص حضرت سید الشهداء علیه السلام و حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه شریف) کوشا بودند، و از مشوقین مُصِرّ در تأسیس بقعه صاحب مکیال المکارم به شمار می رفتند، ولی متأسفانه عمر شان یاری نکرد، و قبل از شروع در تأسیس بقعه، از دنیا رفتند.

2- نویسنده و دانش مند مشهور، مرحوم آقای حسین عماد زاده می نویسد: عماد زاده می نویسد: مؤلف متتبع (صاحب مکیال المکارم) از دوستان صمیمی مرحوم پدرم، حاجی میرزا أحمد عماد الواعظین (متوفای 1384 قمری و مدفون در تکیه آباده ای) بودند، و در سفر و حضر با هم مأنوس، و در سفر مکه و کربلا با هم هم سفر بودند، مرحوم والد از فضائل اخلاقی مشار الیه، خاطرات آموزنده ای داشتند (مقدمه وظیفه الأنام، بقلم مرحوم عماد زاده، صفحه 8)

می باشد) و داستان از این قرار است:

مرحوم آية الله فقيه أحمد آبادی و مرحوم عماد الواعظین و عدّه ای از علاقمندان به امام حسین علیه السلام عازم کربلا بوده اند، بعد از ظهری، مرحوم عماد الواعظین، در عالم رؤیا، شرف یاب محضر حضرت سیّد الشهداء امام حسین علیه السلام می شوند، آقا می فرمایند: بلند شو فلان نماز را بخوان، و توسّل پیدا کن. یک سال راه کربلا بسته می شود. از دوستان و زائرین ما که به این سبب به زحمت می افتند عذر خواهی کن. آقای عماد الواعظین بیدار و مضطرب می شوند که جریان چیست؟ یکی دو روز می گذرد، خبر می رسد که راه کربلا بسته شد، و دقیقاً در رأس یک سال، راه باز گردید، و مشخص شد که رؤیا صادق بوده، و نشانه عجیب آن (بسته شدن راه کربلا، و باز شدن آن در سرّ یک سال) ظاهر گردید، و لطف و بزرگواری عجیب امام حسین علیه السلام که فرمودند: از دوستان و زائرین ما که به زحمت می افتند عذر خواهی کن، همه را بیش از پیش به لطف و مرحمت و مهمان نوازی و زائر پروری سیّد الشهداء علیه السلام متوجّه ساخت، و همه با حالت بسیار عجیبی عازم کربلا گردیدند.

رؤیائی عجیب که حدیثی جالب را تفسیر می کند

در روایاتی که از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم رسیده، چنین آمده است:

ص: 107

یعنی: علماء امت من، همانند انبیاء بنی اسرائیل هستند (و جایگاه و فضیلت آن ها، همانند پیامبران الهی، در امت های گذشته است).

و هم چنان که گاهی یک عالم، در صف مقدم بر علماء دیگر قرار می گیرد، و یا امام جماعت برای علماء دیگر قرار داده می شود، ممکن است عالمی ربّانی، که مورد عنایت خاصّ قرار گرفته، و مؤیّد به تأیید الهی، و منصور به نصرت ربّانی گردیده، در صف مقدم، و در جایگاه امام جماعت برای انبیاء عظیم الشان قرار گیرد.

اکنون با توجه به توضیح یاد شده، به این جریان شگفت انگیز توجه فرمائید:

سیّدی صالح و معتمد، و مؤمنی مورد وثوق و معتبر، بعد از ارتحال مرحوم آیه الله، آقا سیّد محمد تقی فقیه احمد آبادی قدس سره، در عالم رؤیا مشاهده نمود، جمعیت بسیار زیادی از بزرگان، که چهره های آن ها نشان می داد که مقامی فوق العاده دارند، و دارای عظمت خاص می باشند، به مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی اقتداء کرده اند، و ایشان امامت جماعت را بر عهده دارند، از ایشان سؤال می کنند، این ها کیستند که به شما اقتداء کرده اند؟ در پاسخ فرمودند: این ها انبیاء (و پیامبران الهی) هستند. (2)

از این رؤیای جالب، که کاشف از عظمت آیه الله فقیه احمد آبادی می باشد، روشن می شود که، علماء پیرو مکتب اهل البیت علیهم السلام و وابستگان به وجود

ص: 108

1- بحار الأنوار، جلد 2، صفحه 22

2- نقل از یادداشت های حجة الإسلام و المسلمین، حاج آقا محمد فقیه احمد آبادی

امامان معصوم علیهم السلام، و پیوستگان به دریای عظمت بقیه الله فی الارض، و وارث انبیاء و اولیاء، که باکمال خلوص و صدق، و با تمام وجود و حیات، در پیش گاه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) به خدمت و عرض ادب و ارادت مشغولند، مقامی بس والا و مقدّم بر انبیاء سلف دارند، و در عالم ارواح، از جانب خداوند متعال، مقام پیشوائی به آن ها عطا می گردد.

روح مقدّس صاحب مکیال المکارم راهنمائی می کند

فرزند ارشد مرحوم صاحب مکیال، حجّة الاسلام و المسلمین، آقای حاج آقا محمّد فقیه أحمد آبادی دامت برکاته، نقل نمودند که: در هنگامی که مشغول تألیف کتاب (کنز المرام فی اعمال شهر الصیّام) بودم (1) شبی در در عالم رؤیا دیدم که مرحوم پدرم رضوان الله تعالی علیه در خانه مسکونی خود، در اطاق جنوبی، رو به قبله نشسته بودند، و جزوات کتاب را بررسی می کردند، رسیدند به این بخش از مطلب که «شرط صحّت اعمال و عبادات، داشتن ایمان و ... است» اشاره ای فرمودند و به من فهمانیدند که، در این مطلب نقصانی هست. فردای آن شب رفتم خدمت دوست صدیق و همراه پدرم، مرحوم آیه الله، آقا میرزا محمّد باقر فقیه ایمانی قدس سره و مطلب را تصحیح نمودم، و بدین وسیله و با راهنمائی و اشاره پدرم رضوان الله علیه، متوجّه اشکال و نارسائی مطلب شدم، و در صدد اصلاح آن بر آمدم. (2)

ص: 109

-
- 1- این کتاب هنوز بچاپ نرسیده، و امید است با طبع آن مورد استفاده همه قرار گیرد.
 - 2- از یادداشت های حجّة الاسلام و المسلمین، آقای حاج آقا محمّد فقیه أحمد آبادی، فرزند ارشد مرحوم صاحب مکیال المکارم (رحمة الله)

سید صالح سعید، مرحوم آقا سید مهدی عقدائی رحمه الله علیه نقل کردند که روزی هنگام ظهر رفتم به مسجد سراج الملک (1) و در آن زمان، روحانی جلیل القدر و متقی، آقای حاج شیخ سیف الله طاهری دام عزه امامت جماعت داشتند، دیدم کتابی جالب با جلدی زیبا، در کنار محراب مسجد و جای نماز آقای طاهری بود، به ایشان گفتم اجازه می دهید کتاب را ببینم؟ گفتند بفرمائید، دیدم کتاب «أبواب الجنّات في آداب الجمعّات» (آئین جمعه)، تألیف آیه الله موسوی فقیه احمد آبادی است (2) و عکس ایشان در ابتدای کتاب، به چاپ رسیده بود. از آقای طاهری اجازه خواستم که کتاب یاد شده را چند روزی به منزل ببرم، و مطالعه کنم، و پس از اطلاع از مطالب کتاب، به بخشی از دستورات آن عمل کردم، و برخی از دعا های آن را خواندم، و متوسّل گردیدم.

آن گاه، شبی در عالم رؤیا دیدم، جایگاه بسیار مجلّلی است که از نظر عمارت و صفا فوق العاده می باشد، و ناگاه دیدم شخصیت بزرگواری نورانی و زیبا، حاضر شدند، که از عکس داخل کتاب آئین جمعه (که در بیداری دیده

ص: 110

1- مسجدی است در نزدیکی بازارچه کلانتر، و با مقداری فاصله از مجموعه امام زاده اسماعیل و مسجد شعیای نبی علیهما السلام و از طرف دیگر نزدیک کوی دولت آبادی، که در این مسجد مرحوم آیه الله، آقا سید عبد الرزاق موسوی احمد آبادی، و فرزند شان مرحوم صاحب مکیال المکارم، امامت جماعت داشته اند.

2- این کتاب زیر نظر آیه الله العظمی، آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی دام ظلّه سبط معظم مؤلف، و با هم کاری محققین «مؤسسه الإمام المهدی» قم بچاپ رسیده.

بودم) متوجّه شدم که ایشان نویسنده کتاب، مرحوم آیه الله، آقا سیّد محمد تقی أحمد آبادی می باشند، به ایشان عرض کردم، آقا این جا کجاست؟ فرمودند: این جا محلی است که از جمعه و جماعات صحبت می شود، عرض کردم فلان دعا را در کتاب أبواب الجنّات (آئین جمعه) خواندم، فلان کلمه را نتوانستم صحیح ادا کنم، از آقا زاده تان آقای حاج آقا محمد سؤال کنم؟ فرمودند: خیر (مثل این که همانست که خوانده اید) ایشان مدّتی است بسراغ من نیامده اند (1) سپس فرمودند: انگشتر لای کتاب است. وقتی بیدار شدم و متوجّه گردیدم، که رؤیائی عجیب می باشد، و نکاتی را در بر دارد که اگر با واقعیت های خارجی، در عالم بیداری مطابقت داشته باشد، نشانه مهمّی برای عظمت کتاب و نویسنده آن، و نیز اهمّیت مسأله جمعه و جماعات محسوب می گردد. پس از بررسی و تحقیق معلوم شد که، انگشتری که از مدّتی قبل مفقود گردیده بود (و همه جا را جست جو کرده بودیم، و پیدا نشده بود، و شخص بی گناهی مورد اتّهام قرار گرفته، و مُتّهم به سرقت شده بود) لای کتاب است، و در هنگام مطالعه، در وسط کتاب قرار داده شده، و کتاب را بر هم گذاشته بوده ایم.

و بدین وسیله، و با عنایت روح مقدّس صاحب مکیال، انگشتر پیدا شد،

ص: 111

1- از این جمله، چند نکته استفاده می شود: الف: توجّه و آگاهی روح مطهّر صاحب مکیال، که آگاه بوده اند که فرزند شان، مدّتی است به زیارت قبر منوّر ایشان نرفته است. ب: انتظار ایشان به عنوان پدر و صاحب حق، که أداء حقوق ایشان انجام شود، و لو در حدّ زیارتی از مزار، و عرض ادبی در برابر مرقد مبارک شان. ج: ترك أداء حقوق لازمّه، واکنش و عکس العمل دارد، و چه بسا فیض هائی را از انسان سلب می نماید.

و یک انسان بی گناه از اتهام و سوء ظنّ مُبرا گردید. (1)

و هم چنین پس از تحقیق معلوم شد که جناب حجّة الإسلام و المسلمین، آقای حاج آقا محمّد فقیه أحمد آبادی، مدّتی است به زیارت قبر مطهر پدر شان مشرّف نشده اند، و بدین وسیله مشخص گردید که، رؤیای یاد شده از رؤیا های صادقانه بوده است.

و در یک کلام، اهمّیت و ارزش کتاب آئین جمعه، و نیز نویسنده والا مقام آن (آیه الله فقیه أحمد آبادی) و احاطه روحی و معنوی آن بزرگ مرد، از جریان یاد شده به خوبی استفاده می شود.

عکس

□

ص: 112

1- از یادداشت های حجّة الإسلام و المسلمین، حاج آقا محمّد فقیه أحمد آبادی

سر انجام، آیه الله فقیه احمد آبادی، با گذشت دو ساعت و نیم از مغرب شب سه شنبه، بیست و پنجم ماه رمضان المبارک 1348 قمری (1) در ماه ضیافت الهی، پس از عمری فعالیت علمی و عملی، و سوز و گداز، و عشق و محبت نسبت به معبود شان، و دل دادگی و دل باختگی در برابر اولیاء الله (پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت مکرم شان علیهم السلام) و بالأخص عزیز عزیزان، حضرت حجة بن الحسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه شریف) شربت شهادت نوشیدند، و جان به جان آفرین تسلیم نمودند، ولی پرونده عمل شان با بجای گذاشتن آثاری بر جسته، هم چون مکیال المکارم، فرزندان شایسته، هم چون حجّتی الإسلام و المسلمین، آقای حاج آقا محمد و آقای حاج آقا عباس فقیه احمد آبادی دامت برکاتهما، و هدایت ها و رهبری هائی نورانی و معنوی (که در میان فرزندان و نوادگان و دوستان و آشنایان، و نیز شاگردان و تربیت یافتگان شان، آثاری جاوید و مستمر باقی گذارده است) مفتوح می باشد. به فرمایش مولی الموحّدین، امیر المؤمنین علی علیه السلام:

(الْعُلَمَاءُ بَأَثُونِ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ، أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ، وَأَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ)

و بقول شاعر:

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق *** ثبت است بر جریده عالم دوام ما

ص: 115

استعمارگران انگلیسی، به دلیل طبیعت سلطه طلبی، و منطق برتری جوئی خود از یک طرف، و روح انتقام گیری، بخاطر ضربه های سنگینی که در جریان نهضت تنباکو و نهضت مشروطه از ناحیه روحانیت شیعه، و قدرت دین و ایمان ملت مسلمان و متدین ایران، متحمل شده بودند، از طرف دیگر برنامه ریزی گسترده ای، برای تضعیف دین و ایمان، و مراکز دینی، و در هم شکستن قدرت و نفوذ معنوی و اجتماعی روحانیت (علماء و دانش مندان شیعه) انجام دادند، و با حمایت از بی دین ها و دشمنان دین و ارزش های اسلامی، با نام روشن فکری و ترقی خواهی، از یک سو، و با، به قدرت رساندن یک عنصر بی سواد و قدرت طلب، و نوکر صفت، و تازه به دوران رسیده، به نام رضا خان میر پنج، که بعد از آن، به نام، رضا شاه پهلوی نامیده شد از سوی دیگر، و با حمایت بی دریغ از فرقه های ضالّه همانند: بابی ها و بهائی ها از سوی سوّم، به تهاجم بر علیه دین و مذهب، و مساجد و مدارس و حسینیه ها و کتاب خانه های دینی، و علماء و بزرگان دین پرداختند، و تا آن جا پیش روی کردند که، در مسجد گوهرشاد، و در جوار مزار و مشهد امام رضا علیه السلام قتل عام نمودند، و جمع زیادی را کشتند و مجروح نمودند، و عده ای از

علماء و خطباء و طلاب را به زندان انداختند، و یا تبعید نمودند، و در شهر مقدّس قم، در هنگام تحویل سال نو، عده ای از درباریان و از جمله همسر رضا خان، با سر و سینه برهنه و بدون حجاب، وارد حریم و بارگاه مقدّس حضرت معصومه علیها السلام شدند، و بخاطر این که

مجتهد بزرگ و نام دار، آقا شیخ محمد تقی بافقی قدس سره و برخی از روحانیون دیگر اعتراض کردند که چرا حرمت حرم حضرت معصومه علیها السلام را رعایت نمی کنید؟ خانواده سلطنتی خبر به تهران دادند، و رضا خان شخصاً به سوی شهر قم حرکت کرد، و دستور داد آیه الله بافقی را آورند، و آن قدر با چکمه های سنگین لگد بر پشت و پهلوی و سینه آن مجتهد سال خورده زد، تا این که نیمه جانی از آن بزرگ مرد باقی ماند، و پس از گذشت مدت زمانی کوتاه به شهادت رسید.

و نیز پیش روی بر علیه دین را تا آن جا ادامه دادند که، عمّامه از سر علماء بزرگ برداشتند تا جائی که در بسیاری از شهر ها، حتّی یک نفر عالم معّم باقی نماند، مثلاً شخصیت بزرگی همانند فؤاد کرمانی، که عالمی والا مقام، و شاعری نام دار و عظیم الشان بود را، مجبور به ترک لباس روحانیت نمودند، و چه بسا مجتهدان بزرگ و مدرّسان عالی قدر، در شهر ها و بلاد سراسر کشور، محکوم به ترک لباس روحانیت شدند، و یا در خانه های شخصی خود زندانی گردیدند، و چندین سال از خانه های شان خارج نشدند.

و هم چنین، تهاجم را تا آن جا ادامه دادند که، جلسات عزّا داری برای امام حسین علیه السلام، برنامه های نماز جماعت و وعظ و ارشاد دینی، همه و همه تعطیل گردید، و زن های مسلمان مجبور به بی حجابی گردیدند، و چه بسا زن های با ایمان، که سال های طولانی، به منظور حفظ حجاب، از خانه و مسکن خویش خارج نگردیدند.

و در یک کلام، دین و ایمان، عالم و مجتهد، مسجد و حسینیه، آثار و نشانه های دین، سر کوب می شد، و از صحنه زندگی مردم خارج می گردید.

در سال های اجرای سیاست یاد شده، داستان های زیاد و عجیبی اتفاق افتاد، و غصّه ها و خون دل ها، خوراک جان و روح عالمان دین، و یاوران مذهب بود.

مرحوم آية الله فقيه احمد آبادی، دچار کسالت شدند، و مبتلا به بیماری (فتق) گردیدند، و بر خلاف میل آن بزرگ مرد، عده ای با اصرار زیاد، ایشان را به بیمارستان انگلیس ها (که از نظر درمانی و امکانات بیمارستانی، دارای موقعیت برجسته بشمار می رفت، ولی پایگاه اجرای نقشه های محرمانه، و اسرار آمیز انگلیس ها، و مرکز جاسوسی و نقشه کشی های شیطانی آن ها بود) بردند، و رئیس بیمارستان، یکی از بهائی های خطرناک، مشهور به (سرّ الله خان) بوده، و کسالت آن بزرگ مرد، امری خطرناک و کشنده نبوده، ولی در شب 25 رمضان 1348 قمری، سرّ الله خان وارد می شود، و مردان را (که از جمله آن ها داماد شان، مرحوم مبرور حاج میر سید علی طالقانی رحمة الله علیه و داماد دیگر شان مرحوم آية الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره بودند) از اطاق بیرون می کند، و زن ها را به اطاق دیگری می فرستد، و سَمّی را که در استکانی بوده به ایشان می خوراند و می رود، ناگهان وضعیّت مزاجی آن بزرگ مرد دگرگون می گردد و در آن هنگام صدای ایشان شنیده می شد که می گفتند:

حبیبی یا حسین، نور عینی یا حسین

و هنگامی که بستگان و اطرافیان ایشان وارد اطاق گردیدند، ملاحظه نمودند که، روح مقدّس ایشان به سوی مولای شان پرواز کرده است.

(1)

ص: 118

زمزمه هائی در آستانه سفر، و در هنگامه پرواز: «قبل از شهادت»

از آیه الله فقیه احمد آبادی، در آستانه شهادت و در ساعات آخر عمر شان، زمزمه ها و جمله هائی نقل گردیده، که نشان می دهد آن بزرگ مرد در چه حال و هوائی بوده اند، و در آینه زلال قلب شان، چه منظره ها و آینده ای را می دیده اند:

می فرمودند: بنا است امیر المؤمنین علیه السلام تشریف بیاورند. (1)

و این شعر را مکرراً زمزمه می کردند:

يَا دَهْرُ أَفْ لَكَ مِنْ خَلِيلٍ *** كَمْ لَكَ بِالْإِشْرَاقِ وَالْأَصِيلِ

و می فرمودند: این گنجشک ها بر روی درختان بیمارستان، برای عید صدا می کنند، ولی بچه های من امسال عید ندارند. (2)

و با توجه به انس و علاقه شدیدی که به مولای شان، حضرت بقیه الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) داشتند شعری را که خود در ضمن غزلی (3) سروده بودند زمزمه می کردند:

گر بشنوم ظهور تو را بعد مُردنم *** از شوق زیر خاک بِدَرَم بَتَن کفن

و در آخرین لحظات، و در هنگامه اجابت دعوت بزرگ حق که:

(يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ إِذْ جِئِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً، فَادْخُلِي فِي عِبَادِي، وَادْخُلِي جَنَّاتِي)

مرتّباً می گفتند: حبیبی یا حسین، نور عینی یا حسین

ص: 119

1- شهدای روحانیت شیعه، جلد 2، صفحه 63 به نقل از آیه الله، حاج سید مرتضی موحد ابطحی (داماد آن بزرگوار)

2- شهدای روحانیت شیعه در یک صد ساله اخیر، جلد 2، صفحه 63

3- غزل یاد شده را، در بخش سروده های آن بزرگ مرد در همین کتاب نقل می نمایم

مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی، هر روز عصر ها دستور می دادند که، وسیله چای فراهم شود، و همسر و فرزندان شان دور هم بنشینند، و انسی داشته باشند، و چای بنوشند، و بعد از آن هم نمازی بخوانند، ولی دستور می دادند که هر روزی گوشه ای از خانه، برنامه انجام شود، و می فرمودند: می خواهم قسمت های مختلف زمین در روز قیامت شهادت بدهند که ما، در این مکان نماز خوانده ایم.

بعد از ارتحال و شهادت آن بزرگ مرد، مادر ما، مرحومه حاجیه منصوره خانم فقیه احمد آبادی (1) در عالم رؤیا مشاهده می کنند، که یکی از آن جلسات انس هر روزه برقرار است، و پدر شان در میان جمع هستند، و در حالتی محزون، زمزمه ای جان سوز دارند:

خوش آن روزی که با هم می نشستیم *** قلم افتاد و کاغذ بر هوا رفت

دوات پر مرگب زیر خاک رفت

آری، حیف که دوات پر مرگب زیر خاک رفت، مرگبی که می بایست چندین ده سال دیگر، به صورت کلماتی نورانی، بر روی صفحات کتاب نقش بندد،

1 - این بانوی صالحه و عابده، علاوه بر مجاهدت های گوناگون در راه عبادت و عمل، و تربیت فرزندان عالم و مجتهد، و تحمّل سختی های دوران حکومت پهلوی که برای خانواده های روحانی و علمی، فراوان (و چه بسا در حدّ شکننده بود) دارای حالاتی روحانی و معنوی و استثنائی بودند، و رؤیا های ایشان زبان زد بود، و بسیاری از حقائق امور را، چندین ماه یا چندین سال قبل از وقوع، در عالم رؤیا می دیدند، و مکرراً تشرّفات برجسته به محضر معصومین علیهم السلام در عالم رؤیا داشتند، که با نشانه های قطعی همراه بود، و در حدّ کرامات برجسته محسوب می گردید.

ص: 120

1- این بانوی صالحه و عابده، علاوه بر مجاهدت های گوناگون در راه عبادت و عمل، و تربیت فرزندان عالم و مجتهد، و تحمّل سختی های دوران حکومت پهلوی که برای خانواده های روحانی و علمی، فراوان (و چه بسا در حدّ شکننده بود) دارای حالاتی روحانی و معنوی و استثنائی بودند، و رؤیا های ایشان زبان زد بود، و بسیاری از حقائق امور را، چندین ماه یا چندین سال قبل از وقوع، در عالم رؤیا می دیدند، و مکرراً تشرّفات برجسته به محضر معصومین علیهم السلام در عالم رؤیا داشتند، که با نشانه های قطعی همراه بود، و در حدّ کرامات برجسته محسوب می گردید.

و چراغ هائی نورانی، فرا راه حق جویان و خدا طلبان قرار گیرد، و در شب های ظلمانی تاریخ زندگی، چراغ راه گم گشتگان باشد، که کلام و مداد عالم، چراغ راهنما، و روشنی راه زندگی است، زیرا که:

(الْعُلَمَاءُ سُرُجُ الْأَزْمِنَةِ)

و به قول شاعر:

جاهل به روز فتنه ره خانه گم کند *** عالم چراغ جامعه و چشم عالم است

عکس

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَأَنْتَ أَفِيهَا
 إِلَى رُؤَاةِ حَالِنَا فَأَنْهَمْتِ حُجَّتِي
 عَلَيْكُمْ وَأَنَا جَلَّةٌ إِلَيْهِ عَلَيْهِمُ

از توفیقات و نصایح حضرت علی (ع) علیه السلام
 تعالی فرجهم و الثبوت علیهم السلام
 كما قال قبله سيدنا النعمان
 تجاری الاكوار والاحكام على يدى النعمان
 منتهى ١٤٠٠ من الهجرة
 بالجنير

بقعه و مزار صاحب مکیال المکارم آية الله سيّد محمد تقی فقیه أحمد آبادی

اشاره

ص: 123

مرقد مطهر آیه الله فقیه احمد آبادی قدس سره : در تخت فولاد و لسان الأرض

مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی قدس سره، در جوار پدر بزرگوار شان، مرحوم آیه الله، آقا میرزا عبد الرزاق موسوی احمد آبادی، متوفای 1319 قمری، در وسط تکیه سادات احمد آبادی، که بخشی از قبرستان بزرگ و مهم و بسیار قدیمی «تخت فولاد»، و سرزمین مقدس «لسان الأرض» می باشد، مدفون گردیدند، و بدین مناسبت، و برای نشان دادن اهمیت و قداس مزار شریف این بزرگ مرد، مطالبی را به نحو اختصار، درباره تخت فولاد، و لسان الأرض، ذکر می نمائیم:

تخت فولاد، نمایان گر عظمت علمی اصفهان

گر چه در شهر اصفهان، قبرستان های متعددی در محله های مختلف وجود داشته، و با تفاوت هائی، در دوره های گوناگون، مورد استفاده برای دفن اموات بوده، و بعضی از آن ها از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است (1) و نیز در جوار هر امام زاده ای (در حرم و یا صحن متعلق به آن امام زاده) جمعی از علماء و صلحاء و مؤمنین، به قصد تبرک و استفاده و استفاضه معنوی، به خاک سپرده می شده اند، و قبرستانی کوچک یا متوسط شکل می گرفته است، و در

ص: 125

1- همانند قبرستان علی بن سهل (در محله طوقچی)، قبرستان آب بخشان، قبرستان سنبلستان (چملان) نزدیک محله و امام زاده درب امام، قبرستان شاه میر حمزه، قبرستان سنی فاطمه علیها السلام، قبرستان شیخ یوسف، نزدیک امام زاده احمد علیه السلام و امام زاده باقر علیه السلام و قبرستان امام زاده ابراهیم علیه السلام در محله مستهلک و ...

هر کدام از آن ها، چه بسا علماء، شعراء، گویندگان و نویسندگان دفن می شده اند.

ولی قبرستان تخت فولاد، در میان همه قبرستان های اصفهان، دارای ویژگی خاصی می باشد، و از نظر وسعت مکان، و بهره برداری دراز مدت، از اهمیت زیادی برخوردار است، و از طرف دیگر، مشتمل بر تکیه ها و بقعه های زیادی است، که در آن ها برجسته ترین شخصیت های عالم فقه و اجتهاد، حکمت و کلام، عرفان و تقوی، تألیف و تصنیف، بیان و قلم، شعر و ادب، مبارزه و جهاد، خدمت و ایثار و ...، به خاک سپرده شده اند، و به خاطر همین جهات، بسیاری از کسانی که می خواسته اند به دعا و توجّه، ریاضت و خود سازی، سیر و سلوک معنوی بپردازند، در این تکیه ها و بقعه ها اقامت می جسته اند، و چه بسا شب های بیدار، و روز های روزه داری را، پشت سر می گذاشته، و در کنار قبور علماء بزرگ، و پرهیز کاران نام دار، به کسب فیض معنوی اشتغال می یافته اند.

تخت فولاد یاد آور چهره های درخشان

بنابراین، قبرستان تخت فولاد، تنها گورستان شهر نیست، بلکه علاوه بر جنبه های روحی و معنوی، یاد آور چهره های درخشان علم و ادب، و تقوی و جهاد می باشد، و حفظ و نگه داری، آشنائی و معرفی آن، خدمتی به حفظ آثار فرهنگ دیرینه اصفهان، و تجلیلی از خدمت گزاران بزرگ، و مفاخر علمی و ادبی حوزه علمیّه عظیم الشان این شهر تاریخی می باشد، و برای آیندگان به خوبی روشن می نماید، که در شهر اصفهان، در قرون متمادی، چگونه پرچم علم و دانش و ادب، در اهتزاز بوده است، و انسان هائی بزرگ در کسب علم

و دانش، و تعلیم و نشر آن، زیر لوای اهل البیت علیهم السلام و با الهام از رهبری های آنان کوشیده اند، و حوزه علمی بی نظیر یا کم نظیری را، در این شهر علاقمند به علم و دین و مذهب اهل البیت علیهم السلام، به وجود آورده اند.

تاریخچه گورستان تخت فولاد: و دفن اُموات در آن

در این که سر زمین تخت فولاد (قبل از سلاطین صفویّه) گورستان بوده، بحث و سخنی نیست، و آن چه مسلم می باشد این است که، عده ای از بزرگان عرفاء و از جمله آن ها عارف نام دار شیعه، مسعود بن عبد الله بیضاوی أنصاری، معروف به بابا رکن الدّین، متوفای 769 هجری، در این سر زمین مدفون گردیده اند، ولی در زمان صفویّه، تخت فولاد، به صورت بزرگ ترین قبرستان شهر در آمده، و به احترام بابا رکن الدّین، نام قبرستان، و نیز پل خواجه، با عنوان قبرستان بابا رکن الدّین، و پل بابا رکن الدّین، بر زبان ها جاری می گشته است.

در دوره صفویّه، آن قدر قبرستان تخت فولاد (قبرستان بابا رکن الدّین) توسعه و گسترش و اهمّیت یافت که بنا بر مشهور

چهار صد تکیه و بقعه عالی در آن ساخته شد

ولی در زمان فتنه افغان، قسمت عمده آن، با خاک یک سان گردید (1) ولی مجدداً در دوره های بعد رونق خود را باز یافت، و با دفن علماء بزرگ و شخصیت های برجسته ادبی و اجتماعی، و تأسیس یا تعمیر بقاع و تکایا،

ص: 127

و رفت و آمد عمومی، موقعیت برجسته خود را به دست آورد، تا آن که پس از انقلاب اسلامی، و متروکه گردیدن قبرستان تخت فولاد، و تغییر گورستان عمومی به محلّ جدید (باغ رضوان در دوازده کیلومتری شرق اصفهان) و بی توجهی برخی از ادارات ذیربط، و اقدامات غیر آگاهانه و یا مغرضانه برخی عناصر فاسد، خرابی هائی به بار آمد که جای بسی تأسف است (1)، ولی در اثر همت و کوشش آگاهان، طرح هائی جالب و ارزش مند، به وسیله (مجموعه فرهنگی - مذهبی تخت فولاد) زیر نظر شهرداری اصفهان، به اجراء گذاشته شده است، که قسمت هائی از آن انجام یافته (2) و بخش های دیگری نیز،

ص: 128

- 1- برای آشنائی با جریان اقدامات زیان بار و مغرضانه و یا نا آگاهانه یاد شده، و نیز کوشش ها و همت های آگاهان و دل سوزان، به کتاب (ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیّه اصفهان) «از همین نویسنده» جلد 2، صفحه 413 - 421 مراجعه نمایید.
- 2- همانند: 1 - تأسیس بقعه فاضل هندی (اصفهانی) 2- تأسیس و احداث سر در ورودی بسوی بقعه فاضل هندی، از طرف خیابان فیض
- 3- احداث بقعه حکیم و فقیه نام دار، ملا اساعیل خواجهائی 4- سامان دهی و تعمیر اساسی تکیه و بقعه آقا حسین و آقا جمال خوانساری
- 5- سامان دهی و تعمیر اساسی تکیه و بقعه شهشهانی 6- سامان دهی و تعمیر اساسی تکیه و بقعه فاضل سراب (تکیّ جویباره ای) 7-
- سامان دهی و تعمیر اساسی بقعه و تکیه آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی 8- تأسیس بقعه حکیم نام دار، جهان گیر قشقائی 9- احداث بقعه و بنای یاد بود مرحوم حاج آقا رحیم أرباب 10- نصب تابلو های راهنما و معرفی تکیه ها و بقعه های مهم 11- تأسیس کتاب خانه ای در دفتر (مجموعه فرهنگی - مذهبی تخت فولاد) به منظور جمع آوری و حفظ آثار مربوط به تخت فولاد، و شرح حال و تألیفات بزرگان علمی و ادبی مدفون در این سر زمین پر برکت 12- احداث و یا تکمیل و آماده سازی خیابان ها و راه های لازم برای رسیدن به تکیه ها و بقعه های مورد توجه، و نیز برنامه های سودمند دیگری که در حفظ و نگه داری این مزار مقدّس، نقش مؤثر دارد.

به تدریج در حال انجام می باشد، و منظور از این برنامه ریزی های وسیع و اقدامات گسترده و ارزش مند، حفظ نمودن قبرستان تاریخی تخت فولاد است به عنوان :

نمایش گاهی بزرگ از فرهنگ و آداب، فقه و اجتهاد، شعر و حکمت در شهر تاریخی اصفهان

اهمیت معنوی و تاریخی گورستان تخت فولاد

در میان قبرستان های بلاد شیعه، برخی دارای ویژگی خاص معنوی است، و به خاطر در بر گرفتن اجساد مطهر اولیاء الله، و ارتباط معنوی بندگان شایسته خدا در آن سر زمین، و اقامت خدا جوین با فضیلت در بقاع و عبادت گاه های آن موقعیت و عظمت شایسته و برجسته یافته است، که قبرستان وادی السلام (در نجف اشرف) و قبرستان شیخان (در قم) و گورستان تاریخی و عظیم تخت فولاد، (در اصفهان) از این قبیل است.

آری سر زمینی که در آن ائمه: میر معصوم و آقا محمد بید آبادی و میر فندرسکی آرمیده اند، و عالمان و مجتهدان بزرگی، هم چون: آقا حسین و آقا جمال خوانساری و آقا شیخ محمد تقی رازی و صاحب روضات و کاشف اللثام (فاضل هندی) و میرزا رفیعای نائینی و ملا اسماعیل خواجهی مدفون گشته اند، و خدا جوینی همانند: آخوند فشارکی و آقا شیخ مرتضی ریزی و حاج ملا حسین علی صدیقین و حاج میرزا رضا کلباسی، شب های مناجات و دعا، ناله و تضرع گریستن و گریاندن مؤمنین داشته اند، و دل های انسان ها را شست شو داده، و با آب توبه تطهیر می کرده اند، و در هر گوشه و کنار این سرزمین، و در هر بقعه

و تکیه آن، عبادتی و تضرّعی، توبه ای و إنباه ای، عِبَرَتی و عِبَرَتی بوده است، جای دارد که سرزمینی مقدّس نامیده شود، و از اراضی برجسته به شمار آید.

لسان الأرض، نشانه ای تاریخی و معنوی، در تخت فولاد

بخشی از قبرستان عظیم تخت فولاد، به نام لسان الأرض نامیده می شود، که در وجه تسمیه آن دو مطلب گفته شده است:

1- حافظ أبو نعیم اصفهانی، متوفای حدود 430 قمری (از أجداد علامه مجلسی و صاحب کتاب «ما نزل من القرآن في أمير المؤمنين عليه السلام» و «ذكر المهدي (عجل الله تعالى فرجه شريف)» و ...) در کتاب ذکر أخبار اصفهان، حدیثی نقل کرده است که، وقتی خداوند متعال به آسمان و زمین دستور داد که (إِيتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهًا) و آن ها جواب دادند که: (أَتَيْنَا طَائِعِينَ)، (أَجَابَهُ أَرْضٌ إِصَّ بَهَا فَمُ الْأَرْضِ وَلِسَانُهَا) (فرمان خدا را زمین اصفهان، که دهان و زبان زمین بود، پاسخ داد). (1)

بنابراین نقل «لسان الأرض» سخن گوی زمین، در هنگام پاسخ گوئی به فرمان الهی است، و نشان می دهد که از قداست و عظمتی ویژه برخوردار است.

2- مرحوم ملا عبد الکريم گزی (مجتهد نام دار و عظیم الشان، و مدرّس برجسته حوزه علمیه اصفهان) در کتاب «تذكرة القبور» نقل می کند که، گویند: حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام در هنگامی که در جریان فتح ایران، به اصفهان

ص: 130

1- ذکر أخبار اصفهان، جلد 1، صفحه 41 و محاسن اصفهان، صفحه 4 و 5 و نیز روضات الجنّات، جلد 1، صفحه 7 و تذكرة القبور (رجال اصفهان) صفحه 44 و کتاب سیری در تخت فولاد، صفحه 17 - 18 و نیز بخش «نام های اصفهان و مزایای طبیعی و معنوی آن» در جلد اول کتاب «ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیه اصفهان» (از نویسنده کم ترین)

تشریف آوردند، این زمین با آن حضرت تکلم کرد، و از توطئه یهود که قصد سحر و جادو برای امام داشتند، پرده برداشت، و سپس تختی از فولاد برای آن حضرت ساختند، و امام حسن مجتبی علیه السلام در آن منزل کردند، که سحر ساحرین اثر ننماید، و به این مناسبت، نام «تخت فولاد» و نام «لسان الأرض» مطرح گردیده است. (1)

و بنا بر هر دو وجه یاد شده برای نام گذاری لسان الأرض، اهمیت این سر زمین مقدس، روشن می گردد.

ورود امام حسن علیه السلام به اصفهان

بسیاری از مورّخین و صاحبان تراجم نوشته اند که، در جریان لشکر کشی مسلمان ها به سوی گرگان، برای فتح آن، حضرت امام حسن علیه السلام در آن لشکر حضور داشتند، و در سر راه شان وارد اصفهان گردیدند. (2)

علاّمه و محدّث بزرگوار، ملاّ محمد تقی مجلسی، از بزرگان اساتید خود نقل نموده، که در جریان جنگ مسلمان ها با ایرانیان، امیر المؤمنین علی علیه السلام موافقت نمودند که امام حسن مجتبی علیه السلام همراه لشکریان باشند، و به برکت آن حضرت، فتوح مختلف انجام گرفت، و در هنگامی که در اوّلین برخورد لشکر اسلام با لشکر رستم (سپهسالار لشکر یزدجرد) مسلمان ها شکست خوردند، امام حسن علیه السلام دعائی نوشتند و بر عَلم بستند، و مسلمان ها فاتح شدند و بدین

ص: 131

1- رجال اصفهان (تذکرة القبور)، صفحه 44

2- ذکر أخبار إصبهان، جلد 1، صفحه 44، طبقات المحدثین بإصبهان، جلد 1، صفحه 191، محاسن اصفهان، صفحه 35 و روضات الجَنّات، جلد 1، صفحه 10

وسیله، برکت حضور امام مجتبی علیه السلام آشکار گردید. در ضمن این سفر، امام حسن علیه السلام وارد اصفهان گردیدند، و در مسجد لُنبان، نماز خواندند، و در حَمّامی که محاذی درِ مسجد جامع عتیق بوده (آن دری که به نام دَرِ پیژربافان خوانده می شده) وارد شده، و غسل نمودند، و آن حَمّام به نام امام حسن علیه السلام شهرت داشته است. مرحوم ملاّ محمّد تقی مجلسی می نویسد: جدّم، آن حَمّام را در زمان طفولیت به من نشان داد، و آن حَمّام خراب بود، و سپس به جایش کاروان سرائی ساختند. (1)

قبر حضرت یوشع علیه السلام، نشانه ای تاریخی و معنوی: برای تخت فولاد و لسان الأرض

در سر زمین لسان الأرض، قبر یکی از انبیای بزرگوار، به نام یوشع علیه السلام می باشد (که بعضاً آن را، شعیاء گفته اند، در حالی که حضرت شعیاء علیه السلام در محلّه گل بهار، جنبِ امام زاده اسماعیل علیه السلام، مدفون می باشد) و در زمان آل بویه، بر آن ساختمانی ساخته اند (2)، و در دوران صفویه تجدید و تکمیل گردیده، و اخیراً، ساختمان قدیمی آن را ویران نموده، و تنها یک سنگ قبرِ مرمری، بر روی آن نهاده اند.

قبر یوشع نبی علیه السلام که متعلّق به حدود بیست قرن قبل می باشد (3)، از آثار

ص: 132

1- شرح فارسی من لا یحضره الفقیه، باب الخمس، صفحه 44 - 45 و نیز روضة المتّین (شرح عربی من لا یحضره الفقیه) جلد 3، صفحه 156 (با تلخیص)

2- سیری در تخت فولاد، صفحه 28 - 29

3- سیری در تخت فولاد اصفهان، صفحه 29

تخت فولاد، محلّ عبادت و تحصیل علم

از ویژگی های تخت فولاد این است که، تنها محلّ دفن أموات عموماً، و بزرگان علم و دین خصوصاً، نبوده است، بلکه تکیه ها و زاویه های فراوان آن (1)، محلّ عبادت و مناجات با خدا، و تشکیل مجالس دعای کمیل در شب های جمعه بوده است (2) و حُجرات هفت گانه تکیه خاتون آبادی (3)، محلّ سکونت طلاب بوده، و مدرسه مسجد رکن المملک نیز، محلّ تحصیل علم بوده

ص: 133

- 1- گفته شده است که تعداد زوایا و تکیه های تخت فولاد، در زمان صفویه نزدیک چهار صد عدد بوده، که عموماً در فتنه افغان و بعد از آن خراب شده است (سیری در تخت فولاد، صفحه 24، و نیز جزوه سازمان میراث فرهنگی اصفهان، صفحه 45)
- 2- در قرن اخیر (قرن چهاردهم) علاوه بر جلسه های دعای خصوصی، دوازده جلسه دعای کمیل رسمی به نحو مرتّب در تخت فولاد و تکیه ها و مساجد آن تشکیل می شده، که از آن جمله است: 1- جلسه دعای مرحوم علامه، ملاّ محمد باقر فشارکی (در مسجد مصلّی) 2- جلسه دعای آیه الله، شیخ جمال الدّین نجفی (در تکیه میرزا رفیعاً نائینی) 3- جلسه دعای آیه الله، آخوند ملاّ محمد حسین فشارکی (در مسجد مصلّی) 4- جلسه دعای مرحوم آیه الله، حاج ملاّ حسین علی صدّیقین (در تکیه کازرونی) 5- جلسه دعای فقیه زاهد و علامه محقق، آقا شیخ مرتضی ریزی (در محلی که فعلاً تکیه ریزی است) و ...
- 3- در کتاب وقایع آلّسنین و الأعوام خاتون آبادی، صفحه 555، در ضمن بیان وقایع سال 1116 قمری آمده است که: فوت فاضل عالم عامل مجتهد، عمّ أمجد، میر اسماعیل، الشّهر خاتون آبادی، روز چهارشنبه چهارم ربیع الثّانی، سنه یک هزار و یک صد و شانزده، دفن او در مقبره ای که خود ساخته بودند، در قبرستان بابا رکن الدّین و مشتمل بر گنبدی است، و هفت حجره و هفت نفر طالب علم، در آن جا سکنی دارند.

است. و در مجموع، این سرزمین مبارک، جایگاه علم و عبادت، دانش و پرستش بوده، و طالبان ارزش های معنوی را به خود جذب می کرده است.

توسّل به نماز امام حسن مجتبی علیه السلام : در سر زمین لسان الأرض

نماز امام حسن مجتبی علیه السلام چهار رکعت است، و در هر رکعت، پنجاه مرتبه سوره توحید (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) خوانده می شود، و بنا بر روایتی، در هر رکعت بیست و پنج مرتبه سوره توحید قرائت می شود (1) و وقت این نماز، روز جمعه است و مکان خاصی ندارد، ولی با توجّه به قداست این سرزمین، و انتساب آن به امام حسن مجتبی علیه السلام، شایسته است توسّل به ذیل عنایت سبط اکبر حضرت امام حسن بن علی علیه السلام.

در این سرزمین مبارک (اعمّ از مسجد لسان الأرض و قسمت های مجاور آن، و از جمله، مزار شریف صاحب مکیال المکارم) انجام گیرد (2) و شخص توسّل جوینده خود را از فیض عنایات حضرت مجتبی علیه السلام و مادر مظلومه شان الصّدیقة الشّهیده، فاطمة الزّهراء علیها السلام.

مستفیض و بهره مند سازد، و مشمول الطاف گسترده آن بزرگواران گردد.

تأسیس بقعه صاحب مکیال المکارم

سال ها بود در فکر بودیم که بر مزار شریف آیه الله فقیه احمد آبادی، بقعه ای

ص: 134

1- مفاتیح الجنان، بخش نماز های چهارده معصوم علیهم السلام، در ضمن اعمال روز جمعه

2- در این رابطه، قضیه جالبی رخ داده، که فعلاً جای شرح آن نیست

تأسیس شود، که نه تنها نشانه ای باشد برای قدر شناسی جامعه، از فداکاری ها و مجاهدت ها و تلاش های فکری و قلمی و اجتماعی بزرگ مردی که، تمامی هستی و عمر خود را، وقف خدمت گزاری خالصانه، در راه اهل البيت عليهم السلام، و بالأخص محور عالم وجود، و ذخیره الهی در زمین، حضرت

حجّة بن الحسن العسکری (عجل الله فرجه الشریف)

نموده بود، بلکه جایگاهی باشد برای دل باختگان و دل سوختگان امام زمان علیه السلام، که در آن سوز و گداز، و راز و نیازی داشته باشند، و در جوار دل سوخته ای صادق، و دل داده ای شائق، با مولای غائب خود، زمزمه ای و نجوایی داشته باشند، و در کنار تربت پاک فدائی و دل باخته امام زمان علیه السلام، در فراق آقا و معین شان، طیب و آنیس شان، آشکی بی فشانند، و با دلی سوخته، و آشکی جاری، برای فرج و ظهور مولای شان دعا کنند، زیرا که:

در فرج آن حضرت، فرج شیعیان، و در ظهور و حضور شان، کمال بشر، و بلوغ عقل ها و آسودگی جان ها است

مشکلاتی در راه رسیدن به مقصود

ولی در راه رسیدن به مقصود مشکلاتی وجود داشت، که بعضی فردی، و بعضی دیگر اجتماعی بود، قسمتی مربوط به خصلت ها و گرایش ها، و بخشی دیگر مربوط به برنامه ریزی های گسترده و وسیع، در رابطه با مجموعه تخت فولاد به شمار می رفت.

تا این که از یک سال قبل، بارقه های نور جلوه گری نمود، و اشارت ها و بشارت هائی معنوی جلب توجه نمود، که این نویسنده کم ترین (حاج سید

حجّة موحد ابطحی) را برای اقدام جدّی و پی گیرانه مصمّم نمود، و جالب تر آن که در این یک سال اخیر، چندین استخاره نمودم برای اقداماتی که در راه رسیدن به مقصود، و مسائل جنبی آن مطرح می گردید، و در هر کدام از آن ها بشارت های دل نواز و امید بخش، قوّت قلب و اطمینان دل و آرامش می بخشید.

در یک نوبت، آیه مبارکه 36 و 37 از سوره نور:

(فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَابْتَاءِ الزَّكَاةِ ...)

و در نوبتی دیگر، آیه 54 از سوره نور:

(قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ... وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ)

و در نوبت سوّم، آیه 38 و 39 سوره حج:

(إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا، إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ)

و نیز در نوبت های دیگر، آیاتی حرکت بخش، نیرو آفرین، مقاومت ساز، دور کننده یأس و ناامیدی و ... جلب نظر می کرد، و به خوبی نشان می داد که، خداوند متعال اراده کرده است، عظمت بنده مخلص، وفا دار، فدائی حضرت بقیّة الله الأعظم علیه السلام، شهید در راه حق و فضیلت، و جان باخته در راه خدا و اولیاء حق علیهم السلام را، به نمایش بگذارد، و مرقد و مزار پر برکت او را، در زمره

(فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ)

قرار دهد، و از حق گوئی او دفاع کند که (إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا) و از یاری و نصرت خود او را بهره مند سازد، که (إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ).

در ماه مبارک رمضان 1420 قمری، در اثر عنایت و بشارتی، حرکت به سوی مقصود شتاب گرفت، و در روز جمعه هشتم ماه رمضان المبارک، جلسه ای در بیت الزهراء علیها السلام (واقع در خیابان احمد آباد، کوی ملک الأطباء) تشکیل گردید، و هیئت امناء تأسیس بقعه صاحب مکیال المکارم، مرگب از دو فرزند گران قدر آن بزرگ مرد، حبّتی الإسلام و المسلمین، آقای حاج سیّد محمد و حاج سیّد عباس فقیه احمد آبادی دام عزّهما و چند نفر از نوادگان و علاقمندان آن بزرگوار تعیین گردیدند، و فعالیت های اجرایی تأسیس بقعه شروع شد.

مراسم کلنگ زنی

در روز جمعه 29 رمضان المبارک (آخرین جمعه ماه مبارک) با حضور جمعی از فرزندان و أحفاد صاحب مکیال المکارم، و نیز با اجتماعی معنوی از عده ای از علاقمندان به امام زمان علیه السلام، مراسم کلنگ زنی تأسیس بقعه، بر مزار آیه الله، فقیه احمد آبادی انجام گرفت، و در حالی که حال و هوای معنوی آن مراسم جلب توجه می کرد، و زیارت آل یاسین زمزمه لب های حاضرین بود، و در آن سر زمین مقدّس (تخت فولاد، لسان الأرض) و در ساعات قبل از ظهر جمعه، دل ها همه، متوجه امید دل ها، و محبوب جان ها، و پناه بی پناهان:

الإِمَامُ الْغَائِبُ الْقَائِمُ، الْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ (عجل الله تعالى فرجه شریف)

بود، با فریاد یا صاحب الزّمان و یا أبا صالح المَهْدِي و یا غَوْثَ الْمُضْطَرِّينَ، به دست عموم حاضرین کلنگ زده شد، و آرزوی دیرینه عاشقان و دل باختگان امام زمان علیه السلام بر آورده شد، و خبر این مراسم، علاقمندان و دوستان

را در شهر های گوناگون، همانند مشهد مقدس، تهران و قم و ... خشنود نمود.

در جریان تأسیس بقعه شریفه، هم کاری های علاقمندان مقام محترم معاونت عمرانی استانداری اصفهان، جناب آقای مهندس سیف الّلهی (که مجدّانه، علاقمند به عمران و آبادی امام زادگان علیهم السلام و ترویج از مراکز و پایگاه های دینی می باشند) و مساعدت های اداری مسئولین محترم «مجموعه فرهنگی - مذهبی تخت فولاد» و نیز مهندسین طراح، که نقشه جالب بقعه را ترسیم نمودند، و نیز هم کاری مادی و معنوی اعضای هیئت امناء، و معماران علاقمند، و همه کسانی که به شکلی نیاز به هم کاری آن ها احساس می گردید، بسیار جالب و مؤثر بود، اجر همه آن ها با خدای بزرگ و صاحبان ولایت باد.

اجتماعی بزرگ و نورانی

پس از آن که کار های مهمی در پی ریزی بقعه انجام گرفت، و آرموتوربندی و فونداسیون کامل گردید، در اثر یک عنایت معنوی مقرر شد که، روز جمعه 23 محرم الحرام 1421 قمری، در آستانه شهادت امام زین العابدین علیه السلام، اجتماعی از فرزندان و نوادگان و دوستان مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی، و عموم علاقمندان به امام زمان علیه السلام، بر مزار شریف آن بزرگوار تشکیل گردد، و با توسّل به ذیل عنایت حضرت بقیة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) برای موفّقیت در این امر بزرگ، و اجابت دعای علاقمندان، استمدادی معنوی انجام گیرد.

در این مراسم (که جمع کثیری از اولاد و أحفاد، و نیز بسیاری از علاقمندان حضور یافتند) زیارت آل یاسین همراه با سوز و گداز قرائت شد، و سپس خطیب دانش مند، آقای یوسفی خراسانی سخنرانی پر شور و پر محتوایی در

عظمت آية الله فقيه أحمد آبادی و کتاب بی نظیر ایشان ایراد نمودند، که همه را به اعجاب و داشت، و سپس عزا داری پر شوری به یاد قبرستان و حرم مطهر ائمه بقیع علیهم السلام و مزار شریف زین العابدین، امام علی بن الحسین علیه السلام انجام گرفت.

در این مراسم که حدود سه ساعت به طول انجامید، و همه بر سر پا ایستاده بودند، و فرش و سایبانی نبود، آن چنان حالت معنویت بر جمعیت حاضر حاکم بود که، همه با علاقمندی تا پایان مراسم و پس از آن، با اشک و ناله، و تضرع و استغاثه و التجاء، حضوری معنوی و نورانی داشتند.

عنایتی عجیب و کرامتی بزرگ

جوانی است مؤمن، مخلص، از خانواده ای مذهبی، با ولایت و کوشا در راه احیاء امر اهل البیت علیهم السلام و مورد وثوق، به نام ... [\(1\)](#) که داستان عجیب خود را چنین شرح می دهد:

من روز ششم این دهه (دهه سوم محرم الحرام 1421) یت کردم که، هر چه گریه و عزا داری می کنم، در عوض آن در این چند شب باقی مانده از جلسه ... جمال امام زمان علیه السلام را زیارت کنم، و در شب هفتم [\(2\)](#) وقتی که آقای ... به

ص: 139

1- به جهت ملاحظات اجتماعی، نام و مشخصاتی که در رابطه با این داستان می باشد، ذکر نمی گردد.

2- در این شب، در جلسه مورد اشاره در فوق، حالت عجیب و فوق العاده ای بر مردم و جلسه حاکم بوده، که می توان گفت: با توجه به مجموع نکته ها و خصوصیات، کم نظیر بوده است، و چندین نفر انواری را مشاهده کرده، عده ای بوهای غیر معمول و لذت بخش، استشمام نموده بودند.

عبارت (أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ) (در زیارت آل یاسین) رسیدند، و با ذکر «علی، علی» سینه زنی کردند، بوی خوشی به مشام رسید، و از هوش رفتم، و به زمین خوردم (1)، و در این حال، نور سبزی را دیدم، و به شوق این نور، به هوش آمدم، و در اواخر جلسه، ناراحت بودم که چرا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) را زیارت نکرده ام، و گریه می کردم، و ایشان در جلسه بوده اند، به پای منبر رفتم، و اشک می ریختم و گریه می کردم و ...

تا خواستم از زمین بلند شوم، به یاد چند لحظه قبل، مجدداً از هوش رفتم، و به زمین خوردم، و در این حال احساس کردم که، کسی بالای سر من ایستاده و زیر کتف (شانه) های مرا گرفت و گفت: ناراحت نباش، بلند شو، و من وقتی بلند شدم کسی را ندیدم.

در همین شب، با همین حال به خانه آمدم، و نیت کردم که خوابی ببینم. در عالم رؤیا دیدم که من با آقای ... وارد یک چهار دیواری شدیم (2) و شما و (آقای ...) در وسط این محوطه، بالای سر قبر ایستاده بودید، و با انگشت اشاره می کردید به قبر و می گفتید: این نوری که امشب در مجلس بود، از این قبر صاحب مکیال بلند شد، و به آن جا آمد. و نور زیادی هم دور قبر را گرفته بود.

ص: 140

1- در آن حال، جمعیت چندین هزار نفری جلسه، همه در حال قیام بودند.

2- «تکيه صاحب مكيال المكارم» که در گذشته به نام «تکيه سادات أحمد آبادی» نامیده می شد، به صورت چهار دیواری است که قبر آية الله فقيه احمد آبادی (صاحب مکیال) و پدر بزرگوار شان، آية الله آقا میرزا عبد الرزاق موسوی در وسط آن قرار دارد، و در حال حاضر، بقعه ای بسیار عظیم و جالب، با ارتفاعی زیاد، بر روی قبر آن بزرگوار در حال تأسیس می باشد، که با همّت و حمایت جمعی از دل باختگان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) و دل دادگان عشق به آن حضرت (اعم از اولاد و أحفاد و یا سایر ارادت مندان آن بزرگوار) در حال انجام می باشد.

ضمناً روز جمعه که جلسه ای بر سر مزار ایشان برگزار شده بود (1) من در آن جلسه نبودم، و تاکنون این قبر را در بیداری ندیده ام.

اجتماعی دیگر و افاضه های گسترده تر

در روز جمعه، هفتم ماه صفر 1421 قمری، در سال روز شهادت سبط اکبر، امام حسن مجتبی علیه السلام، اجتماعی کم نظیر از نظر معنویت، در جوار مزار شریف صاحب مکیال (آیه الله فقیه احمد آبادی) ترتیب یافت، که مقدمات آن از شب قبل فراهم گردیده بود.

انگیزه این اجتماع، توسل به حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام (از طریق خواندن نماز آن حضرت) بود، زیرا روز هفتم صفر، مصادف با جمعه، و روز شهادت امام حسن علیه السلام بود، و از طرف دیگر، با توجه به این که مزار شریف صاحب مکیال، در سر زمین مقدس لسان الأرض (تخت فولاد) واقع شده است (که بنابر مشهور در زمان تشریف فرمائی امام حسن علیه السلام به شهر اصفهان، این زمین با آن حضرت سخن گفته (2) و بدین وسیله شرافت و انتساب به آن حضرت یافته است) اطمینان یافتیم که فرصتی استثنائی برای توسل به امام

ص: 141

1- هم چنان که در بخش قبل بیان کردیم، در روز جمعه 23 محرم الحرام 1421 قمری، اجتماع بسیار معنوی و نورانی، بر سر مزار صاحب مکیال المکارم بود، که حدود سه ساعت در زیر آفتاب، جمعیت حاضر بر سر پا ایستاده بودند، و به خواندن زیارت آل یاسین، و عزاداری و استماع سخنرانی درباره عظمت صاحب مکیال و کتاب شریف شان مشغول بودند، و حال و هوای اجتماع زائرین مدینه منوره و قبرستان و حرم بقیع، احساس می شد.

2- به بخش معرفی لسان الأرض، در همین کتاب مراجعه شود.

حسن مجتبی علیه السلام پیش آمده، و نباید این فرصت از دست برود.

اجتماعی از علاقمندان حاصل گردید، و نماز توسّل به امام حسن مجتبی علیه السلام خوانده شد، و در اثر کشف عنایتی از جانب حضرت بقیّة اللّٰه اعظم علیه السلام در همان روز، و در مقدّمه اجتماع یاد شده، حال و هوای جمعیت حاضر دگرگون گشت، و با خواندن زیارت آل یاسین و سلام به امام زمان علیه السلام انقلابی عظیم در روحیّه حاضرین پدید آمد، آن چنان که سه ساعت در زیر آفتاب سوزان (بدون فرش و وسیله) جمعیت حاضر ایستاده بودند، و به توسّل و عزا داری بر امام مظلوم، حضرت مجتبی علیه السلام ادامه دادند، و نشانه های روشن عنایات اهل البیت علیهم السلام را مشاهده نمودند. برنامه نماز امام حسن علیه السلام و توسّل به امام زمان (عجل اللّٰه تعالی فرجه شریف) و عزا داری بر امام مجتبی علیه السلام مقارن ظهر جمعه پایان یافت.

دو دفعه دعای عهد خوانده شد، دو دفعه تشرف حاصل شد

هم چنان که قبلاً بیان نمودیم، در روز جمعه هفتم ماه صفر 1421 قمری، در ساعات اوّلیّه صبح، دوست داران و ارادت مندان اهل البیت علیهم السلام و دل شکستگان مصیبت امام حسن مجتبی علیه السلام و دل سوختگان فراق حضرت مهدی (عجل اللّٰه تعالی فرجه شریف) گروه، گروه، به تکیّه صاحب مکیال وارد شدند، و حدود سه ساعت در زیر آفتاب بر سر پا، به یاد قبرستان بی سایبان بقیع، و حرم مطهر بی بقعه و بارگاه امام حسن علیه السلام، عزا داری نمودند، و نماز توسّل به آن حضرت خواندند، و عرض سلام و ادب به ساحت مقدّس امام زمان (عجل اللّٰه تعالی فرجه شریف) نمودند. ناگاه شخصی مرا صدا زد (که در ایمان و صداقت و نیز علاقه و دل بستگی به اهل البیت علیهم السلام کاملاً

مورد وثوق و تأیید می باشد) و در بیرون تکیه صاحب مکیال المکارم، با آشک و سوزی تکان دهنده، گفت:

بعد از نماز صبح امروز (جمعه هفتم صفر) آقای ... (1) تلفن زدند که، امروز مقرر شده است که برویم سر قبر مرحوم صاحب مکیال المکارم، و جلسه عمومی است، و هر که را می خواهید دعوت کنید بیاید.

پس از این دعوت تلفنی، خوابیدم و در عالم رؤیا دیدم که، می خواهیم برویم سر قبر مرحوم صاحب مکیال. از در خانه که بیرون آمدیم، دیدم یک فضای سبزی است و از دور آقای ... را دیدم، که تسبیح خود را حرکت می دادند فاصله زیادی داشتیم، رفتم جلو که با ایشان سلام و احوال پرسی کنم، سلام کردم و برگشتم، بعضی از همسایه ها را جلوی درب خانه دیدم، به او گفتم: ما می خواهیم سر قبر صاحب مکیال برویم، ایشان هم گفتند ما هم میل داریم که برویم. بعد از این، برای دومین مرتبه روی خود را برگرداندم، دیدم فضای سبزی است، و آقای ... در آن فضای سبز قدم می زند، و در نظرم آمد که بروم جلو و درباره فلان مطلب ... سؤال کنم. جلورفتم و سلام کردم، و دنبال ایشان رفتم، و یک دفعه به نظرم رسید که ایشان آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) هستند، و در این هنگام صدای شخصی را شنیدم (در حالی که شخص او را نمی دیدم) که فرمود:

دو دفعه امروز تشرّف واقع شد. دو دفعه دعای عهد خوانده شد،

ص: 143

1- با توجه به ملاحظات اجتماعی، از ذکر نام های مربوط به این قضیه خود داری می شود

بعد از این که یقین پیدا کردم که ایشان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) هستند، جلو رفتم که سؤال خود را عرضه بدارم، دیدم ایشان لب نهر آبی هستند، جلو رفتم و در نظر خودم سؤال هایم را مرتب و منظم می کردم، که ناگاه متوجه شدم ایشان در وسط آن نهر آب قرار گرفتند، و در آب ها فرو رفتند، و پنهان شدند، و با رفتن ایشان در آب، آب ها شروع به جوشیدن و حباب انداختن کرد. من ناراحت شدم که نتوانستم سؤال کنم، و با گریه از خواب بیدار شدم.

بعد از آن که رفتیم بر سر قبر آیه الله، فقیه احمد آبادی، و مشغول خواندن نماز امام حسن مجتبی علیه السلام و نماز جعفر طیار شدم، رؤیای یاد شده، در نظرم مجسم شد، و در حالتی غیر عادی، در نظرم آمد، که آن فضای سبز مربوط به تکیه و مزار صاحب مکیال است، و آن نهر آب نیز، خود قبر مرحوم صاحب مکیال (آیه الله، فقیه احمد آبادی) می باشد.

نتیجه گیری

در طی مراحل و جریاناتی که در رابطه با تأسیس بقعه صاحب مکیال المکارم رخ داده، یک دست غیبی و عنایت مستمر ولائی احساس می شود که،

ص: 144

1- شخص بیننده خواب در صبح روز یاد شده، علاوه بر دعای عهد، که در کتب ادعیه مشهور است، دعای دیگری نیز که آیه الله، فقیه احمد آبادی در کتاب شریف مکیال المکارم (جلد 2، صفحه 4) از امام صادق علیه السلام نقل نموده اند، که هر کس این دعا را بعد از نماز های واجب بخواند امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) را در خواب یا بیداری خواهد دید، خوانده بوده است، و لذا فرمودند: دو دفعه دعای عهد خوانده شده، و دو دفعه تشرف حاصل شده است.

در تمامی مسائل و حوادث و برنامه های مربوط به این بزرگ مرد و تأسیس بقعه وجود دارد، که مصداقی است برای آیات شریفه:

(إِنَّا لَتَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ)

(إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا، إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ)

(يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ)

(أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَیَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ)

(إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ)

(وَ اللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَنْ يَشَاءُ)

(السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ)

ص: 146

سروده ها و اشعار آية الله فقيه أحمد آبادی (عربی و فارسی)

اشاره

ص: 147

آیة الله فقیه أحمد آبادی قدس سره، علاوه بر آثار قلمی و علمی و تحقیقی متعدّد، که مصداق «الْباقیات الصالحات» می باشد، و به عنوان میراثی گران بها از خود بجای گذاشته اند، سروده های عربی و فارسی فراوانی، به یادگار نهاده اند که، با در برداشتن مضامینی ارزش مند، و سوز و گداز، و شور و حالی که از عمق جان شان برخاسته، و در لابلای کلمات و جملات این اشعار موج می زند، صفحه های زرّینی به شمار می رود، که نه تنها یادگاری ادبی محسوب می گردد بلکه مجموعه ای است که، عشق و ایمان، ذوق و عرفان، سوز و درد هجران، در آن تجلّی دارد، و به دل ها شوق و شغف، جوش و خروش، و امید و ضیاء می بخشد.

آری، سروده ها و اشعار ارزش مندی از این بزرگ مرد دل باخته امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) به جای مانده است که، نشانه ای از دل بیدار، قلب مطمئن، روح بلند، و پر پرواز این مجتهد ادیب، و شاعر فرزانه، به سوی عالم معنی و حقیقت می باشد، و در این بخش از کتاب، نمونه هائی از سروده های عربی و سپس غزل ها و رباعیاتی از سروده های فارسی آن بزرگ مرد را تقدیم محضر علاقمندان و دوست داران آن بزرگوار، و دل دادگان و شیفتگان حضرت بقیّة الله الأعظم، حجة بن الحسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه شریف) می نمائیم.

1- سروده ای پر سوز، در غم هجران مولی، و حسرت و اندوه بر تمام شدن دوره جوانی در فراق جانِ جانان، و بیان این که ادامه زندگی با امید و شوق وصل، و دیدار لقاء حبیب، یعنی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) ممکن می باشد، و زمزمه ها

تَوَلَّى شَبَابِي فِي الْفِرَاقِ فَأَسْرَعَا *** وَ آذَنَ عُمْرِي بِالرَّحِيلِ فَوَدَّعَا
حَيِّتْ بِشَوْقِ الْوَصْلِ دَهْرًا وَلَمْ أَكُنْ *** بِشَيْئِي سِوَى تَذْكَارِهِ مُتَمَتِّعَا
قَدْ اسْتَدَّ شَوْقِي فَيْكَ يَا غَايَةَ الْمُنَى *** وَ يَا خَيْرَ مَنْ صَلَّى وَ يَا خَيْرَ مَنْ دَعَا
وَ يَا خَيْرَ مَقْصُودٍ وَ يَا خَيْرَ مَوْئِلٍ *** وَ يَا خَيْرَ مَنْ لَبَّى وَ يَا خَيْرَ مَنْ سَعَى
وَ قَدْ طَالَ صَبْرِي فِي النَّوَى إِذْ تَرَكْتُنِي *** كَنِيْبًا غَرِيْبًا بِأَكْيَا مُتَوَجِّعَا
فَيَا مُهْجَتِي، يَا رُوحَ قَلْبِي وَ رَاحَتِي *** أَغْنِنِي، فَقَلْبِي كَادَ أَنْ يَتَّصِدَّعَا
نَظَرْتُ بِأَبْوَابِ الْمُلُوكِ فَلَمْ أَحِدْ *** سِوَى بَابِكَ الْعَالِي مَلَاذًا وَ مَفْزَعَا
وَ إِذْ نَزَلَ الْمَعْرُوفُ وَ الْعَدْلُ وَ السَّخَا *** فَمَا اخْتَارَ إِلَّا فِي فَنَائِكَ مَوْضِعَا
أَغْنِنِي بِفَيْضٍ مِنْ نَدَاكَ فَإِنَّهُ *** لَقَدْ صَارَ مِنْهُ الْبَرُّ وَ الْبَحْرُ مُتْرَعَا

ص: 150

فَلَوْلَاكَ سَاخَ الْأَرْضُ بِالْخَلْقِ كُلِّهِمْ *** وَصَارَ بَطُونُ الْأَرْضِ لِلنَّاسِ مَضْجَعَا

وَلَوْلَاكَ إِنَّدَكَ الْجِبَالُ جَمِيعُهَا *** وَلَوْلَاكَ أَرْكَانُ السَّمَاءِ تَزَعَزَعَا

وَمَا نَبَتْ فِي الْأَرْضِ لَوْلَاكَ حَبَّةٌ *** وَلَا شَجَرٌ لَوْلَا وَجُودُكَ أَيْنَعَا

وَلَا أَشْرَقَتْ شَمْسٌ وَلَا يَتَرَبَّدَا *** وَلَا نَبَعَتْ عَيْنٌ وَلَا الْبَرْقُ أَمْصَعَا

وَصَيَّرْنَا الْأَعْدَاءَ لَوْلَاكَ طُعْمَةً *** وَكَانَ عَلَيْنَا الذُّلُّ ثَوْبًا مُلْفَعَا

وَمَا فَازَ نَاجٍ بِالنَّجَاةِ بَعِيرُكُمْ *** وَمَنْ أَمَّهَا مِنْ غَيْرِكُمْ كَانَ الْكُفَا

حَبِيبِي حَبِيبِي طَالَ هَمِّي وَكُرْبَتِي *** أَغْنَيْني سَرِيعاً قَبْلَ أَنْ أَتَضَيَّعَا

تَعَالَيْتَ عَنْ مَدْحِي وَ مَدْحِ الْخَلَائِقِ *** وَ مَا قِيلَ فِي عُليَاكَ قَدْ كُنْتَ أَرْفَعَا

2- سروده ای دیگر، در هیجان حزن و اندوه در فراق امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف)، و ستایش از الطاف و عنایات آن حضرت، و بیان نا توانی انسان در ادراک عظمت و برکات وجود آن منبع جود و فیض، و هم چنین، بیان این که پرودگار متعال در هنگام شهادت امام حسین علیه السلام به ملائکه آسمان ها خبر داد، که انتقام

خون آن مظلوم شهید را، به وسیله قائم آل محمد علیه السلام خواهد گرفت.

و این سروده، از نتایج نورانی شب های سوز و گداز، و از پیامد های حال و هوا، و زمزمه های سحری آیه الله فقیه احمد آبادی قدس سره می باشد. (1)

قَدْ هَاجَ حُزْنِي وَقَلْبِي صَارَ مُنْكَمِدَا *** لِيَهْجِرَ مَنْ حُسْنُهُ لِلْعَالَمِينَ بَدَا

خَيْرُ الْوَرَى نَسْبًا، شَمْسُ الْهُدَى حَسْبًا *** وَأَفْضَلُ الْخَلْقِ أَعْوَانًا وَمُحْتَشِدَا

قَدْ حَارَ ذُو اللَّبِّ فِي إِدْرَاكِ رُتْبَتِهِ *** وَالْعَقْلُ فِي نَعْتِهِ أَعْيَا وَإِنْخَمَدَا

بِيَمِينِهِ تَجِدُ الْأَجْبَالَ ثَابِتَةً *** لَوْلَا كَرَامَتُهُ أَلْفَيْتَهَا بَدَا

مِنْ نُورِهِ الشَّمْسُ وَالْأَقْمَارُ نَيِّرَةٌ *** مِنْ فَضْلِهِ قَدْ رُبَا مَا كَانَ مِنْهُمْ مَدَا

لَمْ يُرْزَقِ النَّاسُ لَوْلَا فَيْضُ نَائِلِهِ *** وَ مَا بَقُوا سَاعَةً فِي دَهْرِهِمْ أَبَدَا

شَمَائِلُ الْمُصْطَفَى كَانَتْ شَمَائِلَهُ *** وَ مُحْكَمُ الذِّكْرِ فِي أَوْصَافِهِ وَرَدَا

تَكَامَلَ الْعِلْمُ وَالْأَخْلَاقُ أَكْمَلَهَا *** فِي ذَاتِهِ الْقُدُسُ طَرًّا حِينَ إِذْ وَلَدَا

ص: 152

باهی به الله سُكَّانَ السَّمَاءِ وَقَدْ *** ضَجَّوْا إِلَى اللَّهِ اِذْ قَتَلَ الْحُسَيْنِ بَدَا

أَنْ أَسْكُتُوا، أَنْتَقِمَ حَتْمًا بِقَائِمِهِمْ *** مِنْ كُلِّ مَنْ حَارَبَ الْمَظْلُومَ أَوْ طَرَدَا

3- و در سروده ای دیگر، در عرض ارادتی به محضر حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه شریف) بیان می نمایند که: قلب من منزل و جایگاه شما است، و هیچ گاه از دل من بیرون نمی رَوید، و در زمزمه و مناجاتم با شما، از نزدیک سخن می گویم. (1)

بَنَيْتُ بِقَلْبِي مَنْزِلًا لِحَبَابِكُمْ *** أَقَمْتُ بِهَا مَذْكَبًا فِي غَايَةِ الْحُبِّ

أَمَا وَالَّذِي لَوْ شَاءَ مَا خَلَقَ النَّوَى *** لَئِنْ غَبْتَ عَنْ عَيْنِي، فَمَا غَبْتَ عَنْ قَلْبِي

يُوهَمْنِيكَ الشَّوْقُ حَتَّى كَأَنَّمَا *** أَنَا جِيكَ مِنْ قُرْبٍ وَإِنْ لَمْ تَكُنْ قُرْبِي

4- و در این سروده، از صمیم جان، و از پرده دل، عرض ارادت و محبت نسبت به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) می نمایند، و با تکرار کلمه «بنفسی»، آمادگی خود را برای جان فشانی در برابر آن حضرت، اعلام می دارند، و در پایان، دعا درباره تعجیل در ظهور امام عصر علیه السلام می نمایند. (2)

ص: 153

1- نقل از مکیال المکارم، جلد 1، صفحه 261

2- نقل از مکیال المکارم، جلد 1، صفحه 3

بِنَفْسِي مَنْ مِنْ هَجَرِهِ أَنَا ضَائِلٌ *** وَ مَنْ لِلْوَاءِ الْفَتْحِ وَ النَّصْرِ حَامِلٌ

بِنَفْسِي إِمَاماً قَائِماً غَابَ شَخْصُهُ *** وَ لَيْسَ لَهُ فِي الْعَالَمِينَ مُمَاطِلٌ

بِنَفْسِي مَنْ يُحْيِي شَرِيعَةَ جَدِّهِ *** وَ يَقْضِي بِحُكْمٍ لَمْ يَرْمُهُ الْأَوَائِلُ

وَ يَجْتَنُّ أَصْلَ الظَّالِمِينَ وَ فَرَعَهُمْ *** وَ يُحْيِي بِهِ رَسْمَ الْعُلَى وَ الْفَضَائِلُ

فَيَارِبَّ عَجَلٍ فِي ظُهُورِ أَمَامِنَا *** وَ هَذَا دُعَاءٌ لِلْبَرِيَّةِ شَامِلٌ

5- و در سحری پر سوز، و با دلی پر خون، در حالتی که غرق اندوه و غم فراق امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) بوده اند، و شدت درد هجران، آرام و قرار از دل و جان شان گرفته بوده است، مضمون های زیر به خاطر شریف شان رسیده، و بر زبان شان جاری گشته است (1) که ذیلاً ملاحظه می نمائید:

مِنْ هَجْرِكَ يَا حَبِيبُ، قَلْبِي قَدْ ذَابَ *** أَنْظُرْ نَظْرًا إِلَىَّ يَا بَنَ الْأَطْيَابِ

إِنْ غَبَّتْ لِدُنْبِنَا فَتُبْنَا تُبْنَا *** أَوْ خِفَتْ مِنَ الْعِدَى فَمَا لِلْأَحْبَابِ

ص: 154

6- و در اشعاری که دوازده بیت می باشد، و در سنّ بیست و پنج سالگی، هنگام پایان بخشیدن به تألیف کتاب آداب الجمععات (آئین جمعه)، درباره فضیلت های جمعه سروده اند، اشاره ای به امتیازات روز جمعه گردیده، و پدیده های بزرگ و پر برکتی که در روز جمعه اتفاق افتاده یا می افتد، مورد اشاره و توجه قرار گرفته است. همانند: خلقت نور، تولّد پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، ولادت حضرت علی علیه السلام در خانه کعبه، ازدواج حضرت فاطمه زهراء علیها السلام، و اكمال دین در واقعه غدیر خم، تولّد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه شریف) و نیز ظهور آن بزرگوار، و هم چنین مضاعف بودن خیرات، و آمرزش گناهان در این روز مبارک و فرخنده. (1)

يَا سَائِلًا عَنْ أَشْرَفِ الْأَيَّامِ *** إِنِّي مُجِيبٌ إِنْ وَعَيْتَ كَلَامِ

إِنَّ الشَّرَافَةَ وَالسِّيَادَةَ ثَابِتٌ *** فِي جُمُعَةٍ إِذْ فِيهِ كَشْفُ ظَلَامِ

قَدْ صَارَ فِيهِ النُّورُ مَخْلُوقًا لَنَا *** وَكَذَلِكَ تُجْلَى ظُلْمَةُ الْإِثَامِ

ناهیک یوماً ما له من ماثل *** إذ كان ميلاداً لخير أنام

ص: 155

الْحَيَّرُ فِيهِ مُضَاعَفٌ مِنْ رَحْمَةٍ *** وَ الذَّنْبُ يُغْفَرُ فِيهِ مِنْ إِعْظَامِ

قَدْ كَانَ تَزْوِيجُ الْبَتُولِ بِجُمُعَةٍ *** فِيهَا تَكْمَلُ مِلَّةُ الْإِسْلَامِ

فِي جُمُعَةٍ وَلَدَ الْوَصِيُّ بِكَعْبَةٍ *** فِي خَيْرِ شَهْرٍ، فِي أَعَزِّ مَقَامِ

وَالْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ ضَاهِي جَدَّة *** مِيلَادُهُ فِي سَيِّدِ الْأَيَّامِ

و ظُهُورُ شَوْكَتِهِ وَ عِزَّةُ أَهْلِهِ *** فِي جُمُعَةٍ حَتَمَ بَغَيْرِ كَلَامِ

يَا حُجَّةَ الْجَبَّارِ عَبْدُكَ زَائِرٌ *** إِيَّاكَ مُشْتَاقًا بِأَلْفِ سَلَامِ

رُوحِي فِدَاكَ وَ مُهَجَّتِي وَ أَحِبَّتِي *** وَ هُوَاكَ مَمْرُوجٌ بِمُخِّ عِظَامِ

فَاشْفَعْ إِلَى رَبِّي لِيُغْفَرَ زَلَّتِي *** حَتَّى أَفُوزَ بِجَنَّةِ سَلَامِ

7- و در پایان این قسمت (اشعار عربی) سروده جالبی را، که در سال های قبل از ارتحال پدر بزرگوار شان (1) مرحوم آیه الله، آقا سید عبد الرزاق موسوی قدس سره، و به دستور ایشان سروده اند، نقل می نمائیم، که در آن، درباره

ص: 156

1- آیه الله فقیه احمد آبادی، در هنگام ارتحال پدر شان، هفده سال و کسری از عمر شان سپری گردیده بوده است، و سرودن اشعار یاد شده به دستور ایشان، در سال های قبل از هفده سالگی می باشد

فضیلت محبت و دوستی ائمه معصومین علیهم السلام و حضرت زهراء علیها السلام و ارزش گریستن بر مصائب آن بزرگواران و این که این اشک ها، زاد و توشه قیامت است، مطالبی بیان گردیده، و با اشاره به مصائب فراوان و سنگین حضرت زهراى مرضیه علیها السلام، به چشم شان اشاره نموده، و فرموده اند: ای چشم! بر زهراى مرضیه علیها السلام خون گریه کن، زیرا آن حضرت به مصیبت هائی به وسعت دریا ها، گرفتار گردیده اند.

يا سائلاً عني بفضلٍ مُضمَر *** إسمع تأمل في كلامي المُظهر

الفَضْلُ في حُبِّ الأئمةِ بارِزٌ *** و مَحَبَّةُ الزَّهراءِ يَوْمَ المَحْشَرِ

أهلُ التَّقى يَبْكُونَ في أَحْزانِهِم *** واللَّهِ هذا الماءُ زادُ المَحْشَرِ

أَدْخُلْ بنا يا صاحٍ في دارٍ بها *** أَحْزانُهُم مَذْكُورَةٌ بِالْمَنْظَرِ

هِيَ دارُ إِكرامٍ وَ دارُ الاِهْتِداءِ *** لِمُحَقِّقِ عَلامَةِ مُتَبَحَّرِ

هُوَ عَبْدٌ رَزاقٍ إِذا سَمَّيْتَهُ *** مِنْ وُلْدِ سَيِّدِنَا النَّبِيِّ الأَظْهَرِ

ابْكِي عَلى الزَّهراءِ يا عَينُ الدِّماءِ *** فَقَدْ أَبتَلْتُ بِمَصابِئِ كالأَبحرِ

سَقَطُ الجَنينِ وَ كَسْرُ الجَنْبِ مِنْ عُمرا *** وَ الوَجْهُ مِنْ ضَرْبِ العِدى بِمَحْمَرِ

مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی قدس سره، سروده های جالب و گوناگونی، با تخلص «تقی» و «شرعی» در زمینه توحید و توجّه به خدا، و ارزش دل، و عبرت آموزی از گذر عمر، و نیز دربارهٔ ائمّه معصومین علیهم السلام و دیگر مسائل اعتقادی و اخلاقی، از خود به جای گذاشته اند، و مخصوصاً دربارهٔ عظمت و لطاف و عنایات حضرت بقیّه الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) و درد هجران و فراق آن حضرت، و انتظار ظهور و فرج، و حکومت جهانی و عدالت گستر آن امید دل ها، اشعاری به یادگار نهاده اند که، از آثار جاوید و نشانه های روشن ایمان و خلوص، عشق و ارادت، صفا و صمیمیت، سوز و گداز و سایر حالات ارزش مند روحی و قلبی آن بزرگ مرد می باشد.

و ذیلاً نمونه هایی از آن سروده ها را به محضر علاقمندان به ارزش های والای دینی و اعتقادی، و دوست داران و هوا داران مکتب اهل البیت علیهم السلام تقدیم می نمایم

«بنای دل»

روزی که ساخت خانه دل را خدای دل *** از بهر عشق روی تو کرد او بنای دل

دل را فدای عشق تو کردم من از نخست *** با آن که هر چه بود نمودم فدای دل

راهی که رهروان دو عالم نیافتند *** پیموده ام به یک قدم، آن را به پای دل

در نرد عشق، هستی خود را بباختم *** کردم تمام کون و مکان را فنای دل

حاجی به سوی کعبه روان می شود از آنک *** راهی نیافت در حرم با صفای دل

آن آتشی که خرمن ایجاد را بسوخت *** اندک نمونه ای بُود از داغ های دل

در سر نه یاد گلبن و نی فکر گلشن است *** آن را که دامن است پر از پاره های دل

بس ای «تقی» که با خبر از رازِ دل کسی *** نبود بغیر حق، که نموده بنای دل (1)

ص: 160

1- در زمینه ارزش و جایگاه دل، سروده ای جالب از فرزند ارشد مرحوم آیه الله فقیه أحمد آباد قدس سره، حضرت حجة الاسلام و المسلمین، آقای حاج سید محمد فقیه أحمد آبادی قدس سره، به دست ما رسید، که ذیلاً درج می گردد. خوش تر ندیده ام به جهان از دیار دل *** چشم از بهشت پوش و، بین لاله زار دل در ممکنات علوی و سفلی، نکرده خلق *** خلقی ز دل عجیب تر، پروردگار دل آرام خاطر، که همه عمر بوده ام *** در پیری و جوانی خود، بی قرار دل میدان اهل دل نه سزاوار هر کس است *** من آن نیم که پا کشم از کار زار دل با مدعی بگو که نباشد ترا مجال *** پای خیال را بنهی بر جدار دل هستند انبیا همه دل دادگان وحی *** لیکن تمام و اله و حیران کار دل کرّ و بیان عالم بالا به امر حق *** هستند یک جهت همگی پاس دار دل دل خانه خداست، نداند بجز خدا *** بر پایه و اساس چه باشد مدار دل ممکن کجا توان بکند درک، ای «فقیه» *** کز واجب الوجود بُود بود و تار دل

گر همی جوئی وصال یار را *** کن برون از قلب خود اغیار را
چون که آن یعقوب، شیخ المرسلین *** حبّ یوسف گشت در قلبش مکین
چون که غیر آمد به دل، دل دار رفت *** شد مقام ظاهر و، أَسرار رفت
حق تعالی خواست بیدارش کند *** فارغ از هر چیز، جز یارش کند
مبتلایش کرد بر درد فراق *** ماهِ رویِ یوسفش شد در محاق
چون محبّت داشت او را در رَسَن *** ساخت بهر خود یکی بیت الحزن
نام یوسف بود ذکرش سر بسر *** بهر وی نی غیر وی ذکر دگر
روزی آمد مقبلی او را به پیش *** دید او را تن ضعیف و سینه ریش
گفت و یحک، چیست این حال ای نبی *** وز برای کیست، در تاب و تبی
این سخن بر زخم او شد چون نمک *** آه یوسف، یوسفش، شد بر فلک
گفت از هجران تنم این سان شده *** دیده ام گریان و دل بریان شده

جبرئیل آمد به فرمان خدا *** گفت کای یعقوب، شیخ الأنبیا

هشت و چارت، من پسر کردم عطا *** غیر یک تن شان، نشد از تو جدا

این همه نالیدنت از بهر چیست *** وین همه زاریدنت از هجر کیست

زین سپس، نامش نیاور بر زبان *** ورنه محوت سازم از پیغمبران

یعنی ای یعقوب نام من بگوی *** نام کس را غیر نام من مجوی

باز در دل، حبّ یوسف داشت چون *** روز ها می آمد از خانه برون

نام یوسف را ز مردم می شنید *** دل تسلّی می نمود آن نا امید

جبرئیل آمد به امر کردگار *** گفت با یعقوب زار دل فکار

گر دهی گوشت به نام او فرا *** می کنم نامت برون از انبیا

حزن خود را داشت پنهان، آن سلیم *** زین سبب فرموده حق، فهو کظیم

خانه حق، چون دل عبد است و بس *** پس نباید در وی آید هیچ کس

حبّ حق خواهی به غیرش رو مکن *** دل أسیر خط و خال و مو مکن

یک دم اگر به خاک عزیزان گذر کنی *** از ما سوای حق، همه قطع نظر کنی
گر حبّ غیر حق، ز دل خود برون کنی *** در یک نفس، جهان همه زیر و زیر کنی
در نزد پیر عشق بخوان درس عشق را *** تا عشق غیر حق، ز دل خود برون کنی
خاکت بسر، که هیچ نکردی بجز گناه *** اکنون ز جای خیز، که خاکی بسر کنی
آماده باش و توشه راه سفر بساز *** شاید سفر بنا گه از این رهگذر کنی
از آب دیده، آتش عصیان خموش کن *** زان پیش، کز ندامت خود، ناله سر کنی
ربّ ارجعون بگوئی و، سودی نبخشدت *** هر چند آه و ناله، از آن بیش تر کنی
هان ای «تقی» ز خدمت مهدی متاب روی *** خواهی اگر بخلد برین، مستقر کنی

توشه از دست رفته، و راه در نیمه

توشه از دست شد و، ما همه در راه هنوز *** سال ها رفته و، ما را به نظر، ماه هنوز

کاروان رفت و، جرس می کشد آواز رحیل *** ما از این حادثه ها، نا شده آگاه هنوز
همرهان خاک نشین گشته و، ما در خوابیم *** همه در فکر هوا و هوس و جاه هنوز
ای توان گر، تو مشو غره که جاوید نماند *** کس در این خانه، نه از مفلس و نی شاه هنوز
همه در غفلت و، نا گه همه خاموش شویم *** با وجودی که سخن هاست در افواه هنوز
هاتقی گفت به «شرعی» که به بیهوده گذشت *** عمر و تو، بهر حیاتی ز چه دل خواه هنوز

یا صاحب الزمان

ای پیا از یمن ذات هفت ارض و نه فلک *** ایستاده چون غلامان بر دَرَت خیل ملک
ریزه خوار خوان احسان تو خلق بر و بحر *** مرغ ها اندر سما و، در ته دریا سمک
چشم های عاشقان خون بار شد از هجر تو *** باز آ، ای چشم عالم را به جای مردُمک
تا که شد مجروح، دل های محبّان از غمت *** دشمنان پاشند بر زخم دل آن ها نمک

ص: 164

طالَمَا أَضْمَرْتُ أَحْزَانِي وَكَاتَمْتُ الْهَوَى *** فِي حَبِيبٍ غَابَ عَنِ عَيْنِي وَقَلْبِي قَدْ مَلَكَ

آن شهنشاهی که ذاتش مظهر عدل خداست *** آن که حُبش کفر و، ایمان راست معیار و مَحک

مالک مُلک جهان، فرمانده دنیا و دین *** حامی شرع پیمبر، ما حی طغیان و شک

عاشقان مُردند در هجران و، نامد آن نگار *** کاش می گشتی خراب از این تَطَاوُل، ای فلک

ای که جاء الحق به و صفت آمده اندر نُبی *** هین بیا تا مضمحل گردند اهل ریب و شک

کی شود بینم که بهر انتقام آئی برون *** زان که کرد از دختر ختم رسل غصب فدک

کی شود بینم جمال بی مثال آنورت *** تا بگویم شرح غم های دل خود یک به یک

دوش می کردم شکایت از حسودان پیش دوست *** در جوابم این ندا آمد که اللّهُ مَعک

دست از دامان مهدی بر نگیری ای «تقی» *** قَدْ نَجَى مَنْ أَمَّهُ، مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ هَلَاكَ

وقت آن آمد که آه و ناله را افزون کنم *** عالمی را از فراق یار خود دل خون کنم
گر بگویم شمه ای وصف جمالش را به خلق *** عاقلان را از فراق طلعتش مجنون کنم
ور نمایم وصف نورِ رویِ پاکش آشکار *** سرِ بَزیر از شرم ساری، موسیِ عمران کنم
ور بگویم ذره ای از زهد او را در جهان *** منفعل عیسای زاهد بر سرِ گردون کنم
آن که أحمد بر وجود او همی کرد افتخار *** من کیم تا نام او را با زبان مقرون کنم
آن که از رفعت بردندش ملایک تا به عرش *** من که چون خاک زبونم، مدح او را چون کنم
مهدی صاحب زمان، آن مظهر عدل خدا *** کی توانم وصف ذات مظهر بی چون کنم
شد دلم خون از غم هجران و صبرم شد تمام *** خون دل باید ز راه دیدگان بیرون کنم
شد رُخم زرد از فراق روی آن سلطان دین *** روی خود باید ز آب چشم خود گلگون کنم

عمر از کف رفت و، ساز و برگی اندر کف نماند *** من به این بی برگ و سازی، در قیامت چون کنم

سوخت طومار عمل را آتش عصیان من *** این زمان باید زمین را ز آشک خود جیحون کنم

ای «تقی» بس کن که گر این سان نمائی شرح غم *** بگذرم از اهل عالم، روی در هامون کنم

نظری سوی ما فکن

ای غائب از نظر، نظری سوی ما فکن *** آشفته بین ز غیبت روی تو مرد و زن

پوشیده نیست حالت افکار ما ز تو *** حاضر میان جمعی و، غائب ز انجمن

از بس که دور گشت زمان ظهور تو *** نزدیک شد که جان من آید برون ز تن

گر بشنوم ظهور تو را بعد مردنم *** از شوق، زیر خاک بِدِرَم بَتَن کفن

از محنت زمانه و از جور روزگار *** پا بست غم نهانم و، افسرده در علن

دارم نصیحتی از خرد یاد، ای «تقی» *** فارغ شوی ز غصّه اگر بشنوی ز من

بگذر از این جهان که نیاید بکار تو *** جز مهر حجّة بن حسن، شاهد ز من

ز دوری رُخت ای پادشاهِ حُسن و جمال *** رسیده جان به لبِ عاشقان، تَعَالَ تَعَالَ

به ذکر حسن تو، کَرَوِیَانِ عَالَمِ قدس *** یَسِیْحُونَ لَهُ بِالْغُدُوِّ وَالْأَصَالِ

امام مهدی هادی، شهنشه دو جهان *** سَمِی ختم رسل، ما حی رسوم ضلال

اگر زبان همه ممکنات بود مرا *** نمی شدی که تو را گفت وصفِ شان و جلال

به پیش نور تو، خورشید ذره ای موهوم *** به وصف ذات تو گویندگان تمامی لال

اگر نبود ز یمن وجود اقدس تو *** به پا نبود، نه ارض و سما، نه ماه و نه سال

چنان چه نعمت حق هست از حساب برون *** تو را برون ز حساب است، علم و قدر و کمال

بیا بیا که همه عاشقان، سر از سرِ شوق *** به کف گرفته، مهیا برای استقبال

گذشت عمر من و، وصل تو نصیب نشد *** مگر به خواب ببینم شبی، زمان وصال

به عجز و لابه، توان دید روی یار، «تقی» *** به عجز کوش و به زاری، مکن تو استعجال

گرم نصیب شود یک نظر به روی حبیب *** نثار او بنمایم روان به رغم رقیب
به پای خود، اگر بوسه ای روا دارد *** نهم به تارک شاهان قدم، ز حشمت و زیب
غم فراق و دل پر ز خون و اشک بصر *** مرا ز روز ازل این سه چیز گشته نصیب
دلا به محنت و غم صبر کن، که بوده و هست *** به هر نشیب، فرازی و، هر فراز نشیب
جهان به مهدی موعود گلستان گردد *** در آن زمان که نماید ظهور بافر و زیب
«تقی» تو را به دل آر مهر او نهان باشد *** مدار رنجه دل خود، ز هول روز حسیب

حدیث محبت

مرا به جز ره عشق تو نیست هیچ طریق *** اگر به وصل جمالت رَسَم، زهی توفیق
من خراب کجا و، وصال یار کجا *** چسان رسد پر کاهی، به قعر بحر عمیق

مراز عشق مترسان، که فاش می گویم *** که نیست مقصد پروانه، هیچ غیر حریق
به جز حدیث محبت، هر آن چه گفته شود *** تمام ضایع و باطل بود، علی التحقیق
نگار ما چو گشاید دهان به وقت سخن *** برد ز خاطر ما یاد سلسبیل و رحیق
خرد بکنه کمالش کجا رسد، هیئات *** که غرقه اند در این لجه، فکر های دقیق
«تقی» به گوشه عزلت نشین و، دم در کش *** که یافت می نشود، یک نفر رفیق شفیق

خون دل از هجر...

هر که اندر خم گیسوی تو در دام افتاد *** بگذشت از همه عالم و آرام افتاد
هر دلی را که در او عشق تو ننمود اثر *** سنگ خاری است که بی فائده و خام افتاد
ما گرفتار تو ایم و، تو ز ما فارغ چند *** دل آفسرده ما پر غم و نا کام افتاد
ما ضعیفان اگر امروز شرابی بخوریم *** خون دل هاست که از هجر تو در جام افتاد

ص: 170

لب و دندان تو حیف است گُنم تشییهش *** که دُری در صدف گلبویِ گلفام افتاد
ای «تقی» غم مخور از هجرت آن یار که روز *** از فراقش به نظر، تیره تر از شام افتاد

لقاء طلعت زیبا

یارب آن طلعت زیبا ز پس پرده غیب *** تو برون آور و ما را به لقایش برسان
آن چه مانع ز ظهورش شده از جا بر دار *** و آن چه أسباب ظهور است برایش برسان
دشمنانش همه، تن ها ز روان خالی ساز *** دوستانش همه را، بوسه به پایش برسان

رباعیات

ای ذکر تو نُقل مجلس درویشان *** ای نام تو مَرهم دلِ دل ریشان
بیچاره مَنی که از رُخت مهجورم *** از کینه وریّ و، جور بد اُندیشان

ای وصل تو غایه المراد دل ما *** وی ذکر تو زیب و زیور محفل ما
اُندر دل ما لشکر غم منزل کرد *** زان روز که دور گشتی از منزل ما

ای مهدی صاحب الزّمان دریابم *** ای جان همه جهانیان دریابم

از دوری رویِ تو بدین سان گشتم *** بی چاره و زار و نا توان، دریابم

هر دم در انتظار، عمرم گذر کند *** آنِ دگر، امید مرا بیش تر کند

نوعی اثر نموده به قلبم جدائیت *** کاندر رگی ضعیف، اثر نیش تر کند

ای سرور جمله پادشاهان، نظری *** ای صاحب خونِ بی گناهان، نظری

من مور ضعیف و، تو سلیمانِ جهان *** بر مور ضعیف، ای سلیمان نظری

ای وارث یازده امام بر حق *** ای بر همه خلق، ولیّ مطلق

دارم طمع نظاره ای بر رویت *** ای مصدر فیض و، ما سوایت مشتق

از طعنه دشمنان دون، صد فریاد *** وز دیده کوتاه نظران، صد فریاد

بر غربت دین احمدی صد افسوس *** وز غیبت صاحب الزّمان، صد فریاد

ای گشته خیال تو قرار دلِ من *** وز دوستیت سرشته آب و گلِ من

نه طاعت و نه عبادتی دارم، لیک *** حبّ تو، ز عمر من بود حاصلِ من

ای ما حاصل مراد از کون و مکان *** بازآ، که شود جهان به تورشک جنان

بی دیدن طلعت تو ای جان جهان *** حظّی نبود مرا ز باغ و بوستان

بازآ، که جهان پر شده از ظلم و فساد *** از کینه و، جور ظالم بد بنیاد

بازآ، و بگیر داد مظلومان را *** از آن که ز اُول، این بنا کج بنهاد

ص: 172

ای آتش عشق تو به دل های فکار *** چون آتش طور مُوسی، اُندر شب تار

از غیبت رویت، ای مَه هر دو جهان *** روزانه عاشقان شده چون شب تار

تا دیدن روی دوست حاصل نشود *** مقصود من از حیات حاصل نشود

حاصل نشود مرادش اُندر دو جهان *** آن کس که مرادش به تو حاصل نشود

عید آمد و شد ز لاله بستان پر نور *** هر کس به خیالی به جهان شد مسرور

ما را غم و محنت و اَلَم شد بسیار *** زان رو که جمالت بُود از ما مستور

این دل که به مهر تو سرشته ز آغاز *** افتاده ز دوری تو در سوز و گداز

زان پیش که خصم دون، به ما طعنه زند *** ما را به یکی نظاره، شاهانواز

گذشت عمر من اُندر فراق یار، دریغ *** ز هجر، غرقه خون شد دل فکار، دریغ

شد از فراق تو روزم سیاه چون شب تار *** گذشت عمر و، بِمُردم در انتظار، دریغ

ای زاده عسکری، امام همه خلق *** از بهر هُدی، مَه تمام همه خلق

راهی بدهم به سوی خود، بهر خدا *** کافسرده شدم، ز خاص و عام همه خلق

ای چاره درد خستگان، ادرکنی *** ای مونس و یار بی کسان، ادرکنی

من بی کسم و خسته و مهجور و ضعیف *** یا حضرت صاحب الزمان ادرکنی

در عرصه کربلا، حسین گشت شهید *** آن روز که عرش کبریائی لرزید

هستی تو ولی خون شاه مظلوم *** بنما طلب خون وی، از آل یزید

آن سر، که سر دوش نبی داشت مقام *** شد بر سر نبی، ز کینه نسل حرام

آن سر که گرفت عرش از او زینت، شد *** از جور یزید، زیب دروازه شام

آن لب، که بداد بوسه اش خیر اُنام *** زد چوب بر او یزید، آن نسل حرام

می گفت به خنده و تبسم، الحمد *** کامروز مرا، دور فلک گشته به کام

اُولاد نبی به بزم خود حاضر کرد *** از بهر تماشا، همه کس ناظر کرد

مُسلم نپسندد که به کافر ببیند *** ظلمی که به آل نبی آن کافر کرد

و در پایان این بخش، دو تک بیتی در رابطه با مناجات سحری نقل می گردد

بیا که وقت مناجات و گفتن راز است *** شب است لیک، در رحمت خدا باز است

بیا که خلوتیان جمله در خروش شدند *** کلام دوست شنیدند، پس ز هوش شدند

(قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ)

ص: 175



آية الله فقيه أحمد آبادی از دیدگاه صاحب نظران و صاحبان تراجم

اشاره

ص: 177

ظاهراً، اولین دانش مندی که شرح حال آیه الله فقیه احمد آبادی را نوشته است، عالم محقق و متبّع، مرحوم میرزا محمد علی معلّم حبیب آبادی قدس سره (صاحب کتاب «مکارم الآثار» و متوفای 1396 قمری است) که در سه اثر از تألیقات خود، از این بزرگ مرد یاد کرده است.

در کتاب (مقالات مبسوطه) نوشته است:

بر آساتید بزرگ اصفهان شاگردی کرد، تا جایی که از علمای مبرز و کسانی که اجتهاد شان مسلّم بود گردید، چند سال پیش از فوتش، بین من و او رابطه دوستی برقرار شد، و مکرّر در خانه اش در محله یزد آباد از محله های اصفهان او را ملاقات کردم. سال ها با قناعت و عفاف زندگی کرد ... (1)

و در کتاب مکارم الآثار در ذیل وقایع سال 1301 نوشته است :

... سیدی نجیب، و فقیهی ادیب بود، و از علمای برجسته اصفهان بود. خطّ ملیح و شعر خوبی داشت ...، مردم در نوشتن عریضه برای امام زمان علیه السلام و زیارت عاشورا، به او معتقد بودند...

بار ها خدمتش مشرف شدم، و از او بسیار استفاده نمودم (2)

و هم چنین علامه محقق و عظیم الشان، آیه الله حاج آقا بزرگ طهرانی، در کتاب «نقباء البشر» و نیز کتاب «الذریعه الی تصانیف الشیعه» (در مواضع گوناگون) و نیز مورّخ و ادیب محقق و متبّع، مرحوم جابری أنصاری، با عبارات جالبی از این بزرگ مرد تجلیل نموده اند.

ص: 179

1- نقل از رساله آثار التّوّی، صفحه 21

2- نقل از رساله آثار التّوّی، صفحه 21

شخصیت علمی و معنوی آیه الله فقیه احمد آبادی: از دیدگاه آیه الله العظمی آقای صافی گلپایگانی

مرجع عالی قدر و عظیم الشان، حضرت آیه الله العظمی، آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مدّ ظلّه العالی، که خود از مفاخر علمی و تحقیقی در حوزه علمیه قم، و از صاحبان قلم می باشند، و در زمینه معارف مربوط به حضرت بقیّة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف)، صاحب تحقیقات برجسته و ممتاز می باشند، و تألیف بسیار نفیس و ابتکاری ایشان، به نام:

منتخب الأثر في الإمام الثاني عشر (عجل الله تعالی فرجه شریف)

یکی از بهترین کتاب هائی است که تاکنون درباره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) تألیف گردیده، و از نظر وسعت تتبع و تحقیق، و نظم و اسلوب پر ثمر و ابتکاری، از بهترین کتب منتشر گردیده در این موضوع می باشد.

ایشان، در رساله مفصل و جالبی که در مورد حضرت بقیّة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) نوشته اند، و در مقدمه مکمال المکارم، طبع سوّم، به چاپ رسیده، نکات جالبی را درباره آیه الله فقیه احمد آبادی و کتاب بی نظیر ایشان (مکیال المکارم) مرقوم داشته اند، و ما در ابتداء، عین عبارت آن بزرگ مرد را نقل نموده، و سپس به نکات برجسته آن، اشاره می نمایم:

هذا الكتاب الذي بين يديك، كتاب (مکیال المکارم في فوائد الدعاء للقائم عليه السلام)، الكتاب الذي يُعرب عن طولِ باع مؤلّفه و سعة تتبعه و تفكيره، لم نَعْرِفْ لَهُ نظيراً في بابهِ،

و لم نَطَّلِعْ في ما كُتِبَ حول المَهْدَوِيَّةِ على كتاب مفرد في آداب الدعاء

للمهدي عليه السلام وفوائده غير هذا الكتاب، ولقد أدى مؤلفه العلامة حق التأليف والتتقيب حول ذلك وبين تكاليف الرعاية بالنسبة اليه «عليه السلام». وهذا الكتاب الشريف وان صنف في فوائد الدعاء لموليننا القائم ارواحنا فداه، ولكنه موسوعة كبيرة في كل ما يتعلق به عليه السلام، مما هو مذكور في كتب الأحاديث والجوامع الكبيرة المعتمدة، ولو أسماه «موسوعة الإمام المهدي» أو «موسوعة المهدي المنتظر» لكان أيضاً بذلك جديراً، ووقع الاسم على المسمى.

فالله در مؤلفه البارع المخلص الولي الوفي لإمامه، العلامة الحجة، الآية «السيد محمد تقى الموسوى»

وعليه أجره وبره فيما تحمّل في سبيل إخراج هذا الأثر الجليل، من العناء الذي لا يعرفه إلا الأوحدي من أهل التأليف والتتقيب. فهنيئاً له لتأليف هذا الكتاب ما أكرمه الله من التوفيق الذي لا يكرم به إلا أهل الإخلاص والوفاء، وذوى النيات الصادقة، والقلوب السليمة، والمتمسكين بحبل العترة الهادية.

فأعرف يا أخي قدر هذا الكتاب وأقرأه بكل إمعان

فأنت تجد فيه كل ما تريد أن تعرفه من شؤون المهدي عليه السلام، وحياته الغالية العزيزة، وتاريخه، وسماته وصفاته. فقرأه حتى تعرف أن واجب كل مسلم أن يكون دائماً في السير والحركة، حتى يصل هو والعالم الى نقطة الكمال، ولا تقاعد، ولا تكاسل عن العمل حتى يملأ الله الأرض به قسطاً وعدلاً، كما ملئت ظلماً وجوراً. فالدعاء له يجب أن يكون عوناً للجهاد والعمل الدائب، في تحقيق أهدافه ومقاصده. فمن أتكل على الدعاء وترك العمل خاب وضلّ، ومن أتكل على العمل وترك الدعاء، كان من الخاسرين. قال الله تعالى:

(وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (1) وقال جلّ وعزّ (وَقُلْ إِعْمَلُوا فَيَسِيرَی اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ ...) (2)

و اینک نکات برجسته:

1- این کتاب، نشانه گستردگی تتبع و وسعت اندیشه آن بزرگ مرد است:

(الْكِتَابُ الَّذِي يُعْرِبُ عَنْ طَوْلِ بَاعِ مُؤَلِّفِهِ وَسَعَةِ تَتَبُّعِهِ وَتَفْكِيرِهِ)

2- کتابی است که در موضوع خود بی نظیر و ابتکاری است:

(لَمْ نَعْرِفْ لَهُ نَظِيرًا فِي بَابِهِ، وَلَمْ نَطَّلِعْ فِي مَا كُتِبَ حَوْلَ الْمَهْدَوِيَّةِ عَلَى كِتَابٍ مُفْرَدٍ فِي آدَابِ الدُّعَاءِ لِلْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفَوَائِدِهِ غَيْرَ هَذَا الْكِتَابِ)

3- مؤلف کاملاً از عهده کار بر آمده، و به درستی توانسته است همه ابعاد و زوایا و جوانب بحث را بررسی کند، و موشکافانه، تمام نکته ها و نقطه های مهم و ارزش مند را با دقت و حسن سلیقه بیان نموده است.

(وَ لَقَدْ آدَى مُؤَلِّفُهُ الْعِلَامَةُ حَقَّ التَّالِيفِ وَ التَّنْقِيبِ حَوْلَ ذَلِكَ، وَ بَيَّنَّ تَكَالِيفَ الرَّعِيَّةِ بِالنِّسْبَةِ إِلَيْهِ «عَلَيْهِ السَّلَام»).

4- این کتاب، گر چه تحت عنوان فوائد دعاء برای امام قائم (عجل الله تعالی فرجه شریف) نوشته شده، ولیکن بحث ها و أبواب آن، در همه زمینه های مربوط به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) و با توجه به همه مباحث و معارف مطرح شده در کتب احادیث، و مجموعه های بزرگ و مورد اعتماد تنظیم شده، آن چنان که اگر مؤلف بزرگوار، به جای نام «مکیال المکارم» نام کتاب را:

ص: 182

1- غافر، آیه 60

2- توبه، آیه 105

«موسوعة الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه شريف)» یا «موسوعة المهدي المنتظر» قرار می داد، که نشانه گستردگی و شمول و احاطه نسبت به همه بحث های مربوط به امام مهدی (عجل الله تعالى فرجه شريف) می بود، کاملاً بجا و به مورد، و واقع بینانه بود، و اسمی با مستی محسوب می گردید:

(وَ هَذَا الْكِتَابُ الشَّرِيفُ وَإِنْ صُنِّفَ فِي فَوَائِدِ الدُّعَاءِ لِمَوْلَيْنَا الْقَائِمِ أَوْ أَحْنَا فِدَاهُ وَلَكِنَّهُ مَوْسُوعَةٌ كَبِيرَةٌ فِي كُلِّ مَا يَتَعَلَّقُ بِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِمَّا هُوَ مَذْكُورٌ فِي كُتُبِ الْأَحَادِيثِ وَالْجَوَامِعِ الْكَبِيرَةِ الْمُعْتَمَدَةِ، وَلَوْ أَسَمَاهُ «مَوْسُوعَةُ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ» أَوْ «مَوْسُوعَةُ الْمُهْدِيِّ الْمُنْتَظَرِ» لَكَانَ أَيْضاً بِذَلِكَ جَدِيراً، وَقَعَ الْإِسْمُ عَلَى الْمُسَمَّى)

5- مؤلف عالی قدر، دارای ویژگی ها و صفات برجسته و ارزش مند معنوی و والائی هستند، و چهره ای درخشان، با اخلاص، دل بسته و وفا دار به امام زمان علیه السلام، علامه، حجة دینی و آیه الهی می باشند:

(فَقَدْ دَرَّ مُؤَلِّفُهُ الْبَارِعِ الْمُخْلِصِ الْوَلِيِّ الْوَفِيِّ لِإِمَامِهِ، الْعَلَامَةِ الْحُجَّةِ الْإِيَّةِ، السَّيِّدِ مُحَمَّدِ تَقِيِّ الْمَوْسَوِيِّ)

6- زحمات طاقت فرسا و جدیت و کوشش مؤلف برای تألیف این کتاب نفیس در آن حدی است که، به استثنای تک شماری از اهل تحقیق و تألیف، اندازه آن زحمات را نمی شناسند:

(وَ عَلَيْهِ أَجْرُهُ وَبِرُّهُ فِيمَا تَحَمَّلَ فِي سَبِيلِ إِخْرَاجِ هَذَا الْأَثَرِ الْجَلِيلِ مِنَ الْعَنَاءِ الَّذِي لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا الْأَوْحَدِيُّ مِنَ أَهْلِ التَّأْلِيفِ وَالتَّنْقِيبِ)

7- عظمت این کتاب نشان می دهد، که دستیابی به موفقیت در نوشتن چنین کتابی، فقط توفیقی الهی است، که خداوند متعال، مؤلف عالی قدر را مورد اکرام

خاصّ خود قرار داده، و بخاطر اخلاص و وفا داری، قلب سلیم، یت صادق و تمسک به عترت طاهره (که در او تبلور داشته) او را به چنین موفقیتی نائل گردانیده، و مفتخر نموده است:

(فَهَنِيأَ لَهُ لِتَأْلِيفِ هَذَا الْكِتَابِ مَا أَكْرَمَهُ اللَّهُ مِنَ التَّوْفِيقِ الَّذِي لَا يُكْرَمُ بِهِ إِلَّا أَهْلُ الْإِخْلَاصِ وَالْوَفَاءِ وَذَوِي النَّيَّاتِ الصَّادِقَةِ، وَالْقُلُوبِ السَّلِيمَةِ، وَالْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِ الْعَتَرَةِ الْهَادِيَةِ...)

8- همه مطالبی که یک علاقمند به شناخت حضرت مهدی علیه السلام در جست جویش هست، در این کتاب فراهم گردیده، و در دسترس قرار گرفته:

(فَاعْرِفْ يَا أَخِي قَدْرَ هَذَا الْكِتَابِ، وَأَقْرَأْهُ بِكُلِّ إِمْعَانٍ، فَأَنْتَ تَجِدُ فِيهِ كُلَّ مَا تُرِيدُ أَنْ تَعْرِفَهُ مِنْ شُؤْنِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَحَيَاتِهِ الْغَالِيَةِ الْعَزِيزَةِ وَتَارِيخِهِ وَسِمَاتِهِ وَصِفَاتِهِ)

آیه الله فقیه احمد آبادی: افتخار شیعه و مجتهدی بزرگ

فقیه و مرجع بزرگوار و عظیم الشان، مرحوم آیه الله، آقا سید أبو القاسم دهکردی، در ضمن یک اجازه اجتهاد بسیار جالب و ارزش مند، کلمات بسیار شیوا و پر محتوایی را در مورد آیه الله فقیه احمد آبادی به کار گرفته اند، که نشان دهنده جایگاه عظیم علمی و معنوی آن بزرگ مرد می باشد، و ذیلاً قسمتی از آن را نقل نموده، و به نکات برجسته آن اشاره می نمائیم:

(وَمِمَّنْ وَجَدْنَاهُ فِي قَرْنِنَا هَذَا، سَالِكاً مَسَلَكَ الرَّشَادِ وَنَاهِجاً مَنَهْجَ السَّدَادِ نَاشِراً لَأَخْبَارِ الْأَيِّمَةِ الْمَعْصُومِينَ، مُتَّفَقِهَا فِي الدِّينِ، جَنَابُ الْعَالِمِ الْعَامِلِ، وَالْفَاضِلِ)

الْكَامِلِ، الْجَامِعِ لِلْكَمَالَاتِ النَّفْسَانِيَّةِ، وَالْحَازِزِ لِلْمَرَاتِبِ الْإِيمَانِيَّةِ، الْمُهَذَّبِ الصِّفِيِّ، وَالْأَلْمَعِيِّ الزَّكِيِّ، أَخُونَا وَصَدِيقُنَا، الْحَاجِّ مِيرزا مُحَمَّد تَقِي، أدامَ اللَّهُ تَأْيِيدَهُ، فَإِنَّا قَدْ وَجَدْنَاهُ... صَاحِبَ الذَّهْنِ الْوَقَادِ، وَالْفَهْمِ النَّقَادِ، وَجُودَةِ الْقَرِيحَةِ، وَالسَّلِيلَةِ الْمُسْتَقِيمَةِ، خَارِجاً عَنْ ذُلِّ التَّبَعِيَّةِ إِلَى عِزِّ الْإِسْتِقْلَالِ وَبَالِغاً رُتْبَةً الْإِجْتِهَادِ... مَفْخَرًا لِلْسَادَةِ الْعُلَوِيَّةِ، إِفْتِخَارًا لِلشَّيْعَةِ الْإِمَامِيَّةِ لِأَزَالِ سَحَابٍ فَضَّ إِلَيْهِ مِمِّطَاراً عَلَى الْمُسْتَفِيدِينَ وَالْمُسْتَهْدِينَ).

1- آية الله فقيه احمد آبادی را، صاحب ذهن وقاد، وفهم نقاد، و نیکوئی قریحه، و سلیقه مستقیم و خارج از حالت پیروی به سوی عزت استقلال، و بالغ به رتبه اجتهاد، معرفی نموده است.

2- او را با عنوان: وسیله افتخار سادات علوی تبار (مَفْخَرًا لِلْسَادَةِ الْعُلَوِيَّةِ) ستوده است .

3- و در یک عبارتی بسیار جالب، با وصف افتخار برای شیعه امامیه (إِفْتِخَارًا لِلشَّيْعَةِ الْإِمَامِيَّةِ)، آن بزرگ مرد را مورد تجلیل قرار داده است.

4- اَلْقَابِي را از قبیل : (اَلْعَالِمِ الْعَامِلِ) و (اَلْفَاضِلِ الْكَامِلِ) و (الْجَامِعِ لِلْكَمَالَاتِ النَّفْسَانِيَّةِ) و (اَلْحَازِزِ لِلْمَرَاتِبِ الْإِيمَانِيَّةِ) و (اَلْمُهَذَّبِ الصِّفِيِّ) و (اَلْأَلْمَعِيِّ الزَّكِيِّ) در ستایش ایشان به کار برده است.

5- و با این که مرحوم آیه الله فقيه احمد آبادی، در زمان نوشته شدن این اجازه اجتهاد، در سنّ سی و سه سالگی بوده، و در سنّ جوانی به سر می برده است، استاد او، مرحوم آیه الله، آقا سیّد أبو القاسم دهکردی با تعبیر (أَخُونَا

وَ صَدِّقُنَا) یعنی برادر و دوست ما، از ایشان یاد نموده، و در بزرگ داشت از شاگرد مجتهد و مخلص خود، که دارای صفات و سجایای اخلاقی و معنوی برجسته ای بوده، تا به این پایه، قلم فرسائی نموده است. (1)

آیه الله فقیه أحمد آبادی، در کتب تراجم

بسیاری از صاحبان کتب تراجم، و نویسندگان معروف شیعه و سنی، در داخل و خارج ایران، در کتاب های خود، از آیه الله فقیه أحمد آبادی و آثار و تألیفات شان یاد نموده اند، که ذیلاً به مواردی که در دسترس ما قرار گرفته است اشاره می نمائیم:

1- مکارم الآثار، از معلّم حبیب آبادی، ذیل وقایع سال 1301

2- تاریخ اصفهان، از جابری انصاری، جلد 3، صفحه 53

3 و 4- الأُمّالی (مخطوط) از معلّم حبیب آبادی، صفحه 129، و مقالات مبسوطه از همین مؤلف.

5- نقباء البشر، از علامه، حاج آقا بزرگ طهرانی، جلد 1، صفحه 258

6- رجال اصفهان، صفحه 46 و 218

7- الأعلام زرکلی، جلد 6، صفحه 289

8- معجم المؤلفین، جلد 9، صفحه 131

9- مؤلفین کتب چاپی، جلد 2، صفحه 228

10- آثار التّقوی، به قلم علامه محقق، آقای حاج سیّد محمد علی روضاتی

ص: 186

1- متن کامل این اجازه اجتهاد، در مقدمه مکمال المکارم، جلد 1، چاپ سوّم، نقل گردیده است

که در مقدمه جلد دوم مکیال المکارم، چاپ دوم، به طبع رسیده است.

11- دانش مندان و بزرگان اصفهان، صفحه 217 - 218

12- شهدای روحانیت شیعه، در یک صد ساله اخیر، جلد 2، صفحه 57 - 64

13- حوزه های علمیّه شیعه، (از نویسنده این سطور)، جلد 1، صفحه 392

14- مواضع متفرّقه «الذریعة الی تصانیف الشیعه»

15- ریشه ها و جلوه های تشیع و حوزه علمیّه اصفهان (از نویسنده این سطور) جلد 1، صفحه 473 - 475 و جلد 2، صفحه 111 و صفحه 449 - 452

16- مقدمه نور الأبصار (چاپ دوم) در شرح حال مؤلف، زیر نظر فرزند ارشد مؤلف.

17- مقدمه وظیفه الأنام (چاپ دوم) در شرح حال مؤلف، به قلم مرحوم آقای حسین عماد زاده.

18- سیری در تخت فولاد، صفحه 132 - 135

یا أبا صالح المهدی عجل الله تعالی فرجه شریف

ص: 187

1- اهمیت و نقش اساسی و ارزش مند کتاب نفیس مکیال المکارم، و عظمت مؤلف آن، آیه الله فقیه احمد آبادی، از دیدگاه رجالی و کتاب شناس محقق و نام دار، حضرت حجة الاسلام والمسلمین، آقای حاج سید احمد حسینی اشکوری دامت برکاته. از حوزه علمیه قم

با کتاب «مکیال المکارم»

بسم الله الرحمن الرحيم

ظهور حضرت حجة بن الحسن، عجل الله تعالی فرجه الشریف، بزرگ ترین آمل و آخرین آرزوی «اصلاح» جویان است. تحقق عدل و داد جهانی را فقط به دست یادگار پیامبر گرامی اسلام و باز مانده خاندان نبوت می دانند. اوست که می تواند عدالت واقعی (نه ادعائی) را جامعه عمل بپوشاند، و ظلم و ستم گری را از سر تا سر گیتی بزدايد، و توده مردم بی پناه را از چنگال مستبدان برهاند.

بسیارند مدعیان «اصلاح» در جهان گذشته و جهان امروز، چه انسان هائی که داعیه «اصلاح» داشته و آشوب ها به راه انداختند، و جوی های خون جاری ساختند، ولی کاری از پیش نبردند. هزار ها نفر را از دم تیغ گذراندند، و میلیون ها مردم را به خاک سیاه نشانند، و چقدر فرزندان را بی پدر، و پدران را بی فرزند کردند. به نام «اصلاح» کردند آن چه را نباید بکنند، اما اصلاحی برقرار نکردند. و جز بد بختی و آوارگی ملت ها ثمر دیگری به بار نیاوردند.

این مدّعیان «اصلاح» را به سه دسته می توان تقسیم کرد :

گروهی جاه طلب، که فقط دنبال تاج و تخت بودند، و آخرین هدف آنان سلطه جوئی و حکم رانی بر ملّت های مستضعف بود «اصلاح» برای اینان تنها شعاری است که افکار توده مردم را منحرف کند تا به نفع مدّعیان حرکت نمایند.

گروهی دیگر آگاه یا نا خود آگاه، آلت پیش برد مقاصد گروه اوّل بودند، داعیه «اصلاح» داشتند، و برای تحقّق یافتن آن کوشش می کردند، ولی رندان دیگر از آن ها بهره می بردند، و وسیله ای برای دست یافتن به خواسته های شوم خود قرار می دادند.

گروه سوّم، با حسن نیت پای بدین وادی پر خطر نهادند، اما چون بشرند، و مانند دیگر آدمیان دارای احساسات شخصی و کمبود های فکری یا اخلاقی می باشند، و ضعف و زبونی از لوازم خلقتی آنان بوده، و در تحمّل مشکلات و راهنمایی صحیح نا توان بودند، این بار سنگین را نتوانستند به سر منزل امن و امان برسانند، و نیمه راه شانه خالی کردند. متأسّفانه این فرقه، شهادت اعتراف به عجز را هم نداشته و ندارند.

پس باید برای «اصلاح» کسی را جست جو کرد که این چنین نباشد، خالی از هوا های نفسانی و خواسته های شخصی باشد، از جاه طلبی به دور و «اصلاح» را برای اصلاح بطلبد، دارای نیروی الهی و کمک غیبی باشد، تا آثار تباهی و ستم و هر گونه فساد را از پهنه زمین بزاید، و عدل و داد و دستورات پروردگار را آن چنان که هست و باید باشد در خاور و باختر بگستراند، و حکومت حقّ الهی را مستقر سازد.

نوید ظهور چنین شخصی در تمام ادیان آسمانی آمده، و همه عالم منتظر این

آفتاب عالم تابند، که با طلوع خود تاریکی ها را از صفحه روزگار مبدل به روشنائی سازد، و با تابش نورش، محرومان و مظلومان و هر صاحب حقی را به حق خود برساند.

این انسان با قدرت کیست و باید منتظر چه کسی باشیم؟

به عقیده مسلمانان، این انسان والا، مهدی منتظر، از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است اوست که امام معصوم و مؤید به نیروی الهی می باشد، و آلوده به خواسته های نفسانی و ضعف های انسانی نیست. اوست که فقط دستور الله را اجرا می کند، و عدل واقعی را تطبیق می نماید. اوست که حق مظلومان را از ظالمان باز می ستاند و ستم را سرکوب، و پرچم عدالت را در سر تا سر جهان برافراشته می سازد. اوست که «اصلاح» را چنان که خدا می خواهد محقق می سازد. این عقیده ای است که ما از روایت ها و اخبار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت طاهرین علیهم السلام آموخته و پای بند آن هستیم.

این است که ما شیعیان دستور داریم برای سلامتی منتظر آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم دعا کنیم، برای تعجیل در ظهور آن حضرت دست نیاز به درگاه اله بریم، برای در رکاب حضرتش بودن مان استغاثه نمائیم. چنین دستوراتی در احادیث بسیار به چشم می خورد، و بر این ها تأکید شده است.

اما چگونه باید دعا کرد؟ در چه شرائطی می توانیم از خدای متعال چنین خواسته ای را بخواهیم؟ کدام ساعت و کدام روز مناسب این درخواست می باشد؟ روایاتی که در این موضوع آمده، در کتاب های علمای پیشین ما پراکنده تدوین شده، و اطلاع بر تمام آن ها برای جوینده این دسته از اخبار مشکل می نمود، و باید کاوش بسیار نمایند تا تمام روایت ها را بیابند، و شاید

از این ره گذر، اهمّیت کتاب پر ارج «مکیال المکارم» را می توانیم دریابیم احاطه و تلاش مؤلف آن را درک کنیم. حضرت آیة الله، حاج میرزا محمد تقی اصفهانی، نه تنها در کتاب خود روایت های این موضوع را یک جا گرد آورده است، بلکه ضمن أبواب کتاب، نکات بسیار جالب و آموزنده ای را به یاد آورده است، که در کتاب های دیگر نمی یابیم یا کم تر می بینیم، نکاتی که باید شیعیان و منتظران ظهور آن حضرت، آن ها را آویزه گوش سازند، و آنی از آن ها غفلت نکنند.

مؤلف محترم، در این کتاب مُبْتَكِر، از آیات قرآنی و احادیث اهل بیت علیهم السلام و أدلّه عقلی و سیره عقلا و عرف مردم، بهره برده، و در هر باب با گسترش در موضوع آن باب، به بحث می نشیند، و دقیقاً مطالب گوناگون را از هر نظر بررسی می نماید، و عالمانه از نقل ها و گفته ها و نظرات شخصی، نتیجه گیری می کند، و تا حق مطلب را آن گونه که شاید و باید ادا نکند، از آن نمی گذرد.

در این کتاب، به مناسبت فصول و أبواب آن، بحث های فراوان کلامی و فلسفی و فقهی و روائی و ادبی آمده، و بر ارزش علمی آن افزوده است.

مؤلف، گه گاه به بحث و گفت گو با بزرگان و دانش مندان و مؤلفان قدیم می پردازد، و گفته های آنان را با رعایت ادب رد می کند، و آن چه را که به نظر وی صحیح می آید ارائه می دهد.

أبواب هشت گانه کتاب، که به عدد در های بهشت است، دارای تحقیقات أرجمندی است که باید عالمان و محققان عصر ما، آن ها را با دقّت مطالعه

کنند، و نکته های علمی شایانی را از آن ها استفاده نمایند، تا بتوانند پاسخ گوی شبهاتی باشند که در این روزگار با وسایل مختلف مدرن، به اذهان ساده لوحان کم دانش رسوخ می دهند، و آن ها را سرگردان می سازند، و گاه از حق و حقیقت منحرف می کنند.

در این کتاب سعی شده است، تا فوائدی که به شخص دعا کننده می رسد، یاد آوری شود، و اثبات گردد که نتیجه دعا تنها مخصوص به حضرت حجة علیه السلام نیست، بلکه داعی نیز از دعایش بهره دینی و دنیوی می برد. پس باید شیعه هیچ گاه از دعای برای سلامتی و ظهور آن حضرت غفلت نورزد، و همیشه به یاد آن سرور باشد.

بجاست که این کتاب تلخیص و ترجمه فارسی شود (1)، و با قلمی شیوا و چاپی زیبا منتشر گردد، تا همگان بتوانند از آن استفاده کنند. نسخه عربی، مخصوص عالمان دینی است و عموم مردم نمی توانند از آن بهره گیرند.

ص: 192

1- گر چه کتاب مکیال المکارم تلخیص نگردیده، ولی به وسیله دانش مند فرزانه، حجة الإسلام و المسلمین، آقای حاج سید مهدی قزوینی، به سبک زیبایی ترجمه شده و مکرراً به چاپ رسیده است (مؤلف).

2- مکیال المکارم و جنبه های علمی و معنوی و تأثیرات دینی و هدایتی آن و نیز، عظمت و مقام آیه الله فقیه احمد آبادی از دیدگاه نویسنده دانش مند و محقق (مترجم کتاب مکیال المکارم، به زبان فارسی) حجة الإسلام و المسلمین، آقای سید مهدی حائری قزوینی دامت برکاته. از حوزه علمی قم

پیمانه نیکی ها

بسم الله الرحمن الرحيم

مکیال در لغت، پیمانه و وسیله سنجش را گویند، مکارم، جمع مکرم و مکرمه، به معنی نوازش و بزرگواری و نیکی است.

شاید مقصود امام زمان عجل الله فرجه الشریف، از این نام گذاری چنین باشد که این اثر ارزش مند، وسیله سنجش تمامی نوازش ها و نیکی هائی است که خداوند متعال به برکت دعای مداوم و خالصانه شیعیان برای تعجیل فرج و ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فدا، به آن ها عنایت می فرماید، بلکه هر گونه لطف و فیض بر اثر بکار بستن دستورات و توصیه های این کتاب (که همگی برگرفته شده از آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام است) بر سراسر جهان و همه مردمان عاید می گردد، و بلا ها و بیماری ها و ناگواری ها از ایشان بر طرف می شود.

چنان که از هنگام نیت انجام این کار و تصمیم تدوین این نوشتار برای مؤلف بزرگوار، نوازش و لطف خاص پروردگار، به دفع بیماری و با از ایشان آشکار گردید.

نکته دیگری نیز در این نام گذاری به نظر قاصر حقیر می رسد که: پیمانه ها متفاوت هستند، و هر قومی طبق فرهنگ و عادت خود پیمانه ای دارند.

ص: 193

هم چنین اهتمام به امر دعا و رعایت آداب نسبت به ولیّ خدا، به مقدار معرفت و محبّت و فرهنگ هر قومی بستگی دارد. جمعی هستند که هر روز و هر شب، چشم انتظار آن منجی یگانه، و گوهر یک دانه اند، و پیوسته به یاد آن یوسف گم گشته اشک می ریزند و ناله می کنند، و سوز و گداز آنان در تمامی حرکات و سکنات شان مشهود است. از همین روی، ألطاف و عنایات الهی و سایه سعادت حضرت بقیّة اللّهی، بر سر آنان گسترده، و از هر گوشه زندگی آنان، عطر و بوی روح نواز صاحب عصر، به مشام جان دیگران می رسد.

اما کسان دیگر، بر اثر کمی همّت و بی بهره بودن از توفیق و سعادت، دعا برای تعجیل فرج را کاری جنبی و حاشیه ای می پندارند، و از لذّت ها و فائده های بی شمار آن بی خبرند.

و از جمله مزایای عمده کتاب مکیال المکارم (که امام عصر (عجل الله تعالی فرجه شریف) آن را معیار سنجش خوبی ها نام گذارده اند) آن است که: مطالب آن، همه محکم و موزون و رسا می باشد، و هم مورد قبول دانشوران شیعی است، و هم در خور فهم عموم و قابل نشر و بیان در مجامع عمومی و مردمان عادی است، و هیچ گونه سستی و پیچیدگی در آن دیده نمی شود، و هیچ گفته بی مدرک و سند قوی در آن نیامده است.

مؤلف والا مقام، هر گفته را چنان به آیات قرآن و احادیث پیامبر و ائمّه اطهار علیهم السلام مستند می دارد، و شواهد و قرائن بر آن اقامه می کند، که هر گونه ابهام و تردید را از میان می برد.

بر خلاف بعضی از مدّعیان، که تنها دلیل گفته ها یا نوشته های شان یافته های شخصی خود ایشان است، و یا به خواب ها و ادّعای مکاشفه ها استناد می کنند، یا این که مطالب شگفت انگیزی عنوان می نمایند که، نه در نظر علمای بزرگ ثابت

و مسلّم است و نه برای عوام قابل هضم، و در نتیجه : (عرض خود برده و هم زحمت ما می دارند).

أما در کتاب شریف مکیال، اگر چه در چند مورد مناسب، خواب ها یا مکاشفه هائی نقل شده، ولی تمامی آن ها به عنوان تأیید و شاهد ذکر گردیده، و بعد از استناد به آیات و روایات آمده است، که برای نمونه یک مورد را مرور می کنیم: «مداومت در دعا برای مولای مان صاحب الزّمان علیه السلام سبب می شود که خداوند متعال انسان را در عبادت تأیید نماید. دلیل بر آن روایتی است که در عدّة الدّاعی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده، فرمودند : خداوند سبحان فرموده: هر گاه بدانم که اشتغال به من بر بنده ام غالب است، شوق و شهوتش را در سؤال و مناجات خودم قرار می دهم، و هر گاه بنده ام چنین شد، پس اگر خواست اشتباه کند بین او و اشتباه کردن حائل می شوم، حقّا که آنان اولیاء من هستند، حقّا که آنان قهرمانان اند... (1)

بیان دلالت این که: همان طور که آیات و روایات دلالت دارند، دعا از مهم ترین اقسام عبادت ها می باشد، و شکی نیست که ارزنده ترین و عظیم ترین انواع دعا آن است که برای کسی باشد که خداوند حقّش را بر تمام خلائق واجب ساخته، و به برکت وجود او فیض به همه موجودات می رسد.

و نیز بدون تردید مراد از اشتغال به خداوند، مشغول بودن به عبادت اوست، و همان است که مداومت بر آن سبب می شود که خداوند انسان را در عبادت تأیید و مدد نماید، و او را از اولیاء خود قرار دهد.

نتیجه این که: مواظبت و مداومت در دعا برای مولای مان صاحب الزّمان علیه السلام،

ص: 195

و درخواست فرج و ظهور آن حضرت از خداوند، موجب حصول این فایده عظیم می گردد. بنابراین بر اهل ایمان لازم است که، در هر زمان و مکان به این امر اهتمام ورزند.

و از اموری که مناسب و مؤید این مطلب است این که: برادر عزیز ایمانی، فاضل مؤید به تأیید سبحانی، آقا میرزا محمد باقر اصفهانی (1) (که خداوند بر بزرگیش بیفزاید، و آن چه آرزومند است به او عنایت فرماید) همین روز ها برایم نقل کرد که: شبی از شب ها در خواب (یا بین خواب و بیداری) مولایم امام همام، حضرت حسن مجتبی علیه السلام را دیدم، که نزدیک به این تعبیر فرمود: بر منبر ها به مردم بگوئید که توبه کنند، و به آن ها امر کنید که توجه کنند، و برای فرج و تعجیل ظهور حضرت حجة علیه السلام دعا نمایند، و این دعا مثل نماز میّت نیست که واجب کفائی باشد، و با انجام دادن آن از سوی بعضی از مکلفین، از سایرین ساقط گردد، بلکه مانند نماز های یومیّه است که بر تمام مکلفین واجب است آن را انجام دهند... (2)

به امید آن که شیعیان و دوستان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هر چه بیش تر از برکات این کتاب ارزش مند، و سایر مؤلفات عالم ربّانی، مرحوم آیه الله، حاج سیّد محمد تقی موسوی اصفهانی بهره مند گردند، و روز به روز، جلسات استغاثه و دعا برای تعجیل فرج «مولانا، صاحب الزّمان، ارواحنا فداه» فزونی یابد، تا این که روزگار دولت کریمه فرارسد، و دنیا از لوّث ظلم و ستم پاک گردد.

ص: 196

1- فقیه ایمانی مؤلف کتاب فوز اکبر، در توسّلات به امام منتظر عجل الله تعالی فرجه (متوفای 1370 قمری)

2- مکیال المکارم، ترجمه فارسی، جلد 1، صفحه 510-511

3- آية الله فقيه أحمد آبادی قدس سره و اثر بزرگ و جاوید شان (مکیال المکارم) از دیدگاه نویسنده کثیر التالیف و دانش مند فرزانه، حجة الإسلام والمسلمین، آقای حاج شیخ علی اکبر مهدی پور دامت برکاته، از حوزه علمیّه مقدّسه قم (1)

ستاره فروزان

بسم الله الرحمن الرحيم

در طول یک هزار و یک صد و شصت و شش سالی که از خجسته میلاد حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه می گذرد، عالمان برجسته، فقیهان شایسته، محدّثان وارسته، منتظران دل سوخته، گویندگان شیفته، و نویسندگان فرهیخته فراوانی، آثار ارزش مند بی شماری از خود به یادگار نهاده اند، که در ضمن آن ها راه و رمز پاک باختگی را به شیعیان شیفته و منتظران دل باخته آستان مقدّس ولیّ عصر ارواحنا فداه آموخته اند.

آثار مکتوب فراوانی که از این فرهیختگان به دست ما رسیده، بیرون از حدّ و شمار است، و بیان تفصیلی آن در این سطور نمی گنجد.

در این میان نام نامی، و یاد گرامی عالمی نام دار، فقیهی بزرگوار، محدّثی والا تبار، چون ستاره ای فروزان، در آسمان تالیف و تصنیف

ص: 197

1- جناب مستطاب آقای مهدی پور دامت برکاته، در مقدمه این نوشته جالب، مقاله تحقیقی بسیار مفصّل و ارزش مندی درباره اهمیت و تأثیر دعا و نیایش، از دیدگاه دین و دانش روز، تهیه و تنظیم فرموده اند، که به جهت رعایت مسائل چاپ و ملاحظه صفحات کتاب، از چاپ و نشر آن در این مجموعه، صرف نظر نمودیم و شایسته است که در آینده، به نحو مستقل به چاپ رسیده و در اختیار علاقمندان قرار گیرد

می درخشد، که از سطر سطر آثار پر بارش بوی عشق می آید، و از واژه واژه نوشتارش نسیم اخلاص می وزد.

او علامه بزرگ، محقق سترگ، آیه الله، حاج سید محمد تقی موسوی اصفهانی، صاحب اثر جاوید «مکیال المکارم» می باشد.

او که مجتهدی والا مقام بود، و از استادش، آیه الله سید أبو القاسم دهکردی، اجازه اجتهاد دریافت کرده بود، چون سربازی جان باز در دفاع از حریم حضرت ولی عصر ارواحنا فدا، دست از پا نمی شناخت، و شب و روز برای تبلیغ و ترویج معالم دین، و تلقین و تعلیم روح سوز و گداز، در دل منتظران راه و راهیان کویش تلاش می کرد، و هنگامی که نام مولی را بر زبان می راند، آن چنان هنگامه ای به پا می کرد، که آوازه آن پس از گذشت بیش از هفتاد سال، هنوز هم زبان زد خاص و عام است.

او هنگامی که از مولایش سخن می گفت، آه سوزان و چشم گریانش همگان را به شور و نوا می آورد، و آن چنان ناله و شیون از اهل مجلس بر می خاست، که گویی گروهی مادر داغ دیده دور هم جمع شده، در سوک جوان از دست رفته شان ناله سر می دهند.

مناظرات او با ارباب ادیان مختلف، و آثار قلمی بسیار دقیق و زیبایش، از علم وافر، مطالعه بسیار، و دقت نظر کم نظیرش حکایت می کند.

تأثیر شگرف او در نسل های بعد از خود، آن چنان عمیق است که می توان امواج خروشان را در نسل معاصر به آسانی لمس کرد.

او با بیان دل نشین، سخنان ژرف و متین، قلم شیوا و آهنگین خود، که پر

از دقائق علمی و لطائف فنی می باشد، دل های مستعد فراوانی را به سوی محبوب و معشوقش جذب کرده، نغمه انتظار را در خیمه زمان ساز کرده، و مردمان بسیاری را با معارف عالیّه، حقائق راقیه، به ویژه در مورد امام عصر علیه السلام آشنا ساخته است.

اوروزنه ها و دریچه هائی را که از قرن ها پیش، توسط عالمان فرهیخته و پیش تازی، چون: ابن فهد حلّی، سید بن طاووس، علامه کفعمی، شیخ بهائی، علامه مجلسی، محدث نوری و محدث قمی، به روی شیعیان شیفته و منتظران دل سوخته باز شده بود، روشن تر و شفاف تر نمود، روزنه های جدیدی را از انوار تابناک ادعیه معصومین علیهم السلام بر ویران کده تنگ و تاریک دل های مستعد باز نمود، و شاگردان شایسته و برجسته ای، سرشار از شور و هیجان، عشق بی امان، نسبت به ناموس دهر، و حجت زمان، حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا فداه تربیت نمود.

فرزندان فرزانه، و نوادگان شایسته ایشان، که همگی با زیور تقوی و فضیلت آراسته، و با سوز و گداز خاصی به دفاع از حریم ولایت و نشر و تعمیم فرهنگ انتظار اشتغال دارند، و از مفاخر حوزه های علمیّه قم و اصفهان به شمار می آیند بسیاری از موفقیّت های خود را مرهون أنفاس قدسی آن شخصیت والا مقام می دانند.

آن علامه مفضل، و محقق بی مثال، در عمر کوتاه ولی پر بار خود (که متأسفانه با روز های بسیار آشفته و مشحون از قتل و غارت و نا امنی بود) علی رغم آن همه گرفتاری، آثار ارزش مند فراوانی از خود به یادگار نهاد، که نشانه نبوغ سرشار و استعداد زاید الوصف آن بزرگوار بود، به عنوان مثال:

ایشان کتاب ارزش مند «تذکرة الطالبین» در ترجمه «آداب المتعلمین» را بنا به درخواست میرزا أحمد اُدیب جواهری، در سنّ شانزده سالگی به نظم در آورده، و به زیور طبع آراسته است. (1)

با توجه به ولادت ایشان در سال 1301 هـ- به هنگام چاپ آن کتاب بیش از شانزده بهار از عمر ایشان نگذشته بود.

وی، در هجده سالگی نیز دو اثر ادبی به رشته تحریر در آورد که عبارتند از:

1- بساتین الجنان، در معانی و بیان، که شرح عربی بر ارجوزه آقا محمد است، و در ماه صفر 1319 هـ- از تألیف آن فارغ گردیده است.

2- محاسن الأديب في دقائق الأعراب، که در چهارم جمادی الاخره همان سال تألیف آن به پایان رسیده است. (2)

با توجه به ولادت ایشان در پنجم جمادی الاولی 1301 هـ- (3) روشن می شود که اولی را در هفده سالگی، و دومی را در هجده سالگی به رشته تحریر در آورده، و این حاکی از استعداد سرشار و نبوغ فراوان آن عالم گران مایه می باشد.

چون از آثار ادبی مؤلف بگذریم، دیگر آثار اخلاقی، فقهی، تفسیری و حدیثی ایشان، چون: «تفسیر القرآن»، «کتاب المنابر»، «سراج القبور»،

ص: 200

1- نقباء البشر، جلد 1، صفحه 258

2- آثار التقوی، در شرح حال آن عالم فرزانه، به قلم محقق معاصر، علامه بزرگوار، حاج سیّد محمد علی روضاتی، که به همراه کتاب «مکیال المکارم» بطبع رسیده است.

3- نقباء البشر، جلد 1، صفحه 258

«آداب صلاة اللیل» و «أبواب الجنّات فی آداب الجمعّات»، مشحون از نغمه های انتظار و نجوا های منتظران در شب های دیجور غیبت می باشد.

اما آثار گران بهائی که مستقیماً پیرامون تکالیف منتظران در عصر غیبت آن امام منتظر نوشته، به شرح زیر می باشد :

1- نور الأبصار، فی فضیلة الإنتظار

2- وظیفة الأنام، فی زمن غیبة الإمام

3- كنز الغنائم، فی فوائد الدّعاء للقائم

4- مکیال المکارم، فی فوائد الدّعاء للقائم

کتاب شناسی توصیفی این آثار گران بها را در کتاب: «کتاب نامه حضرت مهدی علیه السلام» آورده ایم، در این جا تکرار نمی کنیم، فقط اشاره می کنیم که کتاب گران سنگ «مکیال المکارم» از برجستگی خاصی برخوردار است، و چون ستاره ای فروزان در آسمان تألیف و تصنیف می درخشد.

مؤلف بزرگوار در این کتاب کاملاً ابتکاری و استثنائی خود، صد ها حدیث مستند از منابع معتبر، پیرامون ضرورت شناخت حضرت بقیة الله، ولادت، غیبت، ظهور، انتظار، سیره و دیگر شئون مربوط به آن حضرت را آورده، و بیش از 120 علت و انگیزه برای لزوم دعا برای آن حضرت، به ترتیب حروف الفبا بیان کرده، آثار و فوائد دعای به آن حضرت را در ضمن 90 فصل به رشته تحریر در آورده، بیش از یک صد دعای مأثور از امامان معصوم علیهم السلام برای عصر غیبت و دوران حیرت نقل کرده، که

بی گمان چنین کتابی با این جامعیت در طول غیبت کبری در این موضوع تألیف نشده است.

برای ارزیابی و بیان ویژگی های کتاب ارزش مند «مکیال المکارم» فرصتی دیگر لازم است، و حقّ صاحب مکیال با این گفته های پریشان ادا نمی شود، ولی از باب «ما لا یدرک کله لا یتَرَک کله» برای امثال امر دست اندر کاران تهیّه و تنظیم این اثر، و اعتراف به عجز، این سطور در سفر، و بدون دسترسی به منابع و مآخذ، قلمی گردید، به این امید که در فرصتی مناسب، مقاله مبسوطی پیرامون این اثر جاوید، و عظمت بی نظیر مؤلف بزرگوار آن، در حدّ توان به رشته تحریر در آمده، به عاشقان کوی و راهیان راه حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه تقدیم گردد.

17 ربیع المولود 1421 هـ - حوزه علمیّه قم علی اکبر مهدی پور

(اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا)

ص: 202

4- آیه الله فقیه احمد آبادی، صاحب اثر بزرگ و نورانی «مکیال المکارم» از دیدگاه خطیب دانش مند و نام دار، و دل سوخته امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف)، حجة الاسلام والمسلمین، آقای حاج شیخ محمد حسن یوسفی دامت برکاته از حوزه علمیّه و شهر مقدّس مشهد الرضا علیه السلام

آیه الله فقیه احمد آبادی، مورد رضایت خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) و پرچم دار بزرگ مکتب انتظار

بسم الله الرحمن الرحيم

(قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَعْظَمُ جِهَادِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَحَبُّ الْعِبَادَةِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ)

انتظار از ماده «نظر» به معنی نگاه کردن، آن چنان نگاهی که به معنی توجه قلب به سوی محبوب یا مطلوب، به جهت ادراک آن است. و چون یکی از معانی باب افتعال، استعمال فعل به نحو تمام و کمال است، پس اگر بخواهیم توجه قلبی به سوی محبوب و مطلوب به گونه تام باشد، که جای هیچ توجهی به غیر در قلب ناظر نماند، و فقط و فقط، توجه به محبوب یا مطلوب باشد، آن را به باب افتعال می بریم، و از آن با عنوان «انتظار» یاد می نمائیم.

انتظار اگر در مورد امام زمان، بقیة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) باشد، و انسان منتظر، اگر منتظر آن حضرت باشد، آن چنان که توجه او به امامش، به گونه ای باشد که او را از توجه به غیر منصرف نماید، به عالی ترین مرحله عبادت و عمل صالح دست یافته است، زیرا هدف عالی تکوین و خلقت، انتظار است، و وصول

ص: 203

انسان به مرتبه توجّه تامّ به مولی صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه شریف)، چه این که توجّه به او توجّه به خدا، و راهی برای توجّه تامّ به خدا، جز توجّه به امام عصر نیست، (مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَاءَ بِكُمْ وَمَنْ وَحْدَهُ قَبْلَ عَنُكُمْ) و انتظار فرج آن حضرت، مطابق صریح روایات، افضل اُعمال، و محبوب ترین نوع عبادت و بندگی در پیش گاه پروردگار، بلکه بزرگ ترین جهاد امت اسلامی است، و به همین جهت تلاش و کوشش در مسیر ایجاد روح انتظار در جامعه، به وسیله تعلیم انتظار، ترویج انتظار، ابراز و اظهار حال انتظار (از طریق اُسباب مُبرِزه آن) برترین جهاد و تلاش در بستر ادیان الهی است.

با توجّه به نکات یاد شده، ارزش معلّمین بزرگ انتظار، در طول تاریخ غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه شریف) آشکار می گردد.

آری شخصیت ها و مردان بزرگی که یاد و خاطره امام زمان، مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه شریف) را زنده نگاه داشته، گاهی با تألیف و نشر کتاب هائی برجسته، و زمانی با بیان و خطابه، و در فرصتی، با حرکات و سکنات (از قبیل تشرّفات و توسّلات) و در شرایطی دیگر، به وسیله استدلالات علمی و عقلی، به این امر بزرگ و مهم پرداخته اند، همه و همه از برجسته ترین شخصیت های تاریخ بشریت، و از برترین چهره های علمی و دینی جهان اسلام می باشند.

شخصیت هائی از قبیل: «شیخ صدوق»، «شیخ مفید»، «شیخ نعمانی» «سید بن طاووس»، «علامه حلّی»، «مقدّس اردبیلی»، «سید بحر العلوم»، «شیخ اعظم أنصاری» و ...، رضوان الله تعالی علیهم، و در قرون اخیر، بزرگانی هم چون: «آیه الله فقیه أحمد آبادی» و «آیه الله آقا میرزا محمّد باقر فقیه ایمانی» و ...، از پرچم داران این حرکت،

و از معلّمین بزرگ مکتب انتظار می باشند.

و از آن جا که از آثار، می توان به عظمت مؤثر پی برد، و در میان آثار مؤلفین بزرگ، در بحث مهم و حیاتی انتظار، کتاب «مکیال المکارم» (که به دستور صریح امام زمان علیه السلام تألیف و نام گذاری گردیده است) از بهترین کتاب ها به شمار می رود، به خوبی به عظمت و شخصیت مؤلف بزرگ آن (مرحوم آیه الله، آقا سیّد محمد تقی موسوی قدس سره) پی می بریم، و به مقام و منزلت علمی و معنوی آن بزرگ مرد آگاه می شویم.

آری، شاید تنها کتاب درسی موجود در زمینه مباحث مربوط به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف)، که قابل تدریس در حوزه و دانشگاه باشد، و در موضوع مهدویت، خصوصاً، در بحث انتظار و نشانه های آن، علائم منتظر و وظائف آن، فوائد انتظار و نتایج دعا برای امام عصر (عجل الله تعالی فرجه شریف) و فرج آن حضرت، به شکلی علمی و تحقیقی، و مناسب برای تدریس، تألیف شده باشد، منحصرأ همین کتاب باشد.

ما، در میان کتب مؤلفین، در باب انتظار و کلیّه مباحث مربوط به مهدویت، از جهت سبک تحقیق، و روش دسته بندی مطالب، و نتیجه گیری خاص، هنوز به جامعیت، و عظمت، و احاطه بر مباحث، و استنباط از احادیث متنوع، و ظرافت خاص در استخراج و استنتاج مطالب، و تنوع در استدلال های عقلی و نقلی، و توجه به نکته های برجسته، به کتابی همانند این تألیف ارزش مند، دست نیافته ایم.

در این کتاب، در موضوع وظائف شیعه در زمان غیبت، و خصوصاً در مسأله دعا برای فرج امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) (که در حقیقت از اسرار بزرگ، و حاوی فوائد بی نظیر، در طریق ترقی و تعالی و تکامل سریع انسان، و در مسیر وصول

به بالا ترین رتبه های کمال بشر می باشد) بحث هائی جالب و بسیار ارزش مند، عرضه شده است .

روحیه انتظار با کیفیتی خاص، در این مرد بزرگ وجود داشته، که همه تألیفات او را به رنگ انتظار رنگین کرده است. وی در هر موضوعی که کتابی تألیف نموده، به شکلی آن را به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) و موضوع انتظار، ارتباط می دهد، و گویا نمی تواند ترک کوی یار کند، و یا در جای دیگری آشیانه نماید و این همان مفهوم انتظار حقیقی است، که قلب منتظر آن قدر متوجه و مشغول به محبوب می باشد، که جائی برای اشتغال به غیر در آن باقی نمانده است.

مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی، از بزرگان خاصّ الخاصّ مکتب انتظار است، یعنی اگر شیعیان را در مسأله ایمان به مهدویت و شئون آن، درجه بندی نمائیم، ایشان از بالا ترین درجات ایمان در این زمینه برخوردار می باشند.

آری، پیروان مکتب تشیع در زمینه توجه به امام عصر علیه السلام و انتظار ظهور، و کوشش برای تحصیل رضایت آن حضرت، و در مورد یاری رساندن برای اجرای منویات آن عزیز، مرتبه های گوناگونی دارند. گروهی فقط در این حدّ که او امام دوازدهم آن هاست به او معتقدند، و دسته ای در انتظار او به نحو عام می باشند، و هیچ عملی که گویای انتظار باشد از آن ها سر نمی زند، و گروهی فقط در مشکلات زندگی به او توجه بیش تری پیدا می کنند، و یا برای رسیدن به درجات عالیه، به او متوسّل می شوند، و در واقع، در هنگام گرفتاری، آن عزیز را می شناسند، ولی برخی گویا وجود آن بزرگوار را در عمق جان خود احساس می کنند و با او از دل و جان در ارتباطند، و انس دارند، و به یاد او آرام می گیرند، و بی تابانه در فراق او می سوزند. مشتاق اویند و شبانه روز با یاد او

به سر می برند، و همان گونه که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می فرمایند:

(يَحْزَنُ لِفَقْدِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَتَبْكِي عَلَيْهِ عُيُونُ الْمُؤْمِنِينَ)

محزون و گریانند، و گاه ناله های بلند سر می دهند، و همانند مولای شان امیر المؤمنین علی علیه السلام که بر فراز منبر شهر بصره ناله سر دادند و فرمودند: آه، آه، شَوْقاً إِلَى رُؤْيَيْتِهِ

می نالند و اشک غم می ریزند، و در فراق آن حضرت، همانند شمع می سوزند و گاهی از این مرحله عبور نموده، و از خود و خودیّت گذشته، و حتی برای جدائی و فراق خود از آن حضرت، غمی ندارند، و غم و درد شان، هم و غم اوست. نگران ناراحتی های امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) و غم زده غصّه های دوران غیبت اویند، و بر اساس این دعا که:

(اللَّهُمَّ خَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ)

برای نجات و خلاص مولای شان، به دنبال برنامه ریزی، و در صدد اقدام و کوششی مؤثر هستند. و علاوه بر اصلاح و تزکیه نفس خود، و کوشش برای اصلاح و ساختن محیط پیرامون، و یا تحت تسلط و ولایت خود، در حال تلاش و تکاپو برای رسیدن جهان به دوره ظهور مولای شان، و رهائی و خلاص «یوسف زهرا علیها السلام و عزیز آل محمد علیه السلام» به سر می برند، و در صدد راه یافتن به برنامه هائی بزرگ و جهانی، برای آماده شدن جامعه بشری برای حکومت جهانی و الهی آن مصلح کل می باشند. این منتظران از خود گذشته، در راه رسیدن به اهداف بزرگ یاد شده، از پیش خود برنامه ای ارائه نمی کنند، بلکه سعی و تلاش آن ها (در گفتار و نوشتار شان) راهنمایی و معرفی راه هائی مطرح شده از طریق وحی می باشد، که با الهام از قرآن مجید و اخبار و احادیث

واصله از ناحیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام راه های حل مشکل غیبت را جست جو نموده، و به جامعه بشریت ارائه نمایند.

بدون تردید، مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی قدس سره از شخصیت های بزرگ این دسته از منتظران می باشند، و کتاب ایشان (مکیال المکارم) سندی بزرگ بر ادعای یاد شده می باشد.

این کتاب، دلیل بزرگی بر احاطه علمی این بزرگ مرد، بر آیات قرآنی و جمیع أبواب احادیث، و نیز سندی بر تسلط او بر فقه و اصول و تفسیر و رجال و سایر علوم اسلامی، و شاهی زنده بر تبخر او در بهره گیری از تمام أبواب علوم و مدارک و منابع دینی، برای بیان فوائد دعا برای فرج امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف)، و دلیلی قاطع بر موشکافی او در زمینه دست یابی به راه های گوناگون رسیدن به آن هدف بزرگ، یعنی حل مشکل غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه شریف)، و بر طرف نمودن غم های دل آن حضرت می باشد.

آن بزرگ مرد، در کتاب مکیال المکارم، با بیان و تشریح راه های صحیح برای تربیت انسان ها، و تهذیب شیعیان، و نیز ارائه وظائف فردی و اجتماعی پیروان اهل البيت علیهم السلام، در زمان غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف)، و زمینه سازی برای فرج و ظهور موفور السرور آن حضرت، نشان داده است که، وجهه همت آن بزرگ منتظر سوخته دل، تنها و تنها، تحقق منویات و مقاصد عالیّه مولایش

حضرت بقیة الله الأعظم علیه السلام

بوده، و مقصد او منحصرأً، رسیدن به دوره ظهور، و نیل به آرمان مقدس همه انبیاء و اولیاء، یعنی فرج حقیقی برای عالم بشریت به وسیله

فرج قائم آل محمد علیهم السلام

بوده است، و به خوبی می توان دریافت که او، در زمره برجسته ترین منتظران فرج بوده، و اندیشه و فکر و ذکر او، فقط و فقط، در اطراف مسأله ظهور قطب عالم امکان، عقل کل و عشق کل، و کلّ عشق، دور می زده است.

روش و سیره علمی و عملی، و برنامه های تحقیقی و تألیفی این بزرگ مرد، و حتی شکل تربیت اولاد و نسل منتظر او، حجت بر همه اهل علم و علماء شیعه، و آن ها که به نحوی، رهبری و هدایت ایتام آل محمد علیهم السلام را بر عهده دارند، می باشد.

برای ما به تجربه ثابت شده است که علماء نورانی، که منتظر حضرت بقیه الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) بوده اند، و در زمره سوختگان آن حضرت به شمار می روند، و هم و غم آن ها، متوجه رهبری شیعه به سوی امر ظهور، و سعی و تلاش برای برنامه ریزی جهت تعجیل و تحقق فرج ولی عصر (عجل الله فرجه شریف) بوده است، صاحب برکات و فیوضات گسترده، و دارای تأثیر نفس و نفوذ کلام بوده اند، و پناه گاهی برای جامعه شیعه به شمار می رفته، و در زندگی مادی و معنوی شیعیان و پیروان مکتب اهل البیت علیهم السلام، نقشی اساسی بر عهده بر عهده داشته اند، و در تأمین سعادت و موفقیت آن ها، پرچم داری بزرگ بوده اند.

آیه الله فقیه احمد آبادی، نمونه ای برجسته از این نوع از علماء ربّانی و نورانی بوده اند، و در شهر مذهبی و در حوزه علمی اصفهان، با وجود علماء بسیار و رجال علمی نام دار، مورد توجه شدید مردم با ایمان بوده، و به استجابت دعاء، و تأثیر کلام و نفس مشهور بوده اند، و به خاطر تشرّفات مکرر شان به محضر مولای شیعیان، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) (در بیداری و در عالم خواب) از نورانیتی ممتاز و اعتباری ویژه، و تأثیری برجسته، برخوردار

بوده اند، و مردم مخلص و پای بند به اعتقادات دینی، عریضه های ایشان را به محضر ولیّ عصر (عجل الله تعالی فرجه شریف) دارای تأثیری شگفت، و برکاتی شگرف می شناخته اند.

آن بزرگ مرد، علاوه بر استفاضه های علمی و معنوی از اقیانوس بی کران برکات قطب دائرة امکان، حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه شریف)، در توسّلاتی که برای حوائج شخصی خود، به ذیل عنایت آن حضرت داشته اند، به کامیابی و کامروائی می رسیده، چنان چه خود فرموده اند :

زمانی، گرفتاری مالی شدیدی داشتم، در ماه رمضان به آن حضرت و پدران شان متوسّل شدم، تا این که روزی بعد از نماز جماعت صبح، در عالم رؤیا، آن حضرت بر من تجلّی نمودند، و در کلامی دل نشین فرمودند:

قدری باید صبر کنی تا از مال خاصّ دوستان خاصّ خود بگیریم و به تو برسانیم.

پس مدّت زمان کوتاهی گذشت، و یکی از برادران دینی، که به صلاح و درستی او را می شناختم، و از او نسیم راحتِ دل استشمام می نمودم، به نزد من آمد، و پولی به من داد، که همه قرض ها و بدهی هایم را اداء کردم، و در هنگام پرداخت آن مبلغ گفت: این از سهم امام علیه السلام است.

از برجسته ترین نقاط روشن و نورانی در حیات علمی و تحقیقی صاحب مکیال المکارم این است که، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) که آگاه بر همه افکار و سلیقه ها، و محیط بر کلّ عقل ها و اندیشه ها، و مسلّط بر کلّ قلم ها و زبان ها هستند، فکر و اندیشه، تحقیق و تألیف، و قلم و نگارش مرحوم آیه الله فقیه أحمد آبادی را پسندیده، و کتابی را که مورد عنایت آن حضرت بوده (که درباره فوائد دعاء برای حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه شریف) و فرج آن حضرت نوشته شود)

تألیفش را بر عهده این بزرگ مرد گذارده، و دستوری نورانی صادر فرمودند که:

این کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام او را بگذار مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم

و بر اهل معرفت و بصیرت دینی و الهی واضح است که، پسندیدن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) تفکر و اندیشه و تألیف و نگارش یک عالم، و صحه گذاشتن بر تحقیق و تألیف او، و امر به اجرای عملی آن چه در فکر او است، به مراتب بالا تر از تشرّف، و اعطای یک خواسته مادی، یا رفع گرفتاری، و یا ملاقات حضوری به محضر آن حضرت است، و اصلاً چنین مقامی با انواع تشرّفات دیگران قابل مقایسه نیست، بلکه این پسندیدن و صحه گذاشتن، تأیید نوع تفکر، و سیره و روش آن عالم است، و حتی این نوع از دستور دادن و تأیید نمودن، افضل است از آن چه برای شیخ المحدثین و رئیس الشیعه، «محمد بن علی بن بابویه قمی» معروف به (شیخ صدوق) اتفاق افتاده، و از ناحیه مقدسه حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه شریف) برای آن بزرگ مرد دستور صادر شده که: (کتابی بنویس مشتمل بر غیبت انبیاء، و غیبت های انبیای گذشته را در آن ذکر کن) تا مسأله غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه شریف)، برای شیعیان حل گردد، زیرا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) با توجه به فکر نورانی صاحب مکیال المکارم، که خود به خود، و فی حدّ نفسه، روح انتظارش و عشق و محبتش او را وادار به فکر چنین تألیف بدیعی نموده، امر به اجرای آن اندیشه و به انجام رسانیدن آن تألیف می نمایند، و این نوع از دستور، تفاوت دارد با دستوری که به شیخ بزرگوار (مرحوم شیخ صدوق) داده شده است، همانند تفاوت دستوری که به نوکری تیز هوش و خودکار داده می شود، که قبل از دریافت دستور آقای خود، در فکر مصالح و مقاصد

و منویات درونی مولای خود می باشد، و طرحی مفید و برنامه ای ارزش مند در نظر می گیرد، و آقای او طرح او را تأیید نموده، و دستور اجرای آن را می دهد، و دستوری که به نوکری منتظر فرمان، که از پیش خود طرح بدیعی در مصالح مولایش ندارد، داده شده، و از او خواسته می شود که برنامه ای را انجام دهد، و طرحی را که از طرف مولی ارائه می شود، به اجرا گذارد.

هدف از این مثال تضعیف و سبک شمردن مقام و منزلت شخصیتی برجسته و عظیم الشان و وجیه عند المولی، همانند: رئیس المحدثین، شیخ صدوق رضوان الله تعالی علیه نیست، که عمر پر برکت خود را در حفظ و نشر آثار و علوم اهل البيت عليهم السلام صرف نموده، و مورد لطف و عنایت خاص حضرت بقیة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) بوده است، بلکه منظور ما بیان و تشریح افضلیت نوع خیر خواهی و دل سوزی خاص صاحب مکیال المکارم است، که در بُعدی از ابعاد گسترده امور متعلق به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) تجلّی یافته، و مورد عنایت آن حضرت قرار گرفته است.

و در یک جمله، انسان احساس می کند که صاحب «مکیال المکارم»، از جمله کسانی است که زندگی و تفکر و حرکت علمی و عملی آن ها مورد رضایت خاص حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه شریف) می باشد، و رضای او رضای خدا، و نتیجه رضای خدا، کلام سراسر لطف و مهر اوست که می فرماید:

(يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتِي)

و در پایان، ضمن اعتذار به خاطر این که خود را لایق اظهار نظر درباره شخصیت های بزرگ مکتب انتظار، و علماء نورانی عالم تشیع نمی دانم،

معروض می دارم که، در اثر اصرار یکی از اسباط مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی قدس سره تصمیم گرفتم که، در جوار بارگاه ملکوتی و نورانی حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، با نگارش سطور گذشته، عرض ادبی به ساحت مقدس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف)، و دل باخته و فدائی آن حضرت، مرحوم صاحب مکیال المکارم قدس سره بنمایم، امیدوارم که مورد قبول آستان مقدس شان قرار گیرد.

(حوزه علمی مشهد مقدس)

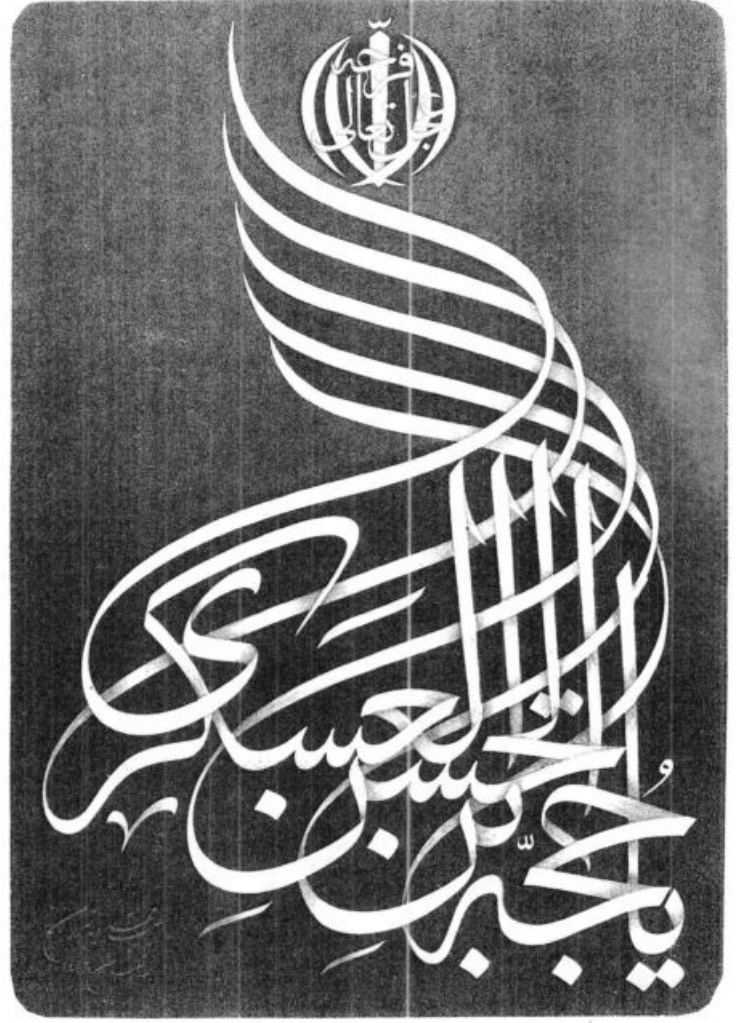
ایام شهادت مظلومه شهیده، حضرت فاطمه زهراء علیها السلام

(فاطمیه 1421 قمری)

محمد حسن یوسفی

یا حجة الحسن العسکری عجل الله تعالی فرج شریف

ص: 213



علم و اجتهاد، و ذوق و ادب، و ایمان و اخلاق آیه الله فقیه احمد آبادی، نه تنها علماء و دانش مندان، فقهاء و زعمای دینی و علمی را تحت تأثیر قرار داده، و به تحسین و إعجاب، و تمجید و إکرام و داشته است، بلکه شعراء و سرایندگان با فضیلت را به میدان سپاس و ستایش، و تکریم و تحسین آورده، و آن ها را که ذوق و هنر، و شعر و ادب شان را در خدمت اولیاء دین و پیشوایان حق و حقیقت قرار داده اند، به سرودن اشعاری نغز و دل پذیر، و برخاسته از دل و جان، و آمیخته با عشق و اخلاص، درباره این فدائی و دل باخته امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف)، و داشته است و در این بخش، سروده هائی که تا زمان تنظیم صفحات کتاب، به دست مان رسیده، به ترتیب زمان وصول، به محضر علاقمندان تقدیم نموده، و از شعرای عالی قدری که سروده آن ها، بعد از این زمان به دست ما رسیده یا می رسد، صمیمانه عذر خواهی می نمائیم، و از این که مؤفق به درج و چاپ اشعار آن ها نشده ایم، متأسف می باشیم/

1- سروده شاعر نام دار معاصر، استاد سخن، آقای علی شیرانی «صحت» در ستایش و بزرگ داشت مجتهد و محقق شهید، مرحوم آیه الله، آقا سید محمد تقی موسوی فقیه احمد آبادی قدس سره، به مناسبت تأسیس بقعه عظیمی بر مزار شریف آن بزرگ مرد، و اشاره ای به دیدار ایشان در عالم رؤیا با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

ناز کن بر خویش ناز ای اصفهان *** ای لب لب خاکت از نام آوران

ای بهارستان بهارستان راز *** سر زمین روشنت آئینه ساز

ای نبوغ روشنانت بی نظیر *** عارفانت پاک دل، روشن ضمیر

از توبس مردان حق بین خاسته *** نیک سیرت، پاک آئین خاسته

مرد حق چون «موسوی» «سید تقی» *** «احمد آبادی» فقیه متقی

آن که آثارش چو گنج پر بهاست *** هم چو مکیال المکارم کیمیاست

آن که بیند آفتابی را بخواب *** آن که می گوید سخن با آفتاب

آن که از خورشید، روشن می شود *** از بهارش سینه گلشن می شود

ص: 218

آن که سیر آسمان عشق کرد *** رو به سوی کهکشان عشق کرد

آن که بوسید آستان نور را *** خوش رقم زد داستان نور را

آن که مست فیض شد در بزم دوست *** مستی اش در جلوه از این شعر اوست

«اگر همی جوئی وصال یار را *** کن برون از قلب خود اُغیار را»

راه پاک اوست راه اهل دل *** بقعه او، قبله گاه اهل دل

روح پاکش تا ابد مست سرور *** غرق نور آرام گاهش، غرق نور

2- سروده شاعر ادیب و نام دار، استاد محمد علی صاعد، سرپرست انجمن ادبی صائب، درباره عظمت و شخصیت والای علمی، و مقامات بلند معنوی آیه الله، آقا سید محمد تقی موسوی فقیه احمد آبادی قدس سره

به هر کس لطف حق دارد عنایت *** کند سیرایش از جام ولایت

محبت دانه افشانند به هر خاک *** زند سر گلبش برتر ز افلاک

ص: 219

اگر لطفی است در مینای عشق است *** اگر شوری است در سودای عشق است

به کوی عشق اگر پا رفت در گِل *** رسیده بار عاشق خوش به منزل

ولایت چون چراغ دل فروزد *** خس و خاشاکِ آرایش بسوزد

شود دل لایق لطف الهی *** شود تن در خور تشریف شاهی

ببندد نقش جانان، نقش در دل *** نشیند جان به جانان در مقابل

ز هر آفت شود آن سالک ایمن *** که جانش را نماید رهبر تن

ز سر تا پا نیاز و ناز گردد *** ز هر ره جز ره حق باز گردد

چو بندد دل به آن نور یگانه *** شمارد هر چه جز او را فسانه

عروس بخت بر او رو نماید *** در دولت به روی او گشاید

شود بستان ذوقش سبز و شاداب *** شود خورشید عشق او جهان تاب

به هر سو رو کند طور است آن جا *** بهر سو بنگرد نور است آن جا

مپنداری که این راهی است آسان *** که باید چشم پوشی از تن و جان

تو هر دم از علایق بر کنی دل *** همان دم، می رسد بارت به منزل

بلی گر بگذری از خود چو مردان *** توانی ره بری بر کوی جانان

نه هر کس را بدین منزل گذار است *** که رنج راه یزدان بی شمار است

اگر از جان خدا را بنده باشی *** چو شمع آسمان تابنده باشی

نگر آنان که این ره طی نمودند *** چسان گوی سعادت را ربودند

زهی توفیق السّید محمّد *** فقیه هوش مند آل أحمد

تقیّ الموسویّ الإصفهانی *** ملاذ و ملجأ عالی و دانی

ادیب و شاعر و اهل کرامت *** خدوم مخلص خطّ امامت

که با تألیف مکیال المکارم *** حیازت کرد انواع مکارم

زهی توفیق این مرد الهی *** که بر تبت دهد فعلش گواهی

فروغ ایزدی در سینه اش بود *** منور از صفا آئینه اش بود

شراب وصل در پیمانه را داشت *** برات صحبت جانانه را داشت

به یاد چشم جانان دائماً مست *** همه شب یک حدیث تازه در دست

هماره یاد مهدی داشت در یاد *** در اندوهش غمین، در شادیش شاد

دعای ندبه دائم بر لب او *** ز هجرش گریه کار هر شب او

به یاد او تمام شب سحر خیز *** همه شب جام او از فیض لب ریز

همه کارش عجین با آشک باری *** همه عمرش قرین با بی قراری

دعایش بر لب و در سینه اش آه *** امیدش متکی بر فرج الله

به تعجیل ظهور صاحب عصر *** هماره خواست از حق یاری و نصر

برای درک والای زعامت *** پی تشریف و تحکیم امامت

ز قرآن و حدیث آن سان که می بود *** به مکیال المکارم درج فرمود

که هر کس طالب خیر و صلاح است *** حقیقت خواه و مشتاق فلاح است

در این مجموعه خیر خویش جوید *** طریق رستگاری را بیوید

وز این تألیف بی مانند و یکتا *** فراهم کرد زاد و توش فردا

ز «صاعد» بر روانش آفرین باد *** به الطاف خداوندی قرین باد

3- سروده شاعر گران قدر و مخلص، آقای سید محمد حسن صفوی «قیصر» درباره علم و اجتهاد، و فضائل و مکارم، و تقوی و کرامات، و ینش و کوشش فقیه شهید، آیه الله، سید محمد تقی موسوی فقیه احمد آبادی رضوان الله علیه

شی در محفلی فرخنده منظر *** ز نور عالمان دین منور

که نقل محفل روحانیون بود *** سخن هائی به غایت روح پرور

سخن می رفت از مردان فاضل *** ادیبان سخن سنج و سخنور

بزرگان کمال و علم و دانش *** همه صاحب کتاب و اهل منبر

به نقل از عالمی فرزانه دادند *** بسی داد سخن نیکان محضر

ص: 223

کہ بود آن دُرّ دریای معانی؟ *** کہ علمش کردہ دل ہا را مسخر
 کہ بود آن صاحب علم و کرامات؟ *** کہ بود آن نیر تابندہ اختر؟
 کہ بود آن گوہر بحر تشیع؟ *** کہ بود آن دین حق را زیب و زیور؟
 فقیہ احمد آبادی، محمد *** تقی الموسوی، از نسل حیدر
 عزیزی از تبار آل یاسین *** ز سادات جلیل القدر و بافر
 سہی سروی ز نسل پاک احمد *** فقیہی حامی شرع پیمبر
 یگانہ عالمی، یکتا حکیمی *** ادیب و فاضل و فحل و سخنور
 فروزان مشعلی در کاخ حکمت *** درخشان اختری در برج خاور
 دَری ز ابواب شہر علم و دانش *** دُری والا تر از صد گنج گوہر
 دم او افضل از خون شہیدان *** مدادش روح بخش و روح پرور
 دہانش عاشقان را چشمہ نور *** کلامش تشنگان را آب کوثر
 مرادش حضرت صاحب زمان بود *** امامش بود آن محبوب داور

که تألیفات او بسیار باشد *** چو «مکیال المکارم» گنج گوهر
اُبر مردی که در زهد و کرامات *** ز دانش پروران دادگستر
ز تقوی و ز اخلاص و ارادت *** ربوده گوی سبقت را مکرّر
بود آن اُشرف الشّمسِ مشارق *** که لطف خاصّ حقّش بود یاور
مزارش تخت فولاد صفاهان *** لسان الأرض با جنّت برابر
سزایش بقعه ای و بار گاهی *** بود آن مقتدای پاک گوهر
بلی آن حامی شاه ولایت *** سپهر معرفت، ماه منوّر
به راه حق فدا شد جان پاکش *** بشد محشور با جدّش پیمبر
در این سیر و سلوک عارفانه *** ز اُلطاف خدای حیّ اکبر
دلیل راه ما شد «حجّة الله *** جناب اُبطّحي» میر مظفّر
به معروف و معرّف، تا به محشر *** درود و تهنیت باشد ز «قیصر»

4- سروده شاعر گران مایه، استاد محمد حسین سرور اصفهانی، صاحب دیوان «گل بانگ سرور» درباره شخصیت و عظمت، و علم و دانش، و مقامات علمی و معنوی آیه الله موسوی فقیه احمد آبادی قدس سره

به دانش فروزش گر (1) اجتهاد *** به گوهر یکی سید پاک زاد

محمد تقی، مرد تقوی مآب *** به کوشش، معرف به عرفان ناب

به بر داشته کسوت معنوی *** که او را بود سیره موسوی

که دائم ز تحریر و سعی بنان *** بر انگیخت تعریف از هم گنان

نوشتند افراد آئین مدار *** که او بود علامه روزگار

بگفتند پیوسته اهل مقال *** که قولش قوی بود و فعلش کمال

مدد کرد اندیشه جایش *** که جنبد به کف خامه کاریش

همی جوبه میزان «مکیال» او *** «مکارم» که باشد به شخص آبرو

ص: 226

1- فروزش گر = روشن کننده

به یک دفتر آن گه که مطلب نوشت *** گشوده است او هشت (1) باب بهشت

به شعر شعور آفرین مایه دار *** «بساتین» (2) او روح سبز بهار

به نام آوری فخر أسلاف خویش *** به تألیف و تصنیف، از پیش، بیش

مگر عُرفِ آئین دهد امتداد *** هم از مغز اندیشه دارد مداد

چو فیض تهجد شدش دست گیر (3) *** به تألیف زد دست طفل صغیر (4)

چنان داد دل را به تألیفِ سبز *** که تن زیب یابد ز تشریف سبز

چوره در بلندای شان داشته است *** تقرب به قطب (5) زمان داشته است

ص: 227

1- اشاره به کتاب شریف «أبواب الجنّات فی آداب الجمعّات» می باشد، که به مناسبت هشت در بهشت، دارای هشت باب است

2- اشاره است به کتاب «بساتین الجنان»

3- یکی از خواصّ سحر خیزی و تهجد این است که نور معرفت در دل انسان می تابد، و در وقت سحر، نسیم های رحمت برای متهمّدان وزیدن می گیرد (به سراج القبور، صفحه 175 و صفحه 180 از تألیفات صاحب مکیال مراجعه شود).

4- اشاره است به این که، این بزرگ مرد، از سنّ کودکی دست به تألیف کتاب زده است

5- منظور از قطب زمان، امام زمان حضرت بقیّة الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) می باشند.

ز افکار جوشان و گفتار وی *** به فضل سترگش توان برد پی

ضیافت گه حق چو بودش مقام *** به پیوست بر او به ماه صیام (1)

چو با صاحب الامر پیوسته بود *** «سرور» این سخن از ارادت سرود

5- سروده شاعر مخلص با ولایت، آقای دکتر سید مهدی ایزدی (حکیم) درباره دل باخته و فدائی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) مرحوم آیه الله، فقیه احمد آبادی قدس سره

ای بزرگ دین که «مکیال المکارم» ساختی *** تا بدان جائی که جان در راه جانان باختی

ای اسیر بند عشق یوسف زهرای پاک *** ای که بر صاحب زمان عمری به جان پرداختی

ای که در بیداری و در خواب، دیدی حضرتش *** سر به پیش پای او از جان و دل انداختی

ای نگهبان ولایت، در طریق عشق دوست *** خوش درخشیدی در این ره، نیک مرکب تاختی

ص: 228

1- اشاره است به رحلت و شهادت این بزرگ مرد، در ماه مبارک رمضان (ماه صیام) که ماه مهمانی خدا است

نغمهٔ عشق است از شعر دل انگیزت بلند *** وه چه با آهنگ موزون، این نوا بنواختی

مرحباً لک ای «تقی»! ای آیت ربّ جلیل *** پور موسائی و، راه حق چه خوش بشناختی

از ارادت شد چو مکیال المکارم منسجم *** پرچم عشق و ولایت را ز جان افراختی

شد «حکیم» از این اثر چون بهره ور از شوق گفت *** آفرین، شمشیر حق بر خصم حق خوش آختی

6- سرودهٔ مدرّس حوزهٔ علمیّهٔ اصفهان، حجّة الاسلام و المسلمین، آقای حاج شیخ رمضان علی جان نثاری، دربارهٔ مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی، و حالات و معنویات، و خدمات و کوشش های علمی و دینی آن بزرگ مرد.

زهی سعادت و توفیق صاحبِ مکیال *** که گشت شامل حالش ز خالق متعال

ز نسل پاک پیمبر، فقیه نام آور *** تقی موسوی، آن سیّد حمیده خصال

به عمرِ کوتّه خود کرد خدمت بسیار *** همیشه بود به ترویج و نشر دین فعّال

گذشت عمر شریفش به کسب دانش و فضل *** خوشا کسی که رود عمر او بدین منوال

به عنفوان جوانی به اجتهاد رسید *** فقیه و اهل نظر گشت در حرام و حلال (1)

به علم و دانش و فضل، از معاصرین افضل *** به خلق و خوی نکو بود، برتر از ابدال

هماره حوزه علمیه افتخار کند *** به آن فقیه گران قدر نادر الأمثال

میان علم و عمل داد انطباق آن مرد *** که بود حسن فعالش دلیل صدق مقال

خلوص پیشه خود ساخت، زان که دانست *** که بس خبیر و بصیر است ناقد الأعمال

کتاب های نفیسه دلیل گویائی است *** برای بینش و تحقیق آن خجسته مآل

هر آن کسی که بخواند کتاب مکیالش *** خداهش حفظ نماید ز فتنه دجال

اگر چه دید ز آیام، رنج و حرمان ها *** ولیک مانع راهش نگشت رنج و ملال

ص: 230

1- سراینده شعر، در یادداشتی مرقوم داشته اند که، در شب 21 خرداد ماه 1379 شمسی، در هنگامی که سر بر روی بالش گذاشتم، این شعر در توصیف صاحب مکیال المکارم به نظرم رسید، چراغ را روشن کردم و شعر را یادداشت نمودم، سپس خوابیدم. در عالم رؤیا دیدم دشتی وسیع و سرسبز و خرم است، و سید جوانی در حالی که معمّم بودند و شادمان به نظر می رسیدند، و با حالت خنده و تبسم به من نگاه می کردند، و از من حالت رضایت داشتند، و به من گفته شد که ایشان صاحب مکیال المکارم هستند

ثبات و همّتِ آن مرد حقِ نِگر، که دمی *** نکرد معضله ای در اراده اش إخلال

که نوشتنِ مکیال، قدسیان از شوق *** یسّحون له بالغدوّ و الاصال

چو این کتاب به فرمان صاحب الامر *** به جاست هر چه محبّان کنند استقبال

در آستانهٔ تألیف آن، ز حجت عصر *** رسید امر، که بگذار نام آن مکیال

ز ما، درود و ثنا باد بر مؤلف آن *** هماره شامل او لطف ایزد متعال

هزار حیف که آن عالم جلیل القدر *** از این جهان فنا زود کرد عزمِ رحال

برای خدمت شایان بیش تر افسوس *** به آن فقیه مجاهد أجل نداد مجال

به اعتقاد و یقین، دوست دار اهل البیت *** به گفته و به عمل، پیرو محمد و آل

کنون که قاعده و رسم روزگار این است *** که دست اهل فضائل تهی است از اموال

تو «جان نثار» به تحصیل علم و تقوا کوش *** که روز حشر نیاید به کار، مال و منال

سرودهٔ تو که باشد بضاعتی مزجات *** لیوف ربُّک من فضله لك الأکیال

7- سروده فرزند ارشد صاحب مکیال المکارم، حضرت حجّة الإسلام و المسلمین، آقای حاج آقا محمد فقیه احمد آبادی، درباره اثر معنوی و کیمیائی تربت مقدّس پاکان، و بهره مندی از خاک کوی شان، برای نظر به سرادق گردون، که به مناسبت تأسیس بقعه ای عظیم و با شکوه، بر تربت پاک پدر بزرگوار شان، مرحوم آیه الله فقیه احمد آبادی قدس سره سروده اند.

یک دم اگر به تربت پاکان گذر کنی *** خواب و خیال غیر حق از سر بدر کنی

گر توتیای چشم کنی خاک کوی شان *** بتوان که تا سرادق گردون نظر کنی

وان گه به زیر پای نهی مهر و ماه را *** وز هر چه هست غیر رضایش حذر کنی

از تنگنای چاه طبیعت برون درآ *** با پای دل به طارم اعلی سفر کنی

در قلزم وجود، تو هستی که می توان *** در کائنات، هر اثری بی اثر کنی

آب حیات، چشم هاش اندر در دهان توست *** ز آب حیات و خضر، چرا قصّه سر کنی

تا چند غبطه می خوری از رهروان راه *** خود مرد راه باش، توانی گذر کنی

ترسی اگر «فقیه» ز شمشیر غول راه *** باید تو را وسیله، که آن را سپر کنی

محکم بگیر دامن لطف علیّ و آل *** تا طیّ این طریق بدون خطر کنی

8- سروده شاعر مخلص اهل البيت عليهم السلام آقای حاج آقا رضا صغیرا (سعید)، یادگار فرزانه مرحوم استاد محمد حسین صغیر اصفهانی، درباره عظمت و شخصیت و آثار علمی و قلمی مرحوم آیه الله موسوی فقیه احمد آبادی قدس سره

زهی مردان با تقوی و ایمان *** که طی کردند راه کوی جانان

به چوگان سعادت، سر سپردند *** ز میدان، گوی دانائی بیردند

ز صهبای السّتی، مست گشتند *** به عهد خویشتن پا بست گشتند

زدند از فرط عشق و شور مستی *** به جز حق، پای بر أوراق هستی

(به راه عشقِ آن معبود یکتا *** ندانستند پا از سر، سر از پا)

ز فرط عاشقی و شوق دیدار *** شدند از جان، وصالش را خریدار

چو دل از خویش و بی گانه بریدند *** پیام وصل از جانان شنیدند

ز سوی حق به جای لن ترانی *** بر آن ها شد خطاب من رآنی

در این ره چون دلیل راه باید *** که تنها طیّ این وادی نشاید

ص: 233

به تسبیح و به تهلیل و نوافل *** نگشتند از امام عصر غافل

لذا رخش طلب در راه راندند *** به آشک و آه، دائم ندبه خواندند

همه شب تا سحر در یاد مهدی *** به لب ذکر و دعا بر یاد مهدی

همه روز از پی اش بودند در راه *** به شب در انتظارش تا سحرگاه

ز خُفت و خواب شان می بود پرهیز *** به شوق روی او، هر شب سحر خیز

مکرّر حلقه کوبیدند بر در *** مگر دیدار او گردد میسر

به حاجت بر در او ایستادند *** قدم در راه فرمانش نهادند

یکی زان جمع، مردی متقی بود *** که نام او «تقی الموسوی» بود

فقیه و عالم و صاحب کرامت *** مدارِ شرع و، دارای زعامت

ادیب و شاعر و دارای عرفان *** به تفصیل و بیان، دانای قرآن

ز تألیفات بسیارش به تحریر *** قلم عاجز بود از شرح و تفسیر

یکی تفسیر «قرآن کریم» است *** دگر «أَبْوَابُ جَنَّاتِ النَّعِيمِ» (1) است

«بساتین الجنان» و «نور الابصار» *** بود زبینه هم چون دیگر آثار

دگر زان هاست «مکیال المکارم» *** در آن پیداست معیار مکارم

اگر خواهیم دهم شرحش به تفصیل *** برون از حدّ گفتار است و تحلیل

دگر دیوان اشعارش که یک سر *** بود در مدح أولاد أولاد پیمبر

به ویژه در فراق روی جانان *** همه شب ها غزل گوی و غزل خوان

ز بحر سینه از دُرّ معانی *** بسی داده است دادِ نکته دانی

امام عصر را با بی قراری *** طلب بنموده است از بهر یاری

لسان الأرض می باشد مزارش *** درود رهروان حق، نثارش

«سعید» از آستانش بی نهایت *** تمنا می کند لطف و عنایت

ص: 235

9- سروده شاعر گرامی و دل داده اهل البيت عليهم السلام، آقای دکتر أحمد خلیلیان فرزند شاعر بزرگوار و فقید، مرحوم رجاء اصفهانی، درباره فقیه و مجتهد شهید، آیه الله فقیه أحمد آبادی، و آثار قلمی و برکات معنوی آن بزرگ مرد.

هر آن کس در ره داور قدم زد *** و یا عمری برای دین قلم زد

بود پاداش فعلش رستگاری *** دهد اجر و را خلاق باری

محمد موسوی سید تقی نام *** که بودی مرد پاک نیک فرجام

فقیه و آیه الله دل آگاه *** که می بود از پی فرمان الله

چهل سال مداوم کار می کرد *** به رغم نفس خود پیکار می کرد

کتابی چند در راه حقیقت *** نوشته با ره و رسم شریعت

تمام آن حدیث و مطلب نغز *** همه پر معنی و گویا و پر مغز

برای هر کسی از هر نژادی *** مفید و ره گشا گردید و هادی

یکی زان هاست مکیال المکارم *** در اوصاف امام حی قائم

که حلال بسی از مشکلات است *** برای گم رهان راه نجات است

ص: 236

أحاديثی در آن درج است نافع *** که بهر هر کسی دارد منافع

یکی «تفسیر قرآنی» نوشته است *** که در معنای آن راز بهشت است

یکی دیگر به نام «نور الأبصار» *** که از آن می شود پر نور أبصار

یکی تألیف او «آئین جمعه» است *** که نورش از تلؤلؤ، هم چو لمعه است

دگر آن «تذكرة الطالبین» است *** که راه رشد اگر خواهی همین است

دگر آثارش «آداب الصلوة» (1) است *** که بهر هر کسی راه نجات است

کتاب دیگرش «کنز الغنائم» *** که هر کس بیندش خواند مداوم

ز آثارش دگر، کانه به نام است *** مسمی بر «وظيفة الأنام» است

تقی آن آیت یزدان، نمرده است *** به نرد عشق، جنت پاک برده است

به قول طاهر آن بابای ألوند (2) *** که أشعارش بود سر تا به پا، پند

(خوشا آنان که الله یار شان بی *** به حمد و قل هو الله کار شان بی

ص: 237

1- اشاره است به کتاب آداب صلاة اللیل

2- بابا طاهر عریان، أهل الوند همدان بوده است

خوشا آنان که دائم در نمازند *** بهشت جاودان بازار شان بی)

خدایا هر که از بهر خلاق *** سعادت خواست از درگاه خالق

اگر زنده است، از او حاجت روا کن *** چو فانی شد، بر او رحمت عطا کن

10- سروده طلبه فاضل، و جوان پر شور، حجة الاسلام، آقای شیخ مسعود براری، درباره دل داده و دل سوخته امام زمان علیه السلام،
مجتهد شهید و فدائی راه حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه شریف) آیت الله موسوی فقیه احمد آبادی قدس سره

ای که مکیال المکارم آیت گویای تو *** شاهی زنده ز مهر و عشق چون دریای تو

موسوی نامی، ولی عیسی دمی بر رهروان *** روح پاک تو عیان، از چهره و سیمای تو

یادگار از خود نهادی سوز و آشک و آه خویش *** با عنایت شد نوشته، توشه فردای تو

سر پرستی کرده ای ایتم آل الله را *** حق مضاعف سازد اجر همّت والای تو

معدن علمی و، آرام دلی بر مردمان *** آخر این ها شد زکاتی از دل دانای تو

ص: 238

می دمد در دل تولی، می رباید قلب ها *** بوی یوسف می دهد گفتار روح افزای تو

وہ چه کوتہ بود عمر پر ضیاء و روشنت *** شد شہادت جامہ ای خوش بر تن رعناي تو

ای شہید عالم و، ای عاشق و دل دار یار *** کی تواند مام گردون آورد ہمتای تو

شعر می گوید ہمی «تنہا» بہ مدح یار یار *** ہم فرو آرد سر تعظیم اندر پای تو

11- سرودہ شاعر مخلص و با ولایت، آقای حاج احمد آب شاهی، در تجلیل از مقام والای صاحب مکیال المکارم، و عنایت حضرت زہرا علیہا السلام و بقیۃ اللہ الأعظم، امام زمان (عجل اللہ تعالی فرجہ شریف) بہ آن بزرگوار، و اشارہ ای بہ عظمت بقعہ و مزار شریف ایشان، در لسان الأرض اصفہان.

«حَبَّتْ أَبْطَحِي» است آیت حق *** از بیانش دہد بہ دین رونق

قلمش در نگارش و تألیف *** کردہ الحق ادای این تکلیف

کہ بود سبط صاحب مکیال *** اسوہ و مقتدای اہل کمال

سیّد متقی، تقی نامش *** حَبَّتْ حق (عجل اللہ تعالی فرجہ شریف)، نمودہ إکرامش

عالمی با خلوص و دانش مند *** لطف زہرا علیہا السلام بود بہ این فرزند

مہدی فاطمہ چو طالب اوست *** نام مکیال ہم ز جانب اوست

چون کہ مکیال مورد نظر است *** فاطمہ شادمان از این پسر است

اصفهان فخر می کند به جهان *** چون که باشد مزار او در آن

بقعه اوست در لسان الأرض *** احترامش به اهل ایمان فرض

مردم خیر قوی ایمان *** بهر تأسیس بقعه ای شایان

دست یاری و خیر داده به هم *** تا بسازند این بنا محکم

حجت ابطحي نمود اقدام *** یابد این صحن و بقعه، تا اتمام

«آبشاری» شود قدش چون دال *** بهر تعظیم صاحب مکیال

12- سروده شاعر نام دار و مخلص، و دل سوخته اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، استاد، ژولیده نیشابوری (از تهران)، درباره عظمت علمی و معنوی، و شخصیت برجسته آیه الله موسوی احمد آبادی قدس سره، و کتاب مکیال المکارم، و عنایت و تأیید ویژه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف) نسبت به آن کتاب ارزش مند و مؤلف بزرگوار آن.

پس از حمد پروردگار ودود *** که در بندگی موسوی را ستود

بود او ابر مردی از اصفهان *** که باشد نشانی ز هستی نشان

محمد تقی عاشق معنوی *** به عالم بود شهرتش موسوی

که آثار علمش نمایان بود *** که ستوار کوهی به ایمان بود

ص: 240

بزرگ آیتی از تبار نبی *** پژوهش گری با ولای علی

شنیدم که در عالم جسم و جان *** رسیده حضور امام زمان

به علمش همه عالمان معترف *** به کوش همه عارفان معتکف

به جود و کرم حاتمش چون گدا *** به خلق نکو وارث مصطفی

به ترویج دین هستیش صرف شد *** سرا پا عمل، عاری از حرف شد

بماند از کمالش در این روزگار *** دو صد پند و اندرز زو یادگار

جهان بارور شد ز عمر گمش *** که نام نکو مانده در عالمش

به کلکش بسی راز ها خفته است *** که دُر با مهارت بسی سفته است

همانا که مهدی امام زمان *** که باشد یم رحمتش بی کران

به مکیال او مهر تأیید زد *** که گل بر سر شرع و توحید زد

مروری در آن بال و پر بخشدت *** ز باغ ولایت ثمر بخشدت

کتابی است آرزنده مکیال او *** که بخشنده، بخشیده اِجلال او

بخوان موسوی أحمد آبادیش *** قلم وصف کرده به استادیش

شوی پخته از فکر آگاه او *** که «ژولیده» شد پیرو راه او

13- سروده شاعر دل بسته به اهل البيت عليهم السلام، آقای علی غفر اللهی «ماهر» به یاد فقیه نستوه، و مجتهد بزرگوار، آیه الله موسوی فقیه أحمد آبادی قدس سره.

سلیل ختم رسل، سید خجسته خصال *** بزرگ آیت پروردگار جلّ جلال

به اسم و رسم، محمد تقی، فقیه فهیم *** که شد ز علم و کرامات، صاحب مکیال

چو آن صحیفه شد از فکر روشنش پر بار *** دلش چو باغ شکوفا، شکفت در آن حال

شد آن شهید طریق خدا، مطیع و، نهاد *** به امر مهدی موعود، نام آن مکیال

به جای ماند از آن عالم خبیر جلیل *** بسی نوشته جامع، همه بدین منوال

زهی سعادت آن سید ستوده صفات *** که هست شامل او لطف ایزد متعال

ص: 242

به عمر کوتاه خود همّتی بلند نمود *** به نشر دانش و عرفان، به راه فضل و کمال

همیشه ناصر دین بود و حامی قرآن *** که بود ناشر دین، در ره محمد و آل

یقین که خامه سحر آفرینش از إعجاز *** به فتح کشور دل ها همی بُود فعال

أجل نداد مجالش که بیش تر کوشد *** به راه بذل عنایات، بر نساء و رجال

لسان غیب و، مزارش بُود لسان الأرض *** بهشت عدن مقامش، به محضر ابدال

به وصفِ سیّدِ نستوه موسوی «ماهر» *** سرود گوهر شعری به شیوه اجمال

14- سروده شاعر اهل البيت عليهم السلام آقای حاج احمد میرزا هاشم زاده متخلص به «یمین» درباره فقیه شهید، آیه الله فقیه احمد آبادی قدس سره

امام زمان، وجه پروردگار *** ولی خدا قائم هشت و چار

که فیض الهی بر او دائم است *** همه ماسوی الله بر او قائم است

ص: 243

کسی را که او در جهان یاور است *** یقین دان هوا خواه او داور است

به هر دل بود عشق او در جهان *** برد بهره ها از ولّی زمان

ز أنوار فیضش کند کسب نور *** کند بس اثر ها ز فعلش ظهور

سعادت شود یار آن عالمی *** که ارشاد گردد از او عالمی

به نطق بلیغ و به فیض قلم *** کند پرچم دین حق را عَلم

صفاهان ما هست اقلیم علم *** حریمش بود مهد تعلیم علم

پر از عالمانست این سر زمین *** کند سعی شان پایه دین، متین

یکی زان همه عالمان بنام *** که بودند و هستند نیکو مرام

بود عالمِ فاضلِ متّقی *** لقب «موسوی»، نام «سید تقی»

مقامات او تا بدان جا رسید *** که با دست دشمن ز کین شد شهید

کسی را که یزدان دهد آبرو *** به بحر شهادت کند شست شو

تمام مکارم به «مکیال» اوست *** از این رو سعادت به دنبال اوست

ز مهدی مدد جسته بس آن جناب *** به تأیید حضرت رسید آن کتاب

کتابی که در علم باشد چو کوه *** بسی راسخ و ثابت و با شکوه

به لطف امام زمان شد تمام *** از این رو دهد بهره بر خاص و عام

درود خدا بر روانش «یمین» *** به آثار آرزنده اش آفرین

15- سروده شاعر سخن سنج و با ولایت، استاد محمد قدسی، درباره فدائی و شهید راه صاحب العصر و الزمان (عجل الله فرجه الشریف) آیه الله، آقا سید محمد تقی موسوی فقیه احمد آبادی قدس سره

ای بهار بی خزان، ای اصفهان *** افتخاری بر جهان، ای اصفهان

خاک دُر خیز تو عالم پرور است *** جلوه زار مردم دین باور است

ص: 245

عالمانت در معالِم بی نظیر *** هر یکی را بس مقاماتی خطیر

مجلسی ها، درچه ای ها، بس بزرگ *** تُستری ها، میر ها، فحل و سِتُرگ

بِه ز هر گنجینه ای آثار شان *** آفرین بر همت سرشار شان

در معارف، توزِ هر جا بهتری *** مهدِ علمی، از همه دنیا سری

گر ترا نصف جهان دانسته اند *** کم بها در این میان دانسته اند

در جهان از دانش و فضل و هنر *** هست اقلیم تو دانش خیز تر

دُرَج دامانت گهر می پرورد *** موسویّ نامور می پرورد

نام این عالم بود «سید تقی» *** فاضل است و پارسا و متقی

هست از تألیف آن عالی جناب *** گوهری اُرزنده و لُبّ اللُّباب

نام «مکیال المکارم»، دل نواز *** وصف مهدی مقتدای اهل راز

این که شمع جمع تألیفات اوست *** حاصل یک عمر از اوقات اوست

بود بر فرمان او، از جان مرید *** تا که در راه وصالش شد شهید

هر شب از سوز فراقش می گداخت *** جز بر آن موعود مطلق، دل نباخت

سوخت در هجران رویش هم چو عود *** در غمش یک لحظه آرامش نبود

در «لسان الأرض» مدفون شد به خاک *** با دلی از عشق «مهدی» چاک چاک

«تخت فولاد» این سرای آخرت *** از «لسان الأرض» دارد منزلت

بر جناب «ابطحی» صد مرحبا *** او که می باشد ز نسل مرتضی

عالمی عامل، فقیهی با کمال *** اهل شور و حال و دور از قیل و قال

همت مردانه او گر نبود *** وَر خلوص این خدا باور نبود

بر مزار آن به حق دل باخته *** بقعه ای هرگز نمی شد ساخته

بهر او این شعر را «قدسی» سرود *** کرد تقدیمش به رسم یاد بود

پیش گفتار...7

بشارت ها و اشارت ها...7

نسب و خاندان علمی آية الله فقيه أحمد آبادی...9

نسب و خاندان علمی...11

همسری لایق، و بانویی با ایمان...12

دو قضیه جالب و ارزش مند...13

سال های آخر عمر و بدرود زندگی...15

فعالیت های درسی و آثار علمی آية الله فقيه أحمد آبادی...17

اساتید و مربیان...19

شاگردان...22

شخصیت علمی و آثار آية الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی (پاورقی)...22

افتخاری بزرگ و ادب اخلاقی جالب...24

تألیفات و آثار قلمی...25

نسخه برداری از کتب علمی...30

چاپ و نشر کتاب مکیال المکارم...32

کرامتی و عنایتی برای انتشار کتاب مکیال المکارم...33

ترجمه مکیال المکارم، و انتشار وسیع آن...34

ص: 249

مکیال المکارم در مسیر کتاب درسی شدن در مجامع حوزوی و دانشگاهی...34

فضائل اخلاقی و روحی آیه الله فقیه احمد آبادی...37

فضائل اخلاقی و مناقب روحی آیه الله فقیه احمد آبادی، در یک نگاه...39

خلوص نیت و توجّه به خدا...40

تهجد و سوز و گداز در دل شب...41

علاقه و محبت شدید نسبت به حضرت زهراء عليها السلام...45

خدمت گزاری در عزای حسینی...47

نبوغی برجسته و ذهنی سرشار...48

پشت کار و جدّیت...48

نظم در امور...49

مجمع زیبایی های طبیعی و معنوی و خطّی زیبا...49

آیه الله فقیه احمد آبادی و هدایت ها و فعّالیت های اجتماعی...51

عمری کوتاه ولی پر برکت...53

عنایت و توجّه به هدایت عمومی و راهنمایی عامّه مردم...53

جایگاه معنوی برجسته در افکار عمومی...55

مجاهده و مبارزه با مفسد...56

نجات دادن گرسنگان مضطّر در دوره قحطی...57

مسافرت های آیه الله فقیه احمد آبادی...57

جلسه ای دوستانه و سیّار، و خاطره ای جالب...58

محلّ اقامه جماعت و تدریس آیه الله فقیه احمد آبادی...60

آستان مقدّس امام زاده اسماعیل علیه السلام و مسجد شعیای نبی علیه السلام...60

مسجد شعیای نبی علیه السلام اَوّلین مسجدی که در اصفهان بنا شده...62

ص: 250

رونق و عظمت آستان مقدّ امام زاده اسماعیل علیه السلام...64

مدرسه امام زاده اسماعیل علیه السلام = مدرسه ابراهیم بیگ...65

نظارت خاندان آیه الله فقیه أحمد آبادی بر مجموعه یاد شده...67

توجه و عنایت به فرزندان و تربیت آن ها...68

خواستگاری با صفا، و ازدواجی مقدّر...69

آیت الله فقیه ایمانی هم راهی در طریق نور و هم سفری در مسیر جانان...70

نظری و عنایتی، در شبی به یاد ماندنی...77

گزیده ای از سروده ای بلند، از آیه الله فقیه ایمانی قدس سره...79

گزیده ای دیگر، از سروده مفصّلی در باب انتظار فرج...82

جلوه هائی از عنایات اهل البیت علیهم السلام به آیه الله فقیه أحمد آبادی...83

علماء موفق، مشمولان عنایت اهل البیت علیهم السلام...85

عنایت های ویژه و الطاف مخصوص...86

شب های نور و زمزمه های انس...87

تشرّفی بزرگ و از اسرار...90

دیداری دیگر و فیضی برتر (فرمان تألیف کتاب مکیال المکارم)...92

عنایتی و کرامتی دیگر...93

دیداری پر برکت و افاضه های علمی و معنوی...94

و این هم عنایتی و کرامتی...96

عنایتی دیگر و گشایشی بی گمان...97

گشایشی الهی و هدایتی معنوی...98

بیان یک توسّل به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف)...98

تابشی نورانی و جلوه ای سحری...100

ص: 251

- امدادی غیبی و عنایتی حسینی...100
- از جانب مولی عنایت می رسد...102
- سیمائی نورانی و جلوه ای مهدوی...102
- رؤیائی جالب، و مقامی رفیع، و ارزوئی بزرگ...103
- عنایتی جالب، در سفری مورد عنایت...105
- داستانی جالب و کرامتی شگفت از امام حسین علی السلام در سفر کربلا...105
- رؤیائی عجیب که حدیثی جالب را تفسیر می کند...107
- روح مقدّس صاحب مکیال آلککارم راهنمایی می نماید...109
- چند کرامت در یک داستان، در رابطه با کتاب آئین جمعه...110
- شهادت و ارتحال آیه الله فقیه أحمد آبادی...113
- پرواز به سوی حق، در ماه ضیافت الهی...115
- چرا و چگونه شهادت؟...116
- جریان و کیفیت شهادت...118
- زمزمه هائی در آستانه سفر، و در هنگامه پرواز «قبل از شهادت»...119
- دوات پر مرگب زیر خاک رفت...120
- بقعه و مزار آیه الله فقیه أحمد آبادی...123
- مرقد مطهر آیه الله فقیه أحمد آبادی قدس سره در تخت فولاد و لسان الأرض...125
- تخت فولاد، نمایان گر عظمت علمی اصفهان...125
- تخت فولاد یاد آور چهره های درخشان...126
- تاریخچه گورستان تخت فولاد و دفن اموات در آن...127
- اهمیت معنوی و تاریخی گورستان تخت فولاد...129

لسان الأرض، نشانه ای تاریخی و معنوی، در تخت فولاد...130

ص: 252

ورود امام حسن علیه السلام به اصفهان...131

قبر حضرت یوشع علیه السلام، نشانه ای تاریخی و معنوی در تخت فولاد...132

تخت فولاد، محلّ عبادت و تحصیل علم...133

توسّل به نماز امام حسن مجتبی علیه السلام در سرزمین لسان الأرض...134

تأسیس بقعه صاحب مکیال المکارم...134

مشکلاتی در راه رسیدن به مقصود...135

شتاب حرکت...137

مراسم کلنگ زنی...137

اجتماعی بزرگ و نورانی...138

عنایتی عجیب و کرامتی بزرگ...139

اجتماعی دیگر و افاضه هائی گسترده تر...141

دو دفعه دعای عهد خوانده شد، دو دفعه تشرف حاصل شد...142

نتیجه گیری...144

سروده های آیه الله فقیه أحمد آبادی (عربی و فارسی)...147

آثاری جاوید و یادگار هائی ماندگار...149

سروده های عربی...149

1- سروده ای پر سوز، در غم هجران مولی...149

2- سروده ای دیگر، در هیجان حزن و اندوه در فراق امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف)...151

3- سروده ای دیگر، در عرض ارادتی به محضر حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه شریف)...153

4- سروده ای دیگر، در عرض ارادت به آن حضرت...153

5- سروده ای پر سوز، از آثار سحری، در حال شدت درد هجران...154

6- سروده ای زیبا درباره فضیلت روز جمعه...155

ص: 253

7- سروده جالبی درباره حضرت زهراء عليها السلام و آشک بر آن حضرت...156

سروده های فارسی آیه الله فقيه أحمد آبادی...159

بنای دل...159

تهی نمودن دل از اغیار...161

آماده باش...163

توشه از دست رفته، و راه در نیمه...163

یا صاحب الزّمان...164

آه و ناله در فراق یار...166

نظری سوی ما فکن...167

جان به لب رسید...168

جهان گلستان گردد...169

حدیث محبّت...169

خون دل از هجر...170

لقاء طلعت زیبا...171

رباعیات...171

آیه الله فقيه احمد آبادی، از دیدگاه صاحب نظران...177

آیه الله فقيه أحمد آبادی، در نوشته های...179

آیه الله فقيه أحمد آبادی از دیدگاه آیه الله العظمی صافی گلپایگانی...180

نکات برجسته...182

آیه الله فقيه أحمد آبادی، افتخار شیعه و مجتهدی بزرگ...184

آیه الله فقيه أحمد آبادی، در کتب تراجم...186

مقالاتی جالب از چند شخصیت معاصر، درباره آیه الله فقیه احمد آبادی... 188

ص: 254

«با کتاب مکیال المکارم» از: حاج سیّد أحمد حسینی اشکوری...188

«پیمانۀ نیکی ها» از: حاج سیّد مهدی حائری قزوینی...193

«ستاره فروزان» از: حاج شیخ علی اکبر مهدی پور...197

«پرچم دار بزرگ مکتب انتظار» از: حاج شیخ محمد حسن یوسفی...203

آیه الله فقیه أحمد آبادی، از دیدگاه شعرای عالی قدر...215

آیه الله فقیه أحمد آبادی، از دیدگاه شعراء...217

1- سرودۀ آقای علی شیرانی «صحّت»...218

2- سرودۀ آقای حاج محمد علی صاعد «صاعد»...219

3- سرودۀ آقای سیّد محمد حسن صفوی «قیصر»...223

4- سرودۀ آقای محمد حسین سرور اصفهانی «سرور»...226

5- سرودۀ آقای دکتر سیّد مهدی ایزدی «حکیم»...228

6- سرودۀ آقای حاج شیخ رمضان علی جان نثاری «جان نثار»...229

7- سرودۀ آقای حاج آقا محمد فقیه أحمد آبادی «فقیه»...232

8- سرودۀ آقای حاج آقا رضا صغیرا «سعید»...233

9- سرودۀ آقای دکتر احمد خلیلیان «خلیل»...236

10- سرودۀ آقای شیخ مسعود براری «تنها»...238

11- سرودۀ آقای حاج أحمد آب شاهی «آبشاری»...239

12- سرودۀ آقای حسن فرح بخشیان، ژولیده نیشابوری «ژولیده»...240

13- سرودۀ آقای علی غفر اللهی «ماهر»...242

14- سرودۀ آقای حاج أحمد میرزا هاشم زاده «یمین»...243

15- سرودۀ آقای محمد قدسی «قدسی»...245

از محضر مبارک همه علماء اعلام، و اساتید بزرگوار، و شعراء عالی قدر، و علاقمندان و دوست دارانی که به گونه ای، در تهیّه این یاد نامه و شرح حال، نقشی داشته اند، و با اطلاعات سودمند، یا تشویق و حمایت روحی ارزش مند خود، در فراهم آمدن و نشر این مجموعه، تأثیر داشته اند، و در مقدمات و تمامی مراحل چاپ و نشر آن دل سوزانه گامی برداشته اند، بالأخص دوست گرامی، جناب مستطاب حجّة الإسلام، آقای حاج سیّد محمد رضا ابطحی دام عزّه و توفیقه، که در تمامی مراحل امور کامپیوتری و صفحه آرایی کتاب، با دل سوزی کامل و حوصله مخلصانه، اقدام نموده اند، و بیش ترین دقت را برای درستی و زیبایی کتاب به کار گرفته اند، صمیمانه قدر دانی می نمایم، و از خداوند متعال آرزو می نمایم که در زیر سایه حضرت بقیّة الله الأعظم، حجّة بن الحسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه شریف)، به موفّقیت های دینی و دنیائی و کام یابی مادی و معنوی نائل گردند.

نویسنده کم ترین میر سیّد حجّة موحد ابطحی

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهل بیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگویم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

